

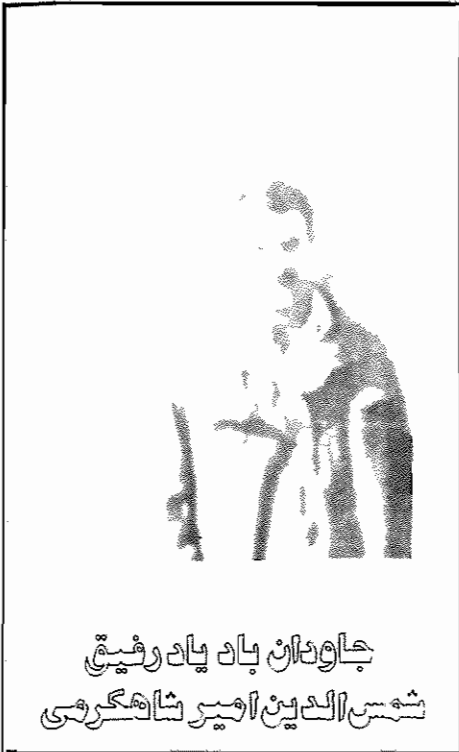


مبارزه کارگران انقلابی ایران در راه

انقلاب

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دوره دوم سال نهم ★ ارکان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ ۱۲۰ ریال قیمت : شماره ۵ ♦ اردیبهشت ۱۳۶۷



جانوران باد یادرفیق
شوش الدین آل‌امیری شاه‌گروهی

انشعاب در حزب دمکرات و اعلام مواضع
حزب دمکرات کردستان ایران
«رهبری انقلابی»
در صفحه ۲۳

اعتصاب پرشکوه و پیروز
کارگران صنایع الکتریکی البرز
در صفحه ۱۸

پاسخ به نامه‌ها
در صفحه ۲۸

جنبش کارگری ایران در سال ۶۶
در صفحه ۶

جنبش کارگری در مقابله با سرمایه
در صفحه ۱۶

اطلاعیه مشترک

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
به مناسبت یکصد و دومین سالگشت اول ماه مه

در صفحه ۲

توابعدبازی این سازمان توابعدبیش
بود، و اصول حاکم همان اصول دمکرات قتل
سازمان این سازمان نیز:
اولاً حق "انتخاب کردن" برای مردم
"عوام الناس" چیزی نیست جز حق "پذیرش" آرای
که فقها به نیابت ما در می‌کنند. "انتخابات"
هم در مفهوم کلی و عام آن، یعنی رضی مردم به پای
مصدق های رأی و صحت گذاشتن بر لب حسب رأی
از آنان؛ و بعضی رأی دادن به لزوم قیامت و
ولایت بر آنان!
چرا که: در نظام حقوقی ولایت فقیه، رأی
بقیه در صفحه ۶

انتخابات:

رژیم شکست خورده و مردم پیروز

ولایت فقیه برای سزدهمین بار از زمان
استقرار، صندوق های رأی گیری را بیرون کشید و
به زعم خود برای سومین دوره مجلس اسلامی به
آراء عمومی مراجعه کرد، نخستین مرحله رأی گیری
روز ۱۹ فروردین ۶۷ برگزار شد و بر اساس نتایج
اعلام شده در این مرحله ۱۹۰ هزار و ۲۷۰ نفر عضو مجلس
آتی از صندوقها بیرون آمدند و ۸۰ هزار نفر باقی
مانده اند برای مرحله دوم.

بودجه ۶۷ سال بودجه جنگ و تورم

در صفحه ۱۵

ولایت مطلقه فقیه و انشعاب در روحانیت

در صفحه ۱۳

صندوقهای قرض الحسنه: صندوقهای چپاول

در صفحه ۱۴

روز مقاومت دانشگاه

در صفحه ۲۳

مبارزه علیه جنگ ارتجاعی راگسترش دهیم

ضرباتی که رژیم جمهوری اسلامی
روز بیست و نهم فروردین در شبه جزیره فسا و در
خلیج فارس متحمل شد، نشان دهنده نقطه عطفی
در روند جنگ ارتجاعی ایران و عراق است. این
ضربات بطور قطع نشان دادند که رژیم فقیه دیگر
قدرت تهاجمی خود را از دست داده است. در این
روز جمهوری اسلامی بطور همزمان، بعد از دو سال
تسلط بر بخشی از فا و بطور کامل از این شبه
جزیره عقب رانده شد؛ و در جریان یک جنگ دریایی
با نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا نه تنها
دوسوی نفتی سیری و مسلمان به آتش کشیده شدند،
بلکه در مجموع شش کشتی جنگی ایران (یعنی
حدود نیمی از کشتی های نیروی دریایی ایران)
غرق یا فلج شدند. اگر چه ادعای رژیم فقیه
در مورد همکاری رژیمهای عراق، آمریکا و کویت
در عملیات فا و، تبلیغات عوام فریبانه ای بیست
نیست که بمنظور توجیه این شکست سر هم بندی
شده است؛ اما همزمانی هر چند تصادفی جنگ
بقیه در صفحه ۴

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!



اطلاعیه مشترک سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت یکصد و دومین سالگشت اول ماه مه

کارگران مبارز ایران!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) یکصد و دومین سالگشت اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران را به شما شادباش میگویند.

یکصد و دو سال از رزم پرشکوه کارگران اعتماسی شیکاگو امریکا در اول ماه مه ۱۸۸۶ میگذرد. از آن روز تا کنون، سرگذشت این روز، تجدید عهد تمام کارگران جهان برای تشدید مبارزه متحد علیه نظام مکتب تاسو به داری جهانی بوده است. از آن زمان تاکنون پرولتاریای جهانی در مبارزه طولانی و پرتلاطم طبقه تاش، با سلاح شکل و رزمندگی و به قیمت قربانیان بیسایر سگرهای سرما به دراهم کوبیده و به سرزویهای چشمگیری دست یافته است. پیروزی انقلاب کبیرا کبیرا کبیرا، طبقه کارگر با تسخیر قدرت سیاسی و جهانی سوسیا لسم مرحله نوبتی را در مبارزه تاریخی خویش گشود؛ از آن پس هر سالی که شست گذاشته ایم بخشی از جهان که پهنه تخریب شده و دنیای نو، دنیای سوسیا لسم و ست بیشتی بخود گرفته است. هم اینک اول ماه مه را در بیسی از یک سوم کره خاکسی، بیروبرانه های سلطه طبقات استثماری رکننده جشن میگیرند و صوف پرسوک و سکت نا بذیر طبقه کارگر برای فتح شما می جهان با استواری و ظفرمندی پستی می سازد تا پرچم سرخ اول ماه مه، پرچم آزادی و سوسیا لسم را در سرتا سرگیتی به اهتزاز درآورد.

طبقه کارگران ایران نیز به مثابه کردانی از ارتش جهانی کارسایکارهای حوسبی و قربانیان سیار، سرود ساداری و آغاز زندگی نورا در رزم سروسوت سار خود به ندا درآوردده است. کارگران قهرمان ایران بویزه از قسا مپهن تا کنون به آگاهی زرف و تحارب عظمی دست یافته اند. تشکلهای وسیع کارگری، اتحادیه ها و شوراهای کارگری که در دوران طوفانی انقلاب پا گرفتند، نشان دادند که طبقه کارگر متشکل چه سروسوی پر قدرتی است. هراس جمهوری اسلامی ارتدرت متحد و رزمنده کارگران در تشکلهای سندیکائی و شورائی شان این تشکلها را به آماج سورتی و حسیا نه رژیم تبدیل کرد. جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را بیکار گرفت تا با منهدم نمودن تشکل های مستقل کارگران و تحمیل یک قانون کار ارتجاعی سداسان صوف متحد کارگران را درهم کوبد و استثماری روسدکی آنان را تشدید نماید. دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با طبقه کارگر هم چنین خود را در سه رسمت نشا حتی اول ماه مه به متا به روز تعطیل کارگری عیان ساخت. اما کارگران قهرمان ایران با اتکاء به سنت رزمنده انقلاب بهمن به دفاع از هویت مستقل طبقه تاش خویشی برآمدند و در برابر سرتعری و حسیا نه رژیم سد عبور نا بذیر مبارزه پیگیر خویش را قرا دادند؛ تا بدانجا که تلاش های مکرر رژیم جمهوری اسلامی را برای تحمیل قانون کار ارتجاعی به شکست کشا شدند. و سرانجام اول ماه مه را عیسا به روز تعطیل کارگری به آن تحمیل کردند.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آستانه یکصد و دومین سالگشت اول ماه مه، شما می کارگران را به تشدید مبارزه حول محوره های زیر فرامی خوانند:

- ۱- اگر چه رژیم جمهوری اسلامی در سار بر مفاومت خستگی ساد سراسما عیب نشینی کرده و روز اول ماه مه را به رسمیت شناخته است؛ اما، ولاین پیروزی قطعی نیست، تا نیا سرمداران رژیم ارتلاش ضد کارگری شان برای حل و گسری از بر گزارای مستقل اس روز دست نخواهند بست. کارگران ایران باید امسال نسوسر همجون سال های قبل به تعطیل کارخانه ها اقدام نمایند و با تحریم مراسم فرمایشی رژیم ورزه جنگی آن، تحمیلات مستقل خویش را سرپا دارند.
- ۲- طبقه سالی که از قیام بهمن میگذرد، مبارزه برای قانون کار انقلابی - دمکراتیک و دفاع از حق تشکل و حق اعتصاب همواره یکی از خواسته های اساسی کارگران را تشکیل داده است. س از شکست مفتصحا به رژیم در تحمیل نس سوس های فلسی ایک سرمداران رژیم جمهوری اسلامی می کوشید با بذرتن ظاهری برخی از خواسته های کارگران در صوف متحدان تصرفه ساد زنده و سار رات شما را به سکت کشا سد. ساس وجود دشمنی رژیم سار طبقه کارگری سار سوسر در سلس حق تشکل مستقل کارگران و حق اعتصاب و جایگزین نمودن آن سار کاران های سرکوب دولتی جون انجس ها و شوراهای اسلامی کار حل و گسرتده است. پس با حلقه زدن حول پرچم قانون کار انقلابی - دمکراتیک که رهس کلی آن در بیانه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در تاریخ ۲۳ تیرماه سال ۶۶ نشا ریافت مبارزه خویش را علیه سیاستی ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و برای دست یافتن به اسس خواست اساسی خود تشدید نمایند.

۳- رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر تشدید ستم و استثماری روز بروز بر وسعت جنگ ارتجاعی کنونی می افزاید. در سراسی که گسرتن جنگ ارتجاعی ایران و عراق زندگی توده های زحمتکش را در سرتا سر خاک دو کشور به دهشتناکترین شکلی مورد تهدید قرار میدهد، مبارزه برای اهداف انقلابی و دمکراتیک، مبارزه پیگیر علیه جنگ ارتجاعی و علیه رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی بیسونه نا گسرتنی دارد؛ پس با تمام توان رزم پرشکوه خود را علیه جنگ و برای سرگوسی رژیم جمهوری اسلامی سازمان دهید و شما به طبقه بیثا هنگ انقلاب حسیا عموم توده های زحمتکش را به پیروزی نپاشی رهسوم شوبد.

۴- رژیم جمهوری اسلامی قبل از هر چیز رژیم سستی به سلاح سرکوب و اختناق است. از همین رو طبقه کارگر بدون مبارزه پیگیر و خستکی نا بذیر علیه سرکوب و اختناق و در دفاع از آزادی بیان، عقیده، تشکل، اعتصاب، قطع شکنجه و اعدام و آزادی زندانیان سیاسی نمی تواند به اهداف خویش دست یابد و شما می زحمتکش را حول پرچم خویش گردآورد. دوسا زمان در آستانه روز اول ماه مه، کارگران قهرمان ایران را به تشدید مبارزه در راه کسب آزادیهای سیاسی و مطالبات دمکراتیک توده ها فرامی خوانند.

۵- روشن است که کارگران بدون بیافکندن اتحاد طبقه تاش خود نمی توانسد به اهداف مبارزاتی خویش دست یابند. این درسی است که هر کارگر مبارزی از قیام بهمن آموخته و در جریان سه سال مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر به درستی آن پی برده است.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شما می کارگران را سار هر مراسم و عقیده ای ساد اتحاد و همبستگی در تشکل های مستقل خویش دعوت می کنند. اول ماه مه امسال باید به روز تشدید مبارزه متحد کارگران برای برپائی تشکل های مستقل و طبقه تاش تشکل تبدیل گردد.

فرخنده ساد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

سرکوب ساد جمهوری اسلامی! بر قرا ساد جمهوری دمکراتیک خلق!

زنده ساد آزادی! زنده ساد سوسا لسم!

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

جاودان باد یاد رفیق

شمس الدین امیر شاهکرمی

داشت. رفیق شاهکرمی نماینده کارگران بود و پیگیرانه برای ارتقاء مبارزات صنفی - سیاسی و ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران مبارزه میکرد. او هم‌رزم کمونیست کارگران و نماینده واقعی آنها بود که از محبوبیت بسیاری بین کارگران و زحمتکشان منطقه فریدن اصفهان و رفقاسا و دوستانش برخوردار بود، او با خدمتگزاری کمونیستی، فداکاری، متانت، استقامت مبارزاتی جسارت و صداقت خود، بزرگ اعتماد و مصمیمیت و احساس نزدیکی و یگانگی در روابطش را می‌گاشت.

رفیق شاهکرمی (با نام تشکیلاتی امیر) در بخش کارگری تشکلات فعالیت میکرد و همواره اهداف و مقاصد خود را با بی‌شائبگی و صداقت پیگیری می‌کرد. بعد از ورود در جریان دستگیری رفیق ۱۸ مردود در خانه اش کمین کرده بودند. وقتی که رفیق از سرکار بر میگردد و وارد خانه میشود دیدار او با رفیق در آنجا بود. آنرا بیرون می‌آورد که بخورد تا بدست دشمن نیفتد. پس در آن تلاش می‌کنند که مانع شوند، تلاش دسته جمعی آنها و مقاومت رفیق امیر دوساعت طول میکشد تا سرانجام موفق به خوردن کاه می‌شود پس از آن نیز شجاعانه بمقا بله با آنجا می‌پردازد، پس از آن رژیم اسلامی دست و پستی رفیق را بسته و داخل گونی می‌اندازند و تنه‌ها بدین صورت موفق به بردن او میشوند. در شکنجه‌گاه سپاه (خیابان کمال اسما عیل اصفهان و محفل ساواک سابق) او را به زیر شکنجه می‌برند ولی رفیق کمونیست مان که سایرها امتحانش را پس داده بود اینبار هم شکنجه‌ها ذره‌ای بر او نداشتند و او در مقابل بازجوها و شکنجه‌گران مثل گذشته تهاجمی بود، شها مت و شجاع است، رزمندگی و اعتماد دیگرانش به مبارزه انقلابی از او قهرمانی ساخت که حماسه ساز زندان اصفهان شد. در زندان اصفهان اسیر مطهر مقاومت بود: او و تحمیرا که رگربوده همه زندانسان با اعتماد داشتند و سنا متی قسم می‌خورند و زندگیش سر مشق دیگران بود.

در مدتیکه رفیق در بازداشت بود هرگز به شکنجه‌گران و آدمکشان رژیم اسلامی اجازه نداد بر چشمانش چشم‌بند بزنند. در زندان رفیق کمکم عده‌ای دیگر از مبارزان و کمونیستهای طرحی برای فرار داشتند در جریان تدارک فرار، بازجو متوجه

رفیق شمس الدین امیر شاهکرمی در یک خانواده زحمتکش روستائی در بادکون از توابع فریدن اصفهان در سال ۱۳۲۲ بدنیآ آمد. رفیق از زمانیکه در هی دبستان شد، دوش بدوش خانواده زحمتکش خود بکار سخت در مزارع پرداخته و همیشه با ورخانواده در تالمین معاش بود. رفیق شمس الدین پس از پایان دوران دبیرستان به اصفهان رفت و در آنستتو تکنولوژی در رشته ساختمان درس را ادامه میدهد. در همین دوره به صفوف مبارزان علیه حکومت ستمشاهی پیوست و فعالیت خود را در رابطه با گروه موسوم به مهدیون آغاز نمود.

سال ۵۳ در جریان حمله به پاسگاه ژاندارمری در اطراف داران از توابع فریدن اصفهان دستگیر شد و پس از شکنجه‌های فراوان در ساواک اصفهان، بالاخره در رسیدگاه نظامی به سال زندان محکوم گردید. رفیق شمس الدین یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مقاومت در زندان بود. با ورودش به زندان در راستای ارتقاء دانشش مبارزاتی خویشت تلاش بی‌وقفه‌ای را آغاز نمود و بدنبال آشنا شدن با سوسا لیسم علمی، مارکسیسم لنینیسم را به‌مثابه علم‌رهای طبقه کارگر و بشریت پذیرفت و فعالیت انقلابی و کمونیستی خود را در زندان شروع کرد.

رفیق شاهکرمی و رفقای کمونیستی که در زندان اصفهان در بنده‌های مختلف بودند بی‌بندان زندانیان عادی بکار آمد و تبلیغی می‌پرداختند از زندان اصفهان تبعید شدند.

رفیق شاهکرمی به زندان کرمان و از زندان کرمان به زندان بندرعباس تبعید شد و حدود یکسال در سلول اسیرادی زندان بندرعباس در شرایط بسیار سخت بسربرد و قبل از انقلاب و آزادی زندانیان سیاسی محدوداً به زندان اصفهان برگردانده شد.

سال ۵۷ او و حکیمی مبارزات توده‌های میلیونی رفیق بر همراه هم‌نجرانش آزاد شد و فعالانه در مبارزه برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی مبارزه کرد. بعد از انقلاب با اعلام موجودیت راه کارگر، رفیق شاهکرمی به سازمان ما سوسیال فعالیت خود را در تشکلات اصفهان شروع کرد. او که در شرکت کسری مسکن وابسته به پالایشگاه اصفهان کار میکرد نقش برجسته‌ای در رهبری مبارزات کارگران و ایجاد شورای کارگری

ارتباط رفیق با فردی دیگر میشد بطرف رفیق حمله میکنند تا نه‌م‌ای را که قرار بود در و بسندل شود بگیرد. رفیق امیر با زجوی شکنجه‌گر از زیر مت و لگده می‌گیرد و آنقدر او را کتک می‌زند که زوزه‌اش بلند شده و در فرصتی خودش را از دست رفیق رها ساخته و بسوی نگهبانی فرار میکنند و رفیق امیر نا‌مه‌را از بین می‌برد. رفیق امیر را به شکنجه‌گاه‌های خارج از زندان سپاه می‌برند و در آنجا زیر شکنجه‌های شدیدترین شکنجه‌ها قرار میدهند. رفیق در رابطه با محل شکنجه‌گاه پیغام میدهد که: "منطقه ایست نزدیک فرودگاه. صدای هواپیما خیلی نزدیک بود".

علاوه بر رزمندگی و فداکاری و مقاومت بالای رفیق، آنچه زندگی او را برجسته می‌نماید بی‌پیرایگی و فروتنی، مصمیمیت و صداقت کمونیستی او بود.

سرکار ۱۱ مهر ماه ۱۳۶۰ کمونیست قهرمان، رفیق کارگران و مبارزان در جریان بازجوخته آتش گرفت تا در آخرین نبرد نیز از اعتقاداتش به‌رها نشی کارگران و زحمتکشان و شکست‌ناپذیری کمونیسم دفاع کند. رفیق امیر هنگام شها دستش ۲۶ ساله بود. سه گلوله جدا جدا میرا سوراخ کرده بود و سر رفیق از شدت ضربات و شکنجه با دکرده و سیاه شده دست او از قسمت ساعد با زوکا ملاشکسته بود. مردمی که امیر را می‌شناختند مرکز را بسا و ر نمی‌کردند آنها میگفتند: "او فقط بخاطر محبوسیتش اعدام شد". یکی از روستائیان میگفت: "من میدانم این سگ‌ها برای جدا کردن او را کشند، او را سال به من فقیر بسا ره یک گونی گندم کمک کرد، او با ما خوب بود بخاطر همین آوندها او را کشند". مرد فقیری که اندک سواد داشت میگفت: "اس رزم به جادری میماند که با به‌ها بش در آب باسد، هر لحظه مکان اقتادش در آب می‌رود". یکی از مردان روستا به ما در شهید میگفت: "هیج گرسه ندارد، فرداست که بخاطر گردا میداشت فرزندش شهیدت ده‌ها هزار نفر بسوی خانه‌ات را هسما شنی کنند و از تما قدر دانی کنند". اعدا کمونیست قهرمان، رفیق کارگران و مبارزان در زندان اصفهان مردم منطقه فریدن را علیه رژیم آنچنان برانگیخت که سپاه از ترس حمله مردم گشت‌های خود را کاهش داده و فقط به مرکز شهر محدود کرد. جوانان محفل نیز شها بر روی دیوارها شها رها شنی در تجلیس از رفیق شهید نوشتند.

رفیق شاهکرمی، کارگر آگاه و رزمنده‌ای که استقامت و شجاعت را با علم‌رهای کارگران از بر دگی سرمایه‌دهرم آمیخته بود، در زندگیشی و مرگ خودتن به بندگی و ذلت نداد و در راه آرمان و لایش تا آخرین نفس جنگید تا سر مشق قرار دادن زندگی و مرگ خود، به کارگران نشان دهد که برای رهای از بر دگی سرمایه، ما چه فداکاری و شجاعتی باید جنگید و با چه راه‌خلل‌ناپذیری و پیگیری بی‌پایانی با ایدرا دشوار آزادی‌یابیمود.

قطع شکنجه، اعدام زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مبارزه عليه جنگ ارتجاعی را گسترش دهيم

دنباله از صفحه ۱

درفا وودرخلیج فارس بیا نگر این حقیقت است که ادا مه جنگ ایران و عراق رژیم فقیها را با دولتهای متعددی رودروساخته و با گذشت هر روز بر درمادگی این رژیم می افزاید، اکنون درمادگی رژیم فقیها در تمام عرصه ها واقعیتی انکارناپذیر است.

در جنگ زمینی رژیم قدرت تهاجمی خود را از دست داده است و علی رغم تبلیغات گسترده دربارها "استراتژی جدید" تهاجماتی در پی در پی و تقلاهای مکرر برای سازماندهی پاره های تهاجمات موضعی، درش ماه گذشته نتوانسته است حملات مهمی را سازمان بدهد، و اکنون عقب رانده شدن وی از منطقه استراتژیک فاو، بطور قطع نشان می دهد که دوره تهاجمات رژیم در عرصه جنگی پای زمینی با عراق سپری شده است.

نا توانی رژیم در جنگ هوایی، مخصوصا در جریان دورا حیر "جنگ شهرها" که خونین ترین واقعه با رترین دورا بین جنگ ندرشری و جهنمی بود، بطور کامل با سبات رسد، دورا خیر جنگ شهرها نشان داد که رژیم عراق در زمینه جنگ هوایی آنچنان قدرت تهاجمی بی بدست آورده است که هر وقت بخواهد می تواند رژیم اسلامی را شدیداً تحت فشار قرار بدهد.

حوادث ش ماه خیر نشان داد که رژیم فقیها در تلاشهای خود برای بسیج نیروی انسانی و منابع مالی برای گسترش و ادا مه جنگ نیز نتوانست موفقیتی کسب کند. و از تبلیغات عظیمی که تحت عنوان جهاد جانی و مالی بر اها نداشت، نتوانست چیزی مهمی بدست آورد. این شکست در بسیج منابع مالی و نیروی انسانی برای ادا مه جنگ در شرایطی صورت می گیرد که در نتیجه کاهش درآمد نفت و تشدید فلج اقتصادی، امکانات مالی رژیم بشدت کاهش یافته و فشار فلکات اقتصادی بر زندگی روزمره مردم وضع واقعا انفجار آمیزی بوجود آورده است.

در سطح بین المللی نیز رژیم کا ملابه انزوا کشیده شده و درمادگی آن در عرصه دیپلما تیک تشدید شده است. اکنون رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بسیاری از قدرتهای امپریالیستی غرب و غالب حکومتهای عربی را علیه خود برانگیخته، بلکه در روابط خود با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز نتوانسته است به چیز چشم گیری دست یابد و ما له تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت سازمان ملل دوباره فعال می شود. و این در حالی است که رژیم در کنفرانس کشورهای اسلامی در مان شکست مهمی را متحمل شده و عملا از این کنفرانس رانده شده است. روابطش با دور رژیم کویت و عربستان سعودی بیش از هر وقت دیگر حالت خصمانه پیدا کرده است. اقدام خیر حکومت عربستان سعودی در قطع رابطه دیپلماتیک با رژیم اسلامی، این حالت خصومت آمیز را رسمیت بخشیده و ضربه دیپلما تیک مهمی بر رژیم وارد آورده است. پیشدستی رژیم سعودی در قطع رابطه دیپلما تیک، مسلمان طریحی تبلیغاتی رژیم را در مورد حج به ورق سوخته ای تبدیل کرده است.

با این درمادگی در عرصه های مختلف، رژیم فقیها نخواهد توانست آهنگ تداوم جنگ ایران و عراق را متناسب با نیازها و اهداف خود بسط کند. زیرا هما بطور که سلاسر کند اسم، جنگ ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شده است که دیگر نمی تواند فقط در جبهه های مرزی دو کشور محدود بماند، بلکه به سرا سر پشت جبهه ها کشیده می شود و شهرها و مناطق مسکونی و تمام جمعیت غیر نظامی و بی دفاع هر دو کشور را در آتش جهنمی خود فرو می برد. دورا خیر "جنگ شهرها" به مردم هر دو کشور نشان داد که ادا مه جنگ، یعنی به آتش کشیده شدن همه کس و همه چیز در هر دو کشور، دورا خیر "جنگ شهرها" همچین نشان داد، که رژیم عراق این امکان را بدست آورده است که نگذا رد رژیم اسلامی از گذشت زمان و فرسایشی شدن جنگ ب نفع خود استفاده کند، و اکنون گرچه "جنگ شهرها" موقتا متوقف شده است، اما این توقف نمی تواند مدت زیادی ادا مه یا بدو به احتمال زیاد با ر دیگر جهنم "جنگ شهرها" در مناطق مسکونی هر دو کشور مشتعل خواهد شد. زیرا جنگ ارتجاعی ایران و عراق در مرحله جدید آن دیگر نمی تواند فقط در جبهه ها محصور بماند، و حتی اگر توقف "جنگ شهرها" ادا مه یا بدو در رژیم متخاضلا قل از کشتار مردم بی دفاع و غیر نظامی دست بردارند - که امیدواریم چنین باشد - با زهم جنگ در مرحله جدید نمی تواند ماند دوره های قبیل ادا مه یا بد، زیرا هر دو رژیم متخاضم ناگزیر خواهند بود و هما اکنون مدتی است ناگزیر شده اند که جنگ را فقط از طریق شخم زدن عمقی وزیر و پرو و کردن تمام کشور ادا مه بدهند. زیرا با فرسوده شدن امکانات اقتصادی و انسانی هر دو کشور بدون بسیج گسترده اجباری و خشن نمی توان نیروی انسانی و منابع مالی و تدارکات را فراهم ساخت. لازم برای ادا مه این جنگ ارتجاعی فراهم ساخت.

در چنین شرایطی توده های مردم و بخصوص توده های طبقه کارگر و زحمتکشان به تجربه روزمره خود با رنج و مصیبت بی حد و حصری که در لحظه به لحظه زندگی خود تحمل می کنند، درمی یابند که بدون پایان دادن به این جنگ ارتجاعی و برانگیزی توانمند سازی موشری را برای هج یک از خواسته های خود پیش ببرند. در این شرایط سازماندهی مبارزه علیه جنگ ارتجاعی اهمیت ویژه ای می یابد. در حال حاضر مبارزه برای هر چه دموکراتیک، انسانی و انقلابی در کشور ما از مجرای مبارزه علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق می گذرد. بنا بر این وظیفه همه کمونیستها، کارگران آگاه، و نیروهای دموکرات و مردمی است که با تمام نیرو مبارزه علیه جنگ ارتجاعی و علیه رژیم ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی را تشدید کنند. در راستای این وظیفه، همه اعضاء و هواداران سازمان را فرا می خوانیم که در محورهای زیر فعالیت خود را علیه جنگ ارتجاعی تشدید کنند:

۱) گزارش دهی در باره مسائل و حواادث جنگ را از اها هم وظایف خود تلقی کنند و در این مورد خبری که در باره روحیات و حرکات توده ای

۲) تبلیغات ضد جنگ را با بد در تمام سطوح گسترش داد؛ در میان کارگران، توده های زحمتکش، در میان جوانان، سربازان، در جبهه ها و در پشت جبهه، در همه تجمعات توده ای، مضمون این تبلیغات با بد در راستای سیاستها و شعارهای اعلام شده سازمان باشد؛ ما با بدخواهان خائمه فوری جنگ و برقراری صلح بین دو کشور باشیم. این صلح در صورتی می تواند به نفع کارگران و توده های زحمتکش دو کشور ایران و عراق باشد و در صورتی می تواند مصلحتی با بد را بدون مقدمه و زمیند کینه توزیها و جنگهای دیگر میان دو کشور، که بر اصول زیر استوار باشد؛ اول بدون هر نوع الحاق طلبی و هر نوع غرامت طلبی باشد؛ ثانیا حق تعیین سرنوشت خلقهای هر دو کشور را بپذیرد. ما با بد در تبلیغاتمان ادا ما تا کید کنیم که مبارزه برای پایان دادن به جنگ ارتجاعی تنها در صورتی می تواند معنای واقعی پیدا کند که مسا رهای علیه رژیم جمهوری اسلامی، بمبارانهای بس برای سرنوشت رژیم ولایت فقیه تبدیل شود. زیرا توده های انقلابی در صورتی می توانند جنگ ارتجاعی کنونی را متوقف سازند که ادا مه رژیم جمهوری اسلامی، یعنی ارا ده ای را که موتور تداوم جنگ کنونی است درهم بشکنند. ما با بد به کارگران و توده های زحمتکش توضیح بدهیم که بدون سرنوشت رژیم، صلح مبتنی بر حق تعیین سرنوشت خلقهای دو کشور و نفی غرامت طلبی و الحاق طلبی ناممکن است.

۳) تبلیغات ضد جنگ در صورتی می تواند بطور موثر سازمان داده شود، که خواسته های بیواسطه کارگران و زحمتکشان را مورد توجه قرار دهد. ما با بد ضمن مبارزه برای خواسته های بیواسطه کارگران و زحمتکشان و تمام توده های ستمدیده، به آنها نشان بدهیم که در شرایط کنونی جنگ عامل تشدید و تعمیق تمام بدبختیها و ممانت آنهاست و بدون پایان دادن به جنگ در هیچ حوزهای نمیتوان پیشروی کرد. ما با بد تبلیغات ضد جنگ را از طریق پیوند دادن آن با خواسته های بیواسطه روزمره گروههای مختلف مردم متحرک و حیسات ببخشیم، تنها از طریق چنین پیوند دانی است که می توان آنرا از صورت تبلیغات خشک و مجرد و بنا بر این غیر قابل فهم برای توده های مردم، به تبلیغاتی جاندار با قدرت انفجاری عظیم تبدیل کرد.

۴) در شرایط کنونی که جنگ تمام نظامات جامعه را بهم میریزد و زندگی را در تمام حوزها مختل می سازد، تبلیغات جاندار و موثر علیه جنگ،

۱) گزارش دهی در باره مسائل و حواادث جنگ را از اها هم وظایف خود تلقی کنند و در این مورد خبری که در باره روحیات و حرکات توده ای

انتخابات: رژیم شکست خورده و مردم پیروز

دنباله از صفحه ۱

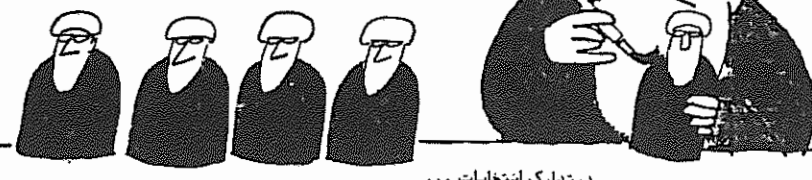
اساساً ارزشمندی حقوق خالق است، روی زمین ایس حق تفویض میشود به صالحان و برگزیدگان و خواص؛ که همان فقها باشند؛ کسانی که قادرند با اتکاء به "علم خود و بیداد زهد و تقوا" آراء و احکام او را تشخیص دهند و مصادیق آن احکام را در هر زمان شخص بسا بند، از اینروست که روی زمین هر کس یا مجتهد است و صاحب رأی و یا مقلد است و فاقد رأی. تقدیر جا مع بشری چنین است که تقسیم شود به مجتهدان و مقلدان.

و چرا که: در این نظام، مصلحت حکومت فقها، تنها مصلحت حاکم است، حق تشخیص این مصلحت نیز لایمکن است. ولی فقیه و یا منصوبین وی، حال این حقوق چگونه نهادی شود، و نه چه اشکالی اعمال گردد، تابع همان مقتضات و مصلحت است. نظام سیاسی مسعت از چسب مناسب حقوقی، اساساً در همه حال مشروط به کسب مشروعیت است. این نظام "ولایت" در این نظام، هر عضو یا اسامی، تنها زمانی موجودیت پیدا می کند، که توسط و انفراد رسمی یک نفر است. "تما بنده امام" "رأی عضو و با اسامی نامی شده است. اولاً سونون مفرات نظام سیاسی حاکم از حلقه های سیاسی "سما سندگان" امام "شکل گرفته است.

ثانیاً - آنجا که صحبت از مجلس شورای اسلامی بیان آید، در بهترین حالت منظور "مجلس مشا و ران امام" است. اینکه این مجلس صاحب "رأی" باشد، و یا "مقلد" (۱) و اینکه "رأی" این مجلس چقدر اعتبار داشته باشد، موضوع مناشئه است و بان نمی پردازیم. (۱) اما یک چیز قطعی است و آن اینکه مجلس شورای اسلامی اساساً ربطی به نمایندگی "مردم" ندارد، علت روشن است: در فرهنگ فقهای حاکم، "نمایندگی" اساساً همان "ولایت" است. ولایت هم تنها یک جهت دارد؛ از صدر به ذیل، و نه عکس آن. بنا بر این در ساختار حکومتی ولایت فقیه، "نمایندگی مردم" و "مجلس نمایندگان مردم" امری ناقص مفهوم و "لغو" است. تازه آنجا که به "مشاوران" نیاز باشد، تعیین صلاحیت آنان، تکالیف و اختیاراتشان، چگونگی گزینش و عزلشان، تابع قواعدی ثابت و نهایی نیست، یعنی بصورت یک "حق" در نمی آید، بسته به چگونگی توازن قوای طبقاتی - سیاسی، بسته به بحران ها و تنگنا ها، بسته به فشارهای داخلی و خارجی، و ملاحظات و مصلحت های بی شمار، این ویژگی ها تغییر خواهد کرد. در چهار چوب این نوسانات است که دامنه گزینش "مشاوران" (اصطلاحاً نمایندگان مجلس) می تواند حدیث پذیرش و یا نفی "اختلاف سلیقه" را بسط پیدا کند. و در همین چهار چوب است که بحسب شرایط مداخله در امور بیشتر و یا کمتری جایز شده می شود.

کار انتخاب "مشاوران" هم البته می تواند واگذا شود. با این صورت که چنانچه مجازاً بشود "لیست" بدهند (۲) ... و کاندیدا معرفی کنند و یا از کاندیدا های معینی حمایت کنند و یا لاخره در تقسیم کرسی ها مشارکت داشته و از آن سهمی نصیب خود سازند. گاه ممکن است این تکلیف به یک اختلاف و سازش میان حاکمان و سائدهای صاحب قدرت و واگذا شود و گاه به رقابت و سازش میان

از آهنگر در تبعید



در خادارک انتخابات ...

آنها محول گردد. اما در همه حال این نوسانات محدود می شوده "ولایت مطلقه" و مالک آن و در همه حال قائم است بر طبق حق رأی عمومی. رأی عمومی آنجا که انصافاً مصلحت باشد، همان "سب" مردم است. مثلاً رئیس جمهور و یا "تما بنده مجلس".

ثالثاً - در قداموس "ولایت مطلقه فقیه"، شرکت مردم در انتخابات نه امری آزادی و اختیاری، بلکه یک تکلیف الهی و شرعی و اجباری است و مخطی از آن مستوجب عذاب دنیوی و اخروی و سزاوار سرکوب مادی و معنوی است. بنا بر این تا آنجا که به "عام مردم" ربط پیدا میکند، موفقیت همان است. تعداد هر چه بیشتری است که به پای صندوق های اخذ رأی بروند، چنین نتیجه ای حتی اگر نشانهای از مشروعیت بیشتر رژیم بدست ندهد، دست کم خاطر فقهای حاکم را آسوده می سازد که شمار اکثریت از مردم همچنان به اراده حاکم گردن می بینند و تسلیم و تمکین خود را اعلام می کنند. از چینیس زاویه ای، کاهش تعداد شرکت کنندگان در رأی گیری، دیگر نه به معنی بی تفاوتی و یا سیاست زدگی است، بلکه قویاً بمنزله اعلام مخالفت مریح و بی باکانه با موجودیت رژیم فقیه است؛ و چنین نتیجه ای درست معنی شکست رژیم در "انتخابات" است.

سایین مقدمه نگاه گذرانی میان رژیم بر نتایج دور اول رأی گیری و ارزیابی این نتایج در محدوده ای که ذکر شد، بررسی جوانب دیگر این "انتخابات" و بویژه جوانبی که بر منافع جناح های درونی هیئت حاکمه و ترکیب سیاسی - جناحی مجلس سوم ناظر است را موکول می کنیم به سرگزاری دومین مرحله رأی و اعلام نتایج قطعی.

ابتدا از بررسی ارقام آغاز می کنیم: مسئول ستاد انتخابات، جمع کل آراء اخذ شده در سران کشور را رقم ۱۶/۹۸۵ میلیون اعلام کرده است. اگر جمعیت کشور در آستانه سال ۶۷ را همان رقم اعلام شده برای مهر ماه ۶۶ یعنی ۵۱/۷۰ (۳) میلیون در نظر بگیریم، ۵۴/۵ (۴) درصد از این تعداد یعنی ۲۸/۱۸ میلیون نفر، از ۱۵ سال به بالا و با جدشرا بط شرکت در انتخابات هستند. معیار دیگر تعداد آراء شاعرش شده در صورتی که فرض محال رقم واقعی آراء ریخته شده به صندوق ها باشد، قریب ۶۰ درصد و احداث شرایط است. به این اعتبار و به اعتراف ارقام رسمی، قریب ۴۰ درصد از مردم با عدم شرکت در رأی گیری مریحاً به موجودیت رژیم

رأی می دادند. اما آرائی که به صندوق ریخته شده است؛ بررسی نزدیک ترمضمون واقعی این آراء را نشان خواهد داد:

در حوزه استخا به تهران، هفت نفر از نامزدهای انتخابات، یعنی: رفسحاسی - کروی - دعائی - معینی - امیری - کمالی و صدوقی مورد حمایت همه جناح های حکومتی و همه گروه بندیهای انتخاباتی قرار گرفته اند، و نام آنها در لیست نامزدهای ۷ گروه امیلی (حامه روحانیت و مومتلین بازاری آن، روحانسون مبارز، معلمان، دانشجویان، کارگران، کارکنان دولت، مدرسین دانشگاه ها) ذکر شده است (۵).

بسیار آرائی که بنام آنها شاعرش شده است چقدر است؛ از جمع کل ۱/۵۸ میلیون آراء مأخوذه، رفسحاسی ۱/۳۰۲، کروی ۹۷۱، کمالی ۶۷۷، دعائی ۶۶۲، صدوقی ۶۳۹، معینی ۱۰۶ و صغری ۵۸۵. و بنا بر این متوسط رأی اخذ شده برای ۷ نفر ذکر شده بالغ بر ۷۷۷ هزار است. سعیا رت دیگر، در حوزه انتخاباتی نهران بزرگ (شامل شهرری - شمیران و ...) با جمعیتی متجاوز از ۸ میلیون نفر و ۴/۴ میلیون نفرو جدشرا بط شرکت در انتخابات، اولاً کل آراء ریخته شده به صندوقها فقط ۳۶ درصد تعداد واجدین شرایط است؛ و ثانیاً از این میان کمتر از ۱۷ درصد به کاندیدا های مشترک همه جناح های مثبت

داده اند و در حقیقت بصورتی ترین شکل به فراخوان لاقابل یکی از جناح های حکومتی پیوسته اند. مابقی آرائی هستند که بنحوی از انحاء (نوشتن نام یک کاندیدا، نوشتن اسامی منفردیسن، انداختن رأی سفید، انداختن رأی باطله و ...) از بیعت کردن با رژیم حتی در کلیت آن نیسز اجتناب نموده اند. این آراء در حقیقت بیان آشکار تمکین و تسلیم رأی دهنده است در برابر حوشا رساسی و اقتصاد و ارباب پلیسی و مذهبی تا اسحا، ارقام را در شکل ریاضی آنها در دو سطح بررسی کردیم، اما هر گاه مکانیزم های اخذ چنین ارقامی را با آوری شوند، معابهم واقعی ساری ارقام و اعداد "مثبت" و "مساعده" سز اسکا رترو خواهند:

یکی از مکانیزمهای مهم احدرای در دستگاه "رأی کشی" بسیار مریح و طویل رژیم همچنان ما نورروای اعتقادات مذهبی مردم و اسلاخ "فتوای شرعی" است. آقایان علمای عظام و حججا سلام زهر

گزارشی از انتخابات مجلس

با برخوردی به این تحریم و عدم استقبال مردم سیاست واحدی نداشتند. اما در همین ساعت خامنه‌ای وارد میدان شده و استقبال مردم!!! از این انتخابات را بی‌نظیر خوانده و آن را به یوم‌الله‌های جمهوری اسلامی افزود. بدین ترتیب سبیل سربک گشت بیگدیگر بما سبت اسی روز "یوم‌الله" آغاز گردید.

مردم در صف‌ها و محلک‌ها ر خود وجود ر قبال از انتخابات، تحریم انتخابات را با ذکر دلایلی مطرح کرده بودند. از جمله دلایل به این مسئله اناره مشدکه "ای ما شما بنده‌ها قیلا انتخاب شده اند و جفا بدها از انتخاب کردن، آنجا که کاری برای ما انجام نمیدهند."

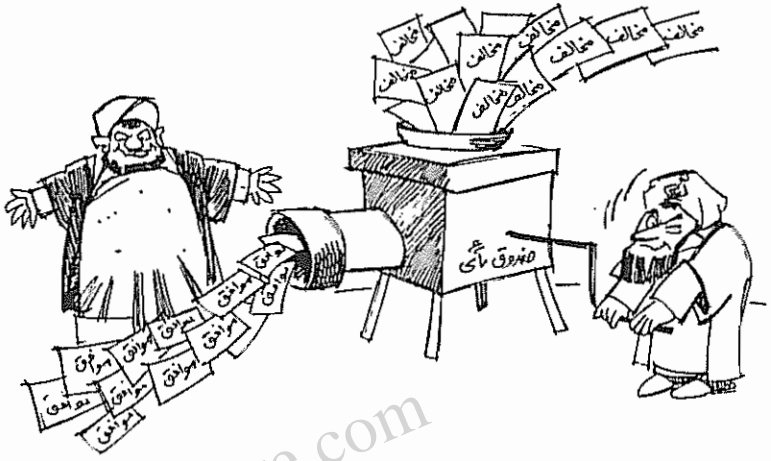
مراکز رای گیری بین ساعت ۸/۳۰ صبح تا ۱۲/۳۰ که اوج ساعات اخذ رای محسوب میشود، در مناطق توحید، میدان انقلاب، اطراف دانشگاه تهران، جمهوری، میدان جمهوری، سواب، سلسیل، لولاکر، قصرالدشت، کارون، جیحون، آذربایجان، کمیل، دکتر هوشیار، طوس، دانشگاه میزشکی خوش، رشیدیه، سدره طرشت، کاملاخلوت بود.

در تمامی مراکز اخذ رای که در دبستانها و دبیرستانها و مراکز دولتی دیگر حتی یک نفر هم دیده نمیشد و گاهی یکی دو نفری مشاهده میشدند. میشود گفت که بجز متصدیان امور رای گیری و ۲ یا ۳ نفری از ما موران شهریانی کس دیگری در مراکز رای گیری حضور نداشت. در بهترین حالت هفت یا هشت نفری در مراکز رای گیری مستقر در مساجد یا نچای اصلی دیده میشدند. چهره پاداران را که بسیاری حفاظت مراکز رای گیری استاده بودند، کاملاً عبوس بود. این مسئله در مورد سران رژیم نیز صادق بود. میهنس موسوی نخست وزیر زبون رژیم ققیسا در ساعت ۵ در تلوویزیون ظاهر شد و در پاسخ به سؤال خبرنگاری در مورد وضعیت رای گیری نتوانست از شرکت کسترده مردم صحبت کند. در عوض پاسخ داد که ما هر جا رفتیم، مردم با شعار "ما اهل کوفه نیستیم و... از ما استقبال کردند. حاتمی وزیر کشور نقیها در پاسخ به همین سؤال از شرکت کسترده مردم در ترکمن صحرا و افغانستان صحبت کرد. وی گفت که علی‌رغم ارسال ۲۰۰ هزار ربرگ رای به افغانستان، آنها با زهم تقاضای ارسال ربرگ رای گیری کرده‌اند و غیره. با اینکه "سرگرای این انتخابات در این اوضاع و احوال خود به روزی سزرگی بود" بحدود تسلی دادند.

در این انتخابات با زهم مثل انتخابات گذشته، ساعت اخذ رای انزاس نامت نامت با مصلح همه مردم جفا در سربک در انتخابات شوب.

مردمی که سرکوجه‌ها جمع شده بودند به متلک گوئی حول انتخابات میپرداختند و اکثر عابری از کنار آنها میگذشت به کنایه بیحد بکسر میگفتند که "ما حالا رای نمی‌دهم فعلا تلوع است و مردم از سر و کول هم بالامی روند!!". دیکری میگفت "من فردا رای میدهم!". و اگر کسی از دوستان آنها با به دلالتی احما سا محسور سسه رای دادن بود، ورا بسا داستیاز و محسوره

انتخابات سومین دوره نمایندگان مجلس فقهای جنایتکار روز ۱۹ فروردین ماه سربک سزار گردید. حملات موشکی عراق که چند روزی قبل از سرتورکوت اوزال به عراقی قطع شده بود، در روز سه‌شنبه ۱۶ فروردین ساعت ۱۵/۳ دقیقه بعد از ظهر مجدداً آغاز گردید. در نتیجه مهاجرت عده بسیاری از اهالی تهران که رفته رفته به تهران بازمی گشتند مجدداً شروع شد.



از معجزات اسلام!

از آهنگر در تبعید

سکرتند. علاوه بر جروح تعداد بسیاری از اکنکان تهران و برای حفظ جان خود، در مجموع یک روحه تحریم انتخابات سن مردم کاملاً سیود بود. در رابطه با خلوت بودن حوزه‌ها همین س که در ساعت ۱۱/۳۰ صبح یعنی تلوع ترین ساعت نماز جمعه، سران رژیم بعضی از حوزه‌های اخذ رای را که در جلوی کتابفروشی‌های دانشگاه قرار داشتند، تعطیل نمودند تا نمیتوانند در سبیه حوزه‌ها در حول و حوس دانشگاه صفیانی احساد کنند. اما این توطئه هم نتوانست کارگریا فتند و این حوزه‌ها نیز خلوت بودند، چرا که مولانما زحمه این هفته نیز بطرز چشمگیری خلوت بود. در واقع میتوان علاوه بر تحریم انتخابات از جانب مردم، کمبود تعداد نمازگزاران نماز جمعه در این هفته را نیز رگورد دیگری در شکست سران رژیم محسوب نمود.

بهر حال تا ساعت ۸ شب سران رژیم در رابطه

رژیم که از کشاندن امت‌آه محنه نامی شده بود، از روزها قبل از آغاز انتخابات، به تبلیغات گوشخراش دست زده و تمامی امکانات از جمله رادیو را بخدمت گرفت. ما سندهمیشه روز نما سبب برای انتخابات روز جمعه تشخیص داده شده بسود. در همین حال تعداد بسیاری از مردم که تا روز پنجشنبه از تهران خارج نشده بودند، در این روز سبب درت به خروج از تهران کرده و در نتیجه جاده‌های اطراف تهران بخصوص جاده‌های منتهی به کرج و جاده مملواز خودروهایی گردید که برای خروج از تهران زنجیر وار حرکت میکردند. بهر حال روز جمعه فرا سده و همانطور که انتظار میرفت، تهران با زشا هدیکی از خلوت ترین روزهای خود بعد از سرتورکوتی رژیم ما ه بسود. چیزی که جلب نظر میکرد سکوتی بود که تمام شهر را فرا گرفته بود. سکوت تهران برای سران رژیم آنچنان مرکبا ر بود که ناگزیر شده بودند تا از صبح زود تمامی بلندگوهای مساجد را که بر نامه‌های رادیویی را بخش مینمودند، بکار اندازند.

در باره مناسبات...
 دنباله از صفحه ۳۹
 استالین ۱۹۵۳-۱۹۲۹، مولف رابرت مک‌نیل، صفحات ۱۱۶-۱۱۵.
 (۴) س. ووقان جیمز، رتالیسم سوسیالیستی شوروی - منشآت و تئوریها، انتشارات سنت مارتین، نیویورک، ۱۹۷۴؛ ص ۶۱.
 (۵) در این مورد رجوع کنید به: آ. مچنکو، نوویه میر، سال ۱۹۵۶، شماره ۱۲، ص ۲۲۲.
 (۶) ام. اسلاوینسکی، د. استولینین، زندگی ادبی (۱۴) بوخاریس، مکاساتس المللی، آ. وریل ۱۹۲۵، شماره ۲۲.
 (۱۵) نرونسکی، سیاست حزب در حوزه هر و فلسفه، مورج ۱۶ ژوئن ۱۹۲۳، نوشته‌های لوسون روسکی (۴۳-۱۹۲۲)، انتشارات پسا سدر، سوورک، ۱۹۷۸، ص ۲۸۵-۲۷۹.
 (۱۶) ولاتکین، سولزستیس، توار دووکی و نوویه میر، تالیف میخائیل گلیسکی، انتشارات ام. آ. تی، کمی ریخ، ماساچوست، ص ۴.
 (۷) آلت سووا ستالینسیم ویس از آن، لندن، ۱۹۷۶، ص ۵۶.
 (۸) زندگی ادبی در شوروی، ص ۴۷.
 (۹) در دادگاه تاریخ، ص ۷۲۸.
 (۱۰) لوموند، ۲۸ ژانویه ۱۹۸۸.
 (۱۱) همانجا.
 (۱۲) آرکادی لیبکوف، ما شوروی، انتشارات اسکیرکرد، منوچس، ۱۹۷۲، ص ۴۲.
 (۱۳) زندگی ادبی در شوروی، ص ۲۲.

جنبش کارگری ایران در سال ۶۶

البته تردیدی نیست که هنوز خلط سیاسی این مبارزات در مراحل ابتدایی و حتی حالت نطفه‌ای است.

رژیم اسلامی نیز سال گذشته را با بکارگیری یک سلسله اقدامات و سیاستها سراسری ضد کارگری آغاز کرده بود. همه این توطئه‌ها و سیاستها که در هدف پیشبرد جنگ خلاصه شده بود، طبقه کارگر را در کل خود مورد هدف قرار میدادند. هم "طرح نویسن اقتصاد" که رژیم سال ۶۶ را با آن آغاز کرده و طرحی برای نظامی کردن صنایع و کارخانجات و تمام حیات اقتصادی کشور بود و موجودیت طبقه کارگر را با اجرای اخراجها، بازخریدها و اجاجاتی‌های وسیع و سراسری بطور کامل مورد تهدید قرار میداد. هم تمویب قوانین و از جمله قانون بیمه بیکاری که چاره اندیشی رژیم جهت احرای سراسری این توطئه بود. هم تمویب قانون کار که سیاست ضد کارگری مدون رژیم علیه طبقه کارگر بود و هدف سراسری کردن سرکوب کارگران و فریب آنان را مدنظر داشت. هم بیامده ماه‌های که آنهم برای اعزام اجباری همه گروه‌های اجتماعی و از جمله کارگران به جبهه‌های جنگ ما در شده بود. همه و همه توطئه‌ها و اقداماتی بودند که طبقه کارگر را برای دفاع از موجودیت و هویت طبقه خود، بیک جنگ تمام عیار طبقه‌ای و با کیفیتی کاملاً جدید و در کلیه عرصه‌ها فرا میخواندند.



بنا بر این کارگران در سال گذشته، در برابر تمامی اقدامات رژیم که در راستای پیشبرد اهداف ارتجاعی و جنگ طلبانه قرار داشتند، مبارزه علیه جنگ را به محور اصلی مبارزات خود تبدیل کرده و قاطعانه در برابر آن ایستادگی نمودند. در این مبارزه که خلط یک جنگ طبقه‌ای واقعی بخود گرفته و جنبه‌های مختلف مبارزه کارگران، یعنی مبارزات اقتصادی، مبارزه برای حق تشکیل مبارزه علیه اخراجها را در خود متمرکز کرده بود. کارگران صنایع بزرگ، معنی هسته‌ای طبقه کارگر ایران، در صف مقدم جبهه کارگران و پیشگامان قرار گرفتند. چرا که این بخش از طبقه کارگر بدلائل مختلف (که در زیره آن اشاره خواهد شد) در معرض بیشترین تهاجمات رژیم قرار داشت.

به این ترتیب با مفهومی که در بالا اشاره گردید، میتوان گفت که سال ۶۶ سال مبارزه سیاسی طبقه کارگر علیه رژیم جنایتکار اسلامی بود. این روند، یعنی روند گسترش مبارزات سیاسی و دمکراتیک که خود را در مبارزه علیه جنگ، علیه اخراجها و مبارزه برای حق تشکیل نمایش میدهد و از لایه‌های گذشته و بویژه از سال ۶۳ به بعد ادامه داشته، در حال نزدیک شدن به نقطه عطفی در جنبش کارگری

"برای کارگران آگاه و وظیفه‌ای مهیتر از درک جنبش طبقه خویش، ماهیت آن، هدف و وظائف آن، شرایط و شکلهای عملی آن نیست، زیرا تمام نیروی جنبش کارگری بسته به درجه آگاهی و جنبه توده‌ای آنست" (لنین - منتخب آثار) مقالاتی که تا کنون با عنوان بررسی سالانه جنبش کارگری و مبارزه جمعی به آما رو اخبار مبارزات طبقه کارگر و بهمناسبت اول ماه مه (روز جهانی کارگران) در نشریه "راه کارگر" ارائه شده، در واقع دود هدف مهم را در نظر داشته است. اول آنکه وضعیت واقعی جنبش کارگری از نظر شرایط مبارزه، اشکال و تا کتمکهای آن در اختیار کارگران و بخصوص کارگران آگاه و پیشرو قرار داده شود. تا بدین وسیله کارگران قادر شوند با تکیه بر این آگاهی و نتایج حاصل از بررسی تحریکات مبارزات گذشته شان، راه مبارزه آینده خود را روشنتر ترسیم نمایند. دوم آنکه با تا کتمکردن وضعیت عینی جنبش طبقه کارگر ایران، معنی درک جنبه توده‌ای و درجه آگاهی آن، توجه انقلابیون کمونیست و جنبش کمونیستی را به وظایفی که در قبال جنبش کارگری دارند، جلب نمایند.

درک وضعیت و نیروی واقعی جنبش کارگری و بنا بر مبنای آن تنها از طریق بررسی مدارک عینی از این جنبش امکان پذیر است. چرا که بقول لنین "فقط از روی اسناد و مدارک میتوان تعلیم گرفت و جنبش طبقه خود را مطالعه نمود". اما درک این مسئله کمتر از هر مسئله دیگری در جنبش کمونیستی ایران و از جانب جریانیها و سازمانهایی که خود را کمونیست و نماینده طبقه کارگر میدانند مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل آنها "تالیات، عقاید، قضاوتها و نقشه‌های خود را در هر قدم بعنوان اراده کارگران و بنیاد مبنیهای جنبش کارگری قلمداد میکنند". این ذهنی گرائی، در شرایطی که جنبش طبقه کارگری پیش از هر زمان دیگری بنیاد مبنیهای واقعی انقلابیون کمونیست به این جنبش از جنبه سازماندهی و بردن آگاهی سوسیالیستی بدون آنست، شاید یکی از عمده ترین نواقص جنبش ما باشد.

بررسی کلی آما رو اخبار و گزارشات مبارزات و حرکات کارگری در سال ۶۶ همانند سالهای گذشته نشان میدهد که علت این ذهنی گرائی و تقصیر در عدم پیوند واقعی و گسترده جریانیها و سازمانهای کمونیست با جنبش کارگری نیافته است. بر طبق این آمار تعداد کل گزارشات درج شده در نشریات کلیه سازمانها از حرکات کارگری در سال ۶۶، و با حذف گزارشات و موارد تکراری مجموعاً ۲۱۸ گزارش مفصل و با جزئی است. لازم به تذکر است که این تعداد گزارش تنها ۱۵٪ کل کارخانجات را از مجموع ۱۰۲۶ کارخانه و واحدهای تولیدی صنعتی مهم در کشور شامل میشود. معنی این آمار اینست که حتی بررسی این تعداد گزارش نیز نمیتواند تصویر کامل و همه جانبه‌ای از وضعیت طبقه کارگر ایران ارائه دهد و نتایج این بررسی‌ها می‌باید بعنوان مشت نمونه خروار در نظر گرفته شوند.

نکته دیگری که از بررسی کلی آما رو گزارشات و صرف نظر از کیفیت گزارشات مندرج در نشریات سازمانهای مختلف و مسائل آنها روشن میشود، وضعیت این سازمانها در ارتباط با اخبار و حرکات جنبش کارگری است. و آن اینکه از تعداد کل گزارشات در حدود ۴۹٪ گزارشات از سازمان ما، ۲۵٪ از نشریات کمونیست و رسانه (ارگانهای حزب کمونیست کومله)، ۱۳٪ از نشریه فدائی (ارگان سازمان فدائیان خلق - جناح کشتگر)، ۸٪ از نشریات کارواکنش (ارگانهای سازمان فدائیان خلق - اکثریت)، ۵٪ از نشریه مردم (ارگان حزب توده) بسوده است. نشریات کار (ارگانهای سازمان چریکهای فدائی خلق، شوراییالی و جناح توکل) گزارشات کارگری نداشته‌اند. توضیح اینکه تا زمان تنظیم این نوشته نشریات استفاده بایمن ماه بعضی از سازمانها یا منتشر نشده و یا بدست ما نرسیده است و موارد تکراری حذف شده‌اند.

بررسی آما رو اخبار و گزارشات مبارزات کارگری در سال ۶۶ این حقیقت را نشان میدهد، که طبقه کارگر ایران در سال گذشته، مبارزه خود را موثرتر ساز لایه‌های پیشگامترش داده است. اگرچه تعداد حرکات کارگری بر اساس گزارشات دریافت شده از سال ۶۶ کمتر بود، اما کیفیت جدید این مبارزات هم از جنبه سازماندهی و آگاهی و هم از جنبه بکارگیری اشکال مبارزه و بویژه خلط سیاسی مبارزات کارگری در سال ۶۶ مبین مرحله‌ای جدید در جنبش کارگری بود.

کارگران، با هر عقیده و مرامی، در جبهه واحد کارگری علیه استبداد و استثمار متحد شوید!

"طرح نوین اقتصادی" و یا نظا می کردن صنایع

رژیم فقها سال ۶۶ را با ارائه طرح نوین اقتصادی آغاز نمود. این طرح بطور روشن سیاست جدید اقتصادی رژیم اسلامی را در رابطه با جنگ و نظا می کردن تمام حیات اقتصادی کشور را ز جمله صنایع نشان میداد. تنزل بهای فاحش نفت در آستانه سال گذشته و بحران در درآمدهای نفتی، که در واقع زمینه لرزهای در اقتصاد کشور بشمار میرفت، علت اصلی ارائه طرح نوین اقتصادی از جانب رژیم بود. مسئله این بود که با ازدست رفتن دلارهای نفتی، چگونه میتوان از یکطرف هزینه های فزاینده و سرمایه آور جنگ را تامین نمود و از طرف دیگر صنایع را که حیات آنها به درآمدهای نفتی وابسته است، در خدمت تولیدات جنگی بکار گرفت. لزوم تغییر ساختار اقتصادی کشور در این طرح نیز در همین رابطه مطرح گردید.

نحوه اجرای طرح نوین اقتصادی از قول سران رژیم چنین بیان شده است. "ضمن آنکه صنایع ما محدود میشود، نباید صنایع را که به جنگ اختصاص داده بودیم را محدود کنیم، یعنی درست است که صنایع آرزوی ما نسبت به سال گذشته به نصف رسیده است، اما تخصیص ارز به جنگ هیچگونه تغییری نکرده است. بدیهی است در این صورت به سایر قسمتها بجز جنگ فضا را بدهیم" (روزنامه اطلاعات - ۲۲ دیه ۶۵)

چگونگی تغییر ساختار اقتصادی در رابطه با صنایع کشور با ارائه تصویر از درآمدهای نفتی و سهمیه ارزی روشن می شود. بگفته وزیر کار در کشور ما هفت هزار واحد صنعتی بزرگ وجود دارد. این مجموعه صنعتی برای ادامه حیات خود نیازمند ۷ میلیارد دلار سرمایه ارزی است. با کاهش درآمدهای نفتی رژیم از ۲۲ میلیارد دلار در سال ۶۱، به ۱۰ میلیارد دلار در سال ۶۵ تنزل این درآمد رقیمی از هم کمتر در سال ۶۶، از منابع بیشتر و در ابعدای عظیم تنزل می یابد. از آنجا که بخش قابل ملاحظه ای از این سهمیه ارزی ناچیز هم به کارخانجاتی اختصاص می یابد که تولیدات آنها در خدمت مصرف جنگی قرار دارد، بنابراین میتوان هدف از اجرای طرح نوین اقتصادی را در رابطه با صنایع و کارخانجاتی که بطور مستقیم و غیر مستقیم در رابطه با تولیدات جنگی قرار دارند، در یافت و وضعیت این صنایع و سرنوشت کارگران شاغل در آنها را درک نمود.

با این تصویر از سرنوشت ۷ هزار واحد تولیدی کشور، سیاستهای رژیم در رابطه با ساختار اقتصادی و نظا می کردن تولید در محورهای زیر خلاصه میگردد. الف) اختصاص درآمدهای نفتی و سهمیه ارزی دولتی برای صنایع که به تولیدات جنگی می پردازند و یا صنایعی که به نحوی در خدمت نیازهای جنگی و حربه ها قرار دارند. ب) تغییر خط تولید کارخانجات برای تولیدات جنگی و نظا می کردن صنایع (ج) رها کردن صنایع و کارخانجات دیگر بحال خود. در این رابطه کارخانجاتی که قادر به ما در نمودن محصولات تولید شده خود بخارج و کسب درآمد ارزی هستند به تولید ادامه خواهند داد. و کارخانجاتی که جنبش وضعیتی نداشته باشند، راهی بجز توقف تولید و بستن درگاه آنها در برابر خود نخواهند داشت.

در اجرای این طرح جنبشکارانه، کاهش سهمیه ارزی دولتی برای بخش کشاورزی، قطع سهمیه ارزی دولتی برای واردات و از جمله واردات ما بحتیاج ضروری مردم، افزایش نرخ کالاها ضروری وارداتی تا میزان نرخ آنیاد در بازار آزاد داخلی، حذف سوبسید کالاهای ضروری تولید شده در داخل، پیش بینی شده است، که نتیجه آن چیزی بجز افزایش سرمایه و هزینه های زندگی و کاهش فوق العاده قدرت خرید کارگران نخواهد بود.

روشن است که اجرای این طرح علاوه بر تشدید بحران اقتصادی، اختلالات وسیعی را در تولیدات صنعتی و کشاورزی موجب شده و صنایع متوسط و کوچک را دچار بحران نموده و حتی کارگران کارگاههای کوچک را در معرض خطر بیکاری و سوز قرار میدهد.

با توجه به اینکه بخش اعظم صنایع کشور بویژه صنایع بزرگ، به معنای آن بخش از صنایعی که پرولتاریا برای صنعتی در آن حضور دارد، در مالکیت دولت قرار دارد، بنابراین میتوان گفت که مهمترین خطر این طرح آن است که بخش سبنا طبقه کارگر کشور در معرض اصلی تهاجم رژیم جنبشکارانه اسلامی قرار میگیرد. در باره عواقب اجرای این طرح و زیرکارها و رخدادهای رژیم جنبشکارانه نظر کرده است: "از آن هفتصد هزار نیروی کار در واحدهای صنعتی ممکن است ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر آن بیکار شوند. فرض گذاشته ایم که جنبش واقعه ای رخ دهد، البته با این رقم نه ما بحران صنایع موافقت و نه گردانندگان "شوراهای اسلامی" و نه حتی سازمان تا مبن اجتماعیه، برکورد طرح نوین اقتصادی در حفظ اشتغال مولدین با اینها رقیمی است بین پانصد هزار تا ۳ میلیون نفر بیکار" (روزنامه جمهوری اسلامی - آذر ماه ۶۵)

موجودا ما با متکرو وجود مباحثات اتحادیه ای کارگران حول خواسته های فوری و بیواسطه اش بودند. از اینرو انتظار آنان ضرورت سازماندهی اتحادیه ای کارگران حول این خواسته ها و همچنین بطور کلی ضرورت اتحادیه ها و سندیکا های مستقل کارگری بعنوان شکل پایدار طبقه ای کارگران نفی میگردد. بویژه آنکه این اتحادیه ها می باید بطور مخفی سازماندهی میشوند. در مرحله دوم بحث سازماندهی توده ای جنبش کارگری که اخیراً آغاز شده، ظاهرأ قسمت اول استدلالات یعنی وجود مبارزه اتحادیه ای کارگران حول خواسته های روزمره و اقتصادی بعنوان یک واقعیت عینی پذیرفته شده، ولی قسمت دوم بحث یعنی ضرورت سازماندهی اتحادیه ها برای هدایت رهبری همان مبارزات اقتصادی پذیرفته نشده است. در همین رابطه است که تشکلهای دیگری نظیر "کمیته کارخانه" و یا "شوراهای کارگری"، که در شرایط خاصی از جنبش ضرورت آنها مطرح میشوند، بجای تشکلهای پایدار اتحادیه ای کارگران، ولی برای هدایت همان مبارزات روزمره و اقتصادی ارائه میشوند. در حالیکه اساس تشکلهای در هیچ شرایطی در مقابل هم قرار ندارند. روشن است که با این درهم آمیزی در مسائل عملی و آشفته فکری نمیتوان انتظار که باید. در خدمت با سخاویتی به نیازهای جنبش کارگری قرار گرفت.

در حال حاضر مسئله اصلی جنبش کارگری اینست که، در شرایط سرکوب لجام گسیخته سازماندهی جنبش توده ای چگونه به پیش خواهد رفت. درک قانونمندیهای مبارزه توده ای در شرایط سرکوب کنونی و بکارگیری اشکال مناسب مبارزه و تاکتیکهای متناسب با آن اهمیت فوق العاده ای دارد. بویژه آنکه جنبش کارگری، نمونه هایی از این انطباق سازماندهی مبارزه در شرایط کنونی را نشان داده است. این اعتقاد ما در واقع و احوال موجود سازماندهی سندیکا های مخفی کارگری بمنزله هسته اصلی سازماندهی اتحادیه ای طبقه کارگر و بمنظور رهبری سازمانهای عسلی و نیمه عسلی کارگران در شرایط کنونی ضرورت میرسد. در سازمان سیاسی طبقه کارگر تنها برای رهبری مبارزه اقتصادی طبقه کارگر علیه سرمایه داران و رژیم فقها اما با بدنه جنبش تشکلی متکی باشد، بلکه کارگران با آموختن درس اتحاد و شکل در این مبارزه و بکارگیری تاکتیکهای مناسب و ایجاد شبکه های ارتباطی متناسب با شرایط سرکوب فاشستی موجود، قادر خواهند شد سنگرهای تدافعی خود را گسترش داده و آماده شرکت فعال و سازمان یافته در مبارزه سیاسی و سرنوشتی رژیم فقیه ها و رهبری انقلاب گردند.

سیاستها و تاکتیکهای رژیم اسلامی در برابر کارگران

بدون آنکه هی بر برنا ما ها، سیاستها و تاکتیک های رژیم اسلامی، آنکه هی بر شرایط مبارزه، که شرط لازم برای اتحاد و تاکتیکهای درست از جانب کارگران است، مبستر نخواهد بود. از اینجهت ضروری است که سیاستها و تاکتیکهای رژیم در سال گذشته، از جنبه های مختلف مورد بررسی واقع شود.

سال ۶۶ از نظر نسالی تعیین کننده و مهم در رابطه رژیم اسلامی با طبقه کارگر کشورمان بود. این رابطه در سه محور عمده از سیاستهای رژیم قابل توضیح است. اولاً - سیاستهای اقتصادی رژیم که بر تغییر ساختار اقتصادی و نظا می کردن صنایع استوار بود. این سیاست با ارائه "طرح نوین اقتصادی" در آغاز سال مطرح گردید. ثانیاً - تصویب قانون کار و قانون بیمه بیکاری، که سیاست فدکارگری جدید رژیم را با توسل به عوام قریبی های "مستضعفینا" پیسش می برد. ثالثاً - تاکتیکها و اقدامات سرکوبگرانه و توطئه های رژیم در جهت تشدید استثمای روغارت کارگران برای تامین هزینه های جنگ و اعزام جباری آنان به جبهه ها، دومحوراً خبر در مبارزه کارگران علیه جنگ و حق شکل و حقوق دمکراتیک توضیح داده خواهند شد.

از آنجا که تمام اینها ما ها و سیاستهای رژیم در سال گذشته در چگونگی پیشبرد جنگ ارتجاعی و فدیشری نقیلاصه میشود هر سه محور فوق از سیاستهای رژیم در سال گذشته می باید در رابطه با این محورا علی مورد توجه قرار گیرد.

اما با توجه به اینکه محورا اول از سیاستهای رژیم در رابطه با کارگران یعنی سیاستهای اقتصادی بر تغییر ساختار اقتصادی و نظا می کردن صنایع مستقیماً یا بیهای اقتصادی و مادی طبقه کارگر و موجود است آنرا مورد هدف قرار داده و میدهد، روشن نمودن دلائل اتحاد این سیاستها از جانب رژیم و اثرات آن بر سیاستهای اقتصادی طبقه کارگر و چگونگی پیشبرد این سیاست در شاخه های مختلف صنایع و اتحاد دوتنای آن در جنبش کارگری حائز اهمیت فوق العاده است.

روحیه اعتراضی کارگران را در زمان زده و در نتیجه آنان را به رویا روشی مستقیم و هرچه بیشتر با سیاستهای جنگ طلبانه رژیم کما نید، با این ترتیب جنبش کارگری با تحریم اعزام و کمک مالی به جیبه‌ها و اعتراض و حمله مستقیم به انجمن‌ها و شوراهای اسلامی که سازماندهندگان تبلیغاتی جنگی رژیم در کارخانجات بودند قاطعانه در برابر سیاستهای جنگ طلبانه رژیم مقاومت نمود.

در سال گذشته، هم‌دررا بطنه با اجرای "طرح نوین اقتصادی" که در واقع اقتصادی در خدمت جنگ بود و هم‌دررا بطنه با اعلام سیاست بسیج اجباری و سراسری برای جنگ، طبقه کارگران و لنین‌نیرویی بود که در معرض بیشترین صدمات جنگ قرار گرفت. این سیاستها در رابطه با کارگران بعنوان نیروی متشکل و آماده و در دسترس رژیم با وقیحانه‌ترین توطئه‌ها به پیش رفت. قرار دادن کارگران در برابر بریباری و گرسنگی کامل و یا اعزام اجباری به جیبه‌ها تا کتیک بیش‌مانه و کشف رژیم در برابر کارگران نبود، قطع سهمیه ارزی دولتی برای بسیاری از کارخانجات که در طرح با صلاح نوین اقتصادی پیش بینی شده بود، موجب کاهش تولید در آنها گردید، همین مسئله به وسیله‌ای در دست عوام مل‌مزدور رژیم جهت اعزام اجباری کارگران به جیبه‌ها تبدیل گردید. عوام مل‌مزدور در این بین کارخانجات رسماً اعلام نمودند که بعلت فقدان مواد اولیه و یا شین آمدن تولید و کاهش ساعات کار روبیکاری کارگران، همواره تعدادی از کارگران با یدبسه حسیه‌های جنگ اعزام شوند. بسیاری از کارگران که تحت فشار خطر بیکاری و گرسنگی و با مبد حفظ کار خود به قربانگاههای جنگ ارتجاعی کشیده شده بودند، هیچگاه به سرکارهای خود بازنگشتند. این وقایع دلخراش نفرت هرچه بیشتری را در میان کارگران ایجاد نمود و مقاومت هرچه بیشتری در برابر جنگ را در میان آنان بوجود آورد.

با وجود عدم استقبال و تحریم کارگران، اعزام به جیبه‌ها که ظاهراً تا صدور فرمان ده ماهه‌ای سران رژیم و طلبانه انجام می‌شد، در مورد کارگران عملاً جیساری گشته بود. این توطئه با صدور بخشنامه‌ای از جانب وزارت کار که بر طبق آن می‌بایستی ۲۵٪ از کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی به جیبه‌های جنگ اعزام می‌شدند، عمل‌صورت رسمی بخود گرفت.

علاوه بر غارت مداوم دستمزدهای کارگران و وادار نمودن آنان به اضافه‌کاری اجباری برای جنگ، بدنبال قطعنامه ده ماهه‌ای شوراسالسی بنسبتیانی جنگ فرمهای بین کارگران توزیع می‌شود که تحت آن کارگران، (الف) به انجام یک روز کار اضافی برای جیبه‌ها، (ب) به اختصاص یک یا دو روز از مرخصی استحقاقی شان به جنگ و به حساب اموال (ج) به دادن یک روز از دستمزدها به نام جنگ و به حساب اموال، وادار می‌شوند. "دفترچه آخرت" که جهت غارت فریبکارانه کارگران در بین آنان توزیع گردید، از جمله آخرین ابداعات و قبحانه رژیم در سال گذشته بود.

جدول شماره ۴ چگونگی مقاومت کارگران را در سال گذشته در برابر جنگ نشان می‌دهد. مجموع حرکات کارگری در برابر جنگ ۵۱ مورد بوده است که نسبت به سال گذشته ۲٪ رشد نشان می‌دهد. در سال گذشته تنها یک مورد عدم مقاومت کارگران در برابر جنگ گزارش شده در حالیکه این رقم در سال ۱۹۶۵، ۱۹ مورد گزارش شده بود. کارگران در سال گذشته در برابر اعزام اجباری به جیبه‌ها با ۲۲ مورد در مقابل ۵۱ مورد مجموع گزارشات حرکات کارگری در برابر جنگ بیشتر از همه مقاومت نشان داده‌اند. نکته قابل توجه در این جنبه از مبارزات کارگران است که کارگران مبارزه خود را در این حوزه علیه انجمن‌ها و شوراهای اسلامی کارخانجات متمرکز کرده بودند. در این مورد مجموعاً ۳۳ حرکت کارگری علیه انجمن‌ها و شوراهای اسلامی در سال گذشته گزارش شده است. این مسئله در رابطه با انزوای هرچه بیشتر نهادهای وابسته به رژیم در میان کارگران حاضر اهمیت است.

(جدول شماره ۴) مقاومت کارگران در برابر جنگ

شکل مبارزه کارگران اعدامات رژیم	حرم	کم‌کاری	اعتراضی به انجمن اسلامی	اعتراضی به شورا	اعتراضی به مدیریت	عدم مقاومت کارگران	جمع موارد حرکت
کمک و آماده‌کاری اجباری برای جیبه‌ها	۲	-	۳	۶	۱	۱	۱۳
علاوه از اعزام اجباری به جیبه‌ها	۷	-	۶	۸	۱	-	۲۲
حرم حساسی و مراقبت فرمودنی	۲	-	۴	۶	۱	-	۱۴

با این ترتیب اثرات "طرح نوین اقتصادی" در رابطه با نظامی کردن تولید و تغییر ساختار اقتصادی کشور بر پایه‌های مادی طبقه کارگر و بر جنبش کارگری بشرح زیر خواهد بود. الف) با اجرای این طرح هسته اصلی طبقه کارگر، یعنی کارگران صنایع بزرگ که پرولتاریای صنعتی و بخش پیش‌تولیدی طبقه کارگر کشور را تشکیل می‌دهند، در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. چرا که هدف از اجرای طرح نوین اقتصادی، تعطیل نمودن صنایع بزرگ (از ۷۷ هزار واحد تولیدی مهم کشور) است. ب) با توجه به انحلال کلیت صنایع بزرگ در اختیار دولت، صنایع و کارخانجات دولتی در معرض اصلی خطر تعطیلی و توقف تولید قرار دارند. اما صنایع و کارخانجات خصوصی نیز با توجه به نیازشان به درآمدهای ارزی نفتی و واردات مواد خام از خارج از این خطر مصون نخواهند بود. ج) صنایعی را که در خدمت تولیدات نیازهای مصرفی و داروئی و بهداشتی و غذایی و وسایل خانگی و بطور کلی نیازهای اولیه مردم قرار دارند، قبلاً از صنایع دیگر با خطر توقف تولید روبرو خواهند گردید. نظیر کارخانتهای جنرال استیل، قرقه زیبا و غیره که با مشکل کمبود مواد اولیه روبرو بوده‌اند. مشکل کمبود مواد اولیه بعلت قطع سهمیه ارزی دولتی مشکل اصلی این صنایع را تشکیل می‌دهد. د) تغییر خط تولید صنایع و کارخانجاتی که امکان تولیدات جنگی در آنها وجود دارد، نظیر کارخانتهای ماشین‌سازی و صنایع کشتاورزی و تراکتورسازی و غیره، مانع کارخانتهای بنزخا و رنا و غیره که در خدمت تولیدات نظامی سپاه پاسداران قرار گرفتند. و تعطیل نمودن و توقف تولید در کارخانجات دیگر ماشین‌سازی‌ها که خارج از نیازهای جنگ قرار دارند، (ه) با تعطیلی صنایع شیمیایی و قطع سهمیه ارزی برای بخش کشاورزی، کارگران کشاورزی آسیب فوق‌العاده خواهند دید و در معرض بیکاری و استعفاء قرار خواهند گرفت. و) با تعطیلی کارخانجات و افزایش بیکاری بخش خدمات متورم شده و کارگران این بخش در معرض استعفاء روحیانه و تشدید آن از جانب سرمایه‌داران قرار خواهند گرفت. با گسترش و تعمیق بحران و اختلالات در ساختار اقتصادی کشور، واحدهای کوچک تولیدی کشور نیز در مان‌نمانده و کارگران این بخش نیز در معرض تهدید بیکاری و تشدید استعفاء و گرسنگی قرار خواهند گرفت. ج) این سیاستها موجب تخریب آموزشهای فنی و تخصصی کارگران شده و در کنار تشدید استعفاء و کاهش دستمزدها، سطح زندگی کارگران و بویژه کارگران متخصص تنزل خواهد یافت. ط) برقراری حاکمیت قوانین و ضوابط نظامی در کارخانجاتی که در خدمت تولیدات جنگی قرار داده شده‌اند و در جهت افزایش تولیدات جنگی - موارد فوق بطور مختصر عواقب سیاست "طرح نوین اقتصادی" رژیم در رابطه با وضعیت طبقه کارگر کشور است. با این ترتیب مبارزه کارگران در سال ۶۶ در محورهای زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبارزه کارگران علیه جنگ

در سال ۶۶ در مبارزه سیاسی کارگران علیه رژیم فقها، مبارزه علیه جنگ به محورا اصلی مبارزه کارگران تبدیل گردید. چرا که رژیم اسلامی با اجرای "طرح نوین اقتصادی" و سیاست نظامی کردن تمام حیات اقتصادی کشور و از جمله کارخانجات موجودیت طبقه کارگر را مورد تهدید کامل قرار داده و جنگ آشکارا علیه کارگران اعلام کرد. این سیاست در کنار اجباری شدن اعزام به جیبه‌ها و کمک‌های مالی برای جنگ که با توطئه‌های وقیحانه‌ای به پیش میرفت تمام عرصه‌های کار زندگی کارگران را تحت الشعاع خود قرار داده و خشم آنان را برانگیخت.

در پی اجرای نظامی کردن کارخانجات بسیاری از آنها نظیر کارخانتهای بنزخا و رورنا که در خدمت تولیدات نظامی سپاه پاسداران قرار گرفته بودند، بطور کامل در خدمت تولیدات جنگی قرار گرفتند. در کارخانجاتی که بعلت تولیدات نظامی اختصاص یافته بودند، خط تولید دوشیفتی شده و ساعات و سرعت کار افزایش یافت. جهت تشدید بیهوشی کارگران و افزایش تولیدات جنگی ضوابط و قوانین نظامی در کارخانجات حاکم گردید. بسیاری از کارگران در حرفه‌های که در آن تخصصی‌نداشتند، بکار گرفته شده و بر سختی کارشان افزوده شد. این سیاست به تخریب آموزشهای فنی و تخصصی بسیاری از کارگران منجر شده و در نتیجه از حقوق آنان کاسته گردید. کارگران ناگزیر شده بودند غیرمغز نفرت عمیقشان از جنگ اجباری برای آنان کارکرده و به تولیدات بی‌بهره‌ای زندگانه تقویت ماشین نظامی رژیم را موجب گردیده و امکان تداوم جنگ را برای رژیم فراهم می‌نمود. جنگی که بسیاری از همکاران نشان را در پی اعزام اجباری به جیبه‌ها بکار خود کشیده بود. کارگران در برابر بریباری و تهدید گرسنگی یا کابریای جنگ در وضعیت دشواری قرار گرفته بودند. این وضعیت

ولایت مطلقه فقیه

وانشعاب در روحانیت

در جریان باصطلاح "انتخابات" مجلس سوم، جامعه روحانیت مبارز به رهبری مهدوی کنی منشعب شد. جناح انشعابی که برخودن نام "روحانیون مبارز" سپاه است، از زعامت افرادی چون کروی، موسوی خوئینی ها، محمدرفا تهرانی، حسن مائنی، امام جعفری، هادی غفاری، صادق خلغالی و غیره برخوردار می باشد که عموماً از اشخاص وابسته به "بیت امام" هستند و دوشاخه زانان (محمدرفا تهرانی و موسوی خوئینی ها) از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی محسوب می شوند. تاکنون چند تن از اعضای گروه انشعاب پس از "روحانیون مبارز" از جمله کروی، جمالی، سراج الدین موسوی، موسوی خوئینی ها در باره دلایل انشعاب خود از جامعه روحانیت مبارز سخن گفته اند. در اطلاعیه "روحانیون مبارز" به تاریخ ۱۴۹ سفندماه ۶۶ در باره استقلال "روحانیون مبارز" از جامعه روحانیت مبارز چنین آمده است: "روحانیون مبارز تهران که موقعیت کاندیدها را در دل بستهای مختلف انتخاباتی سنجیده و متاسفانه به کنار گذاشتن افراد صالح و به زیر سؤال کشیده شدن برخی از مصلحت طلبان، مختلف مواجعه شده و از آن برخوردار می گردیدند و از آنجا که روحانیت مبارز از راهی که در گذشته را دیده است و به خاطر حفظ حرمت خون شیعه و امامت پای انقلاب اسلامی به انتقاد از اطلاعیه و معرفی کاندیدهای خود اقدام می نماید." (کیهان، ۱۴۹ سفندماه ۶۶). اختلاف لیست کاندیدهای پیشیندی دو گروه به اندازه کافی آشکار است؛ زیرا بیش از نیمی از کاندیدهای معرفی شده توسط "روحانیون مبارز" با "جامعه روحانیت مبارز" متفاوت می باشد (رجوع کنید به لیست کاندیدها در کیهان ۱۶ فروردین ۶۷ و پیوسته جدول مقایسه ای حمایت گروه ها و جمعیت ها از کاندیدهای تهران، مندرج در کیهان ۱۷ فروردین ۶۷). اما می مود اختلاف در لیست جامعه روحانیت مبارز، شامل کسانی چون عسکری و ولادی، سعید امامی، اسدالله امامی و سیدرضا زواره ای می باشد که ارواستگان جناح رسالت (بعنسی طرفداران بورژوازی تجاری ممتاز) و از امضاء کسندگان نامه ۹۹ فروردین در مجلس علییه کابینه موسوی و نیز علییه فرمان امام هستند. در باره این نامه، طاهری امام جمعه اصفهان و حزب الهی دو آتش که به هنگام دستگیری امامت منتظری مدتی خاموشی کزیده بود پس از مراسم تشییع حسین خراسی مجدداً وارد صحنه پرهیا هوی سیاست فقا هتی گردید، چنین اظهار داشته است: "در مجلس قبل ۹۹ نفر در مقابل امام موضع گرفتند، البته هر کدام از این افراد در دینشان تردیدی ندارم، بخصوص بعضی از آنها را می شناسم که افراد متعهدی هستند، اما آنها در دینشان توجیه کرده اند، که حکم امام، حکم رسانی بوده است.

با حکم امام، به حکم اخلاقی است. قانون اساسی یک چنین وظیفه ای را در اصل ۱۱۰ برای امام معین کرده که ما میخواهیم دولت خاصی (دولت آقای موسوی) تأیید کنند و بگویند "به این دولت رأی بدهید" و "این دولت باید باشد". اما در این جهت حکم ایستاده دولتی ۹۹ نفر رأی منفی دادند. برای همین بود که ما برای اولین مرتبه از راه در عیزمان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی خواستند که آقایان را ببینیم و با آنها گفتگو کنیم. ما دعوت امام را نماندگان را به حسینیه بردیم اما آن روز فرمودند: آقایان گردید هر چه گردید، در آینده می خواهید چکار کنید. این اولین مرتبه بود که ما از امام یک چنین حالتی را در انقلاب دیدیم که خودشان از جمعی دعوت کردند و بگویند، بیا بنشینیم، و این حرف را به آنها بزنند که "شما گردید، هر چه گردید، برای آینده می خواهید چکار کنید". (کیهان، ۸ فروردین ۶۷) و حالاً ما می برخی از این ۹۹ تن که به طرفداران "اسلام مستکبرین"، مرفهین، سرمایه داری و آمریکائی "در مقابل" اسلام مستضعفین، پارهنگها و محرومین "معروف شده اند، در لیست کاندیدهای جامعه روحانیت مبارز به چشم می خورد. بدین لحاظ "روحانیون مبارز" انشعاب خود را با سخاوت فراوان مستمعین سنا و بویژه فرمان حکومتی اخیر امام می دانند. اما محارفات در این مورد چنین می گوید: "لکن با بعضی از موضع گیریهای اخیر که همانا تا شد و تعیین بعضی از کاندیدها می که در دوره گذشته مجلس نشان دادند که در مقابل دستورات امام موضع گرفته و نسبت به دولتی که مودتاً بنا شده است به مخالفت برخاسته و جنبه گریختن به تضعیف خط انقلاب پیدا اند است تمام می شود که نیکند خدای نا کرده بعضی از افراد که تمصبات حزبی و احیاناً اغراض سیاسی دیگری دارند در آن رخنه کرده اند". (کیهان، ۱۵ فروردین ۶۷) موسوی خوئینی ها در مصاحبه خود با کیهان، انشعاب مذکور را جلوه ای دیگر از مبارزه دوخطی در کلیه نهادها و مجامع حکومتی می دانند و می گوید: "همانگونه که در مجلس هم همین دوطرفه گر وجود دارد که اکثریت نمایندگان را به دو جناح تبدیل می کند و در جاهای دیگر هم هست، طبیعی بود که در روحانیت تهران با همه وسعت و کثرت افراد آن همین دوطرفه گر وجود داشته باشد و وجود هم داشت". (کیهان، ۱۵ فروردین ۶۷). در واقع شدیدیست منازعات همین دو جناح یعنی باصطلاح طرفداران "اسلام سنتی" (یا "اسلام مستکبرین") و "اسلام فقا هتی" (یا "اسلام مستضعفین") بود که در سال پیش به انحلال حزب جمهوری اسلامی انجام میسد و اکنون همین منازعات است که به انشعاب "جامعه روحانیت مبارز" منجر شده است. بجای معنای که یکی از اهرمهای مهم سازماندهی تسلط ارتجاع اسلامی به زعامت خمینی بوده است، اما تشکیل گروه "روحانیون مبارز" در کشوری که هرگونه تجمع و حزب ممنوع می باشد، به چه معناست؟ مگر اظهار نظر منتظری در باره مجاز بودن تشکیل گروه ها و احزاب در چارچوب پذیرش نظام ولایت فقیه، بلاناطله به وسیله رفسنجانی تحقیر نگردید و مگر محتشمی وزیر کشور هرگونه تشکیل مجمع "حزبی" را در آستانه انتخابات قدغن نگردید؟ پس چگونه است که در دوره "مبارزه انتخاباتی"

مجلس سوم به گروه مذکور اجازه فعالیت داده شد است؟ در پاسخ بدان پرسش، باید بگوییم که این مجمع با اجازه شخص خمینی و با حمایت "بیت پرده" رفسنجانی و موسوی اردبیلی بوده است. تقریباً عموم رهبران اصلی "روحانیت مبارز" به اجازه امام ما را راه نموده اند. فیالمثل کروی، در اسن مورد چنین اظهار می دارد: "وقتی ما به ضرورت اعلام استقلال رسیدیم، رضایت خاطر امام از این حرکت بر ما نیک شرط اساسی محسوب می شد که محمدالله در این زمینه رضایت حاصل شد". (کیهان، ۱۴۹ سفندماه ۶۶) موسوی خوئینی ها در باره موضع رفسنجانی و اردبیلی که هنوز در جامعه روحانیت مبارز هستند، چنین می گوید: "البته با بدعری کنیم که بعضی از بزرگان را که در آن جمع هستند این اقدام را می پسندند و نه تنها آن را تقبیح نکرده بلکه تحسین هم می کنند. ما ننسند جناب آقای موسوی اردبیلی و جناب آقای هاشمی رفسنجانی" (کیهان، ۱۵ فروردین ۶۷). البته پس از انتشار مقالاتی در رسالت پیرامون موضع رفسنجانی مبنی بر عدم تأیید اقدام گروه روحانیون مبارز تهران، سراج الدین موسوی به مصاحبت از قول رفسنجانی خاطر نشان کرد که وی لیست گروه مزبور را پسندیده دانسته است و پس از شنیدن رضایت امام از ایجاد چنین گروهی، اقدام مذکور را تأیید کرده است. به عبارت دیگر، رفسنجانی در "بیت پرده" تشکیل چنین جمعی را تشویق نموده است. معیناً پرسیدنی است که چرا رفسنجانی و موسوی اردبیلی از جامعه روحانیت مبارز انشعاب نکرده اند؟ توجیه به دو نکته مسئله را روشن می کند. اول آنکه در لیست کاندیدهای جامعه روحانیت مبارز، افرادی نبودند که محل اختلاف نظیر محمدبیدی منظور شده اند که محل اختلاف دو جناح محسوب می شوند حال آنکه در لیست "روحانیون مبارز" صحبتی از نمایندگان مورد قبول هر دو جناح نیست. بیوستان اشخاصی نظیر رفسنجانی به جمع مذکور به معنای یک دسته بندی آشکارا تعیین تکلیف بر سر اختلافات می یسد. دوم آنکه خمینی خواهان محدود ماندن این انشعاب (لا اقل در حال حاضر) به تهران و نه سرایت آن به سایر مناطق بویژه قم و اصفهان بوده است. از اینرو جمعیت مذکور بر خود نام "روحانیون مبارز تهران" داده است و خوئینی ها از قول خمینی اظهار داشته است: "... حضرت امام نیز رضایت خودشان را اعلام فرمودند. ضمن توصیه این مطلب که برای غیر تهران کاندید معرفی نکنید". مضاف بر این، خروج افرادی نظیر رفسنجانی از جامعه روحانیت مبارز به معنای انحلال این جامعه خواهد بود و اما اهمیت انشعاب در جامعه روحانیت مبارز کدام است؟ در نگاه اول چنین به نظر می رسد که این انشعاب در ارتباط با انتخابات مجلس سوم و اهمیت قبضه کردن کرسی های هر چه بیشتر توسط جناح "خط امام" یا "خط ولایت مطلقه فقیه" صورت گرفته است. اما این تنها ظاهریست. اگرچه، با اعلام فرمان حکومتی خمینی، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، اهمیت شورای نگهبان تا حدود زیادی تقلیل یافته و در مقابل اهمیت مجلس افزایش فوق العاده ای یافته است. بقیه در صفحه ۲۷

صندوقهای قرض الحسنه: صندوقهای چپاول

اکنون مدنهاد است که صندوقهای "قرض الحسنه" با پوششی شرعی و عامه فریب، به مسئله‌ای حائز اهمیت در نظام پولی و مالی کشور به‌مؤسسه‌های برای چپاول و بهره‌کشی مردم تبدیل گردیده‌اند. با توجه به نقشی که این صندوقها در نظام اقتصادی ایران پیدا کرده‌اند طبیعی است که بیشتر دیدگری از بزور اختلافات جناح‌های حکومتی نیز باشد. و امروزه با افزایش هرچه بیشتر آنها و مزونی‌گرفتن قدرت مالی و تمرکزشان، اسعادهظیم عوارض و آثار منفی آنها نیز نمایان شرمیگردد. (*)

سرما به داران بخش خصوصی و روحانیون مدافع بازار که با سیاستهای دولتی کسود و کنترول سرمایه و تجارت بشدت مخالفتند، صندوقهای "قرض الحسنه" را یکی از بهترین ابزارها برای سرکشی کردن مردم و یکی از مؤثرترین وسیله‌ها برای مقاصد اقتصادی و سیاسی خود در مقابل با جناح مدافع دولتی کردن اقتصاد یافته‌اند. سرما به داران و بازاربان طرفدار گسترش بحسب خصوصی، متوسط صندوقهای "قرض الحسنه" اهداف چندگانه‌ای را دنبال میکنند. آنان با تاسیسی این صندوقها می‌کوشند، نقدینگی‌های خرد و پراکنده زحمتکشان، مردم کم‌درآمد و تولیدکنندگان خرد را جمع کرده و بشکل سرمایه‌های مالی عظیم در عرصه‌های سودآور برای خودیکا بگیرند. بهمین خاطر است که ضابطه نخست این صندوقها، سپردن سرمایه‌ای اولیه از جانب متقاضی و وام است تا در طی دوره‌ای معین چند سراسر آسرابنکل وام دریافت دارد؛ که البته معرفی نام یا گروه داشتن جو از کسب، سخدانه و مغازه و غیره نیز تضمین‌های دیگریست، تا برگشت وام را محرز گرداند. پرداخت وام از جانب صندوقها نیز معمولاً در موعد مقرر صورت نمی‌گیرد تا با طی مدت زمان بیشتر و در اختیار داشتن سرمایه‌های بزرگتر میزان سودآوری آنها برای صاحبان و هشت مدرسه صندوقها افزوده گردد. بسیاری از صندوقها حزبی از یک شرکت تجاری و بازرگانی هستند و در واقع سرمایه‌های جمع‌آوری شده متقسماً و بدون فوت وقت در خدمت فعالیت‌های اس شرکت‌ها سکار گرفته می‌شود. بطور مثال سازمان اسعاده اسلامی و سعادسوسب از جمله سازمانهای نحاری و مالی عول بکتری هستند که از چسب ادعای بهره‌برداران بهیای هگمت میکنند، برای چسب شرکتها بی صندوقها نقش منبعی برای جبران کسری هزینه‌ها را نیز بازی میکنند، و بدبسترنیب سرقدرت ما سوز شرکتها در معاملات و سرمایه‌گذارها میان با بنسند. صندوقهای بی که با چنین شرکتها بی ادغام شده‌اند در واقع سیشترین مزایا را برای صاحبان آنها داشته‌اند و دارند. سازمان اقتصاد اسلامی که اساساً در حوزه تجارت داخلی و خارجی فعال بوده و

• آنچه که در این مقاله مورد نظر است صندوقهای ربانی هستند که توسط سرما به داران و بازاربان در سطح شهرها و محلات دایر گردیده‌اند و منظور از صندوقهای همیاری کارگری که در بخش خصوصی از کارخانجات نیز با نامهای مشابه توسط سوسب کارگران ایجاد شده‌اند، نمیباشد.

از طرف دیگر با قدرت گرفتن این صندوقها در نظام پولی و نقدینگی کشور، اختلافات و رقابتها هرچه بیشتر جناح‌های حکومتی در پیشبرد منافس سیاسی و اقتصادی خویش و در چگونگی مقابله با مردم و بهره‌کشی از آنها، در این عرصه نیز بسیار می‌گیرد. سرما به داران و جناح بخش خصوصی می‌کوشند تا با ایجاد این صندوقها مستقل کردن آنها از سیستم بانکی و تحت عنوان دروینس "حیرسه" اردا سراهذمالیات بگیرند.

در بی افشاشدن احتلاسها و کسود سوسب العاده بنیادسوسب، اسروانی وزیر امور اقتصاد و دارائی میزان مالیات سیرداحه اس سسار در آروزی سساحنی از مدار ک مربوط سسه سال ۸۰۶۵، سسلا اردو ۳۰۰ میلیون سومان اعلام کرد، که از اس سبران سسب ساسل سوحی مربوطه در آمد سسودق "قرض الحسنه" این سسباد سسوده است.

اما حکم وجدال اصلی بر سر صندوقهای "قرض الحسنه" از آنجائیکه می‌شود که بخش خصوصی با دایر کردن صندوقها سسکوشد تا در کنا رسیستم بانکی قدرت مالی و اقتصادی عول پیگسری را تدارک دیده و با بخش دولتی س رقابت بر خیزد و طبیعی است که از این امر نه تنها اهداف اقتصادی بلکه همچنین اهداف سیاسی خاص خود را در دست یابی به اریکه قدرت دنبال میکنند تا با دست با زتسری به پیشبرد سیاستهای خود، و چپاول و اسسشمسار توده‌ها بپردازد. اما جناح طرفدار دولتی کردن اقتصاد که هم‌اکنون دست بالا را در حاکمیت سیاسی و اقتصادی کشور دار سسوخوبی میداند که رشه هر چه سیشتر بخش خصوصی و سار لافتن قدرت مالی جناح رقیب چیزی حزا اختلاف هر چه سیشتر در سسنا مه سس و سیاستهای بخش دولتی سخواد هسبود. دولت برای ادا ره جنگ خانما سسوز خود، برای کنترول لحظه به لحظه رفاه بیستی مردم و ادا ره زندانها، برای سسپا بگه داشتن ارگانهای رنگ و وار رنگ سسکوبیگر خود، برای برقرار داشتن آسشاس رتبلیغاتی و اسسقادات پوسیده اسلامی خویش، برای پرداخت مواجب مدیران و عوام مل دست نشاندده اش در کارخانجات و ادارات و برای تامین تمامی هزینه‌ها و مخارجش در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی و سسکوبیگرانه و

خاصه برای مها ربحرانی که در آن دست و پیا میزند، سسستوان در رقیب مالی کردن کلفتی را که حارچاز نظارت و کنترول سیستم بانکی و سسنا مه ریزی اش با سسحمل کند. اسروانی در اولین کنگره اهداف سرما به پنج ساله بانک ملی که در سسبمن ماه سال گذشته تشکیل یافته بود اعلام کرد که "بیش از بیگ سوم شیکه با سسکداری جمهوری اسلامی شیکه غیر رسمی است که عمدتاً تحت عنوان مؤسسهات قرض الحسنه‌های سانکها را در جمع کردن و نظارت بر مساع مالی مردم اشغال سسوده اسد". (۲) با توجه به چسب اسعاده عظیمی از مالیه خارج از کنترول کشور در دست تجارت سسوده که در همان کنگره، سسسور سب ضرورت کنترول صندوقهای "قرض الحسنه" را توسط دولت، موردنا سسدنرا ارداد، دولت برای سسسره سرما به‌های اقتصادی و سیاسی ارتجاعی اسسلازم مبداد تا کل نقدینگی کشور توسط اسسستاری راحت کنترول خویش گرفته و بر اساس آن سسنامه -

بقیه در صفحه ۲۵

توسط بازاربان تهران داده می‌شود نمونه‌های این ادغامهاست. مدبرعامل این سازمان در طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: "ما هفته‌ای ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان پول از سسبده‌های صندوقها را به روستاها و شهرها ارسال میکنیم". (۱) بنیاد نبوت که در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی و تجاری از قبیل واردات و صادرات، فروش و توزیع اسواع کالاهای غذایی و مصری، سرما به‌گذاری در امور سسختمانی و کسب و رزی و غیره فعال سسوده، در طی بررسسی تخلفات سس، از جانب وزسار مور اسسقا دودا را سسبی اعلام کردید که سسبا با زسبدا سسقا سساط وام سسودق "قرض الحسنه" آن در طی یکسال معادل ۵۰۰ میلیون ریال سسوده اسد. (۲) اما سسوه اسسقا ده‌های بسن سسودق ها تنها به این موار د محدود نمی‌شود. کارمزدهای بی که توسط این صندوقها اعلام گردیده ظاهر ایک با دودر صد اسد ولی در اکثر م سسوار د صندوقها با نکه داشتن وام در صندوق و اسعمال قوانین و سیاستهای خاص خود سسنا ۱۰ درصد سسود میگیرند، علاوه بر آن حق دیر کردنا زسبدا سسختها، سسستم تصاعدی و شرطی پرداخت وام سسزرا هسهای دیگر "نیخ زدن" متقاضیان وام اسد که معمولا بکار گرفته می‌شود. لازمه ذکر اسد که علیرغم آنکه با سساط وام در واقع متعلق به خود وام‌گیرنده اسد که بشکل سرما به اولیه در صندوق گذاشته اسد اما اینهمه هزینه کار سسردنا مل کل وام می‌شود. اما گذشته از این روال عادی، صندوقها در موار د زیاد ی سساشربک سسند در حوزه فعالیت متقاضی وام، پس از حدی عملابه صاحبان و عاصان دار سسود اسسحسب وام سسبده سسبدیل سسده و در سسب فواسب شرعی و سساتوبل سسامل "عندبر ارداد" و "سراسی طرس"، متقاضیان وام را به حاک سساه سسسنا سسند. اسسلا سس و سسلا کسبدهای موجود سسودق نیز از جمله موار د سسب که در سساری موار ق اسساق یافته و بعضاً اسسناه سسود، در مهران سال گذشته سساروشدن پروسسده "ذاکری" رئیس هیئت مدرسه سسودق "قرض الحسنه ولی عصر"، گوشه‌ای از اسب اسسلاسها روگردید. اسب سسودق در مقطع شکایات صاحبان سهام می‌لغسسی معادل ۸۲۰ میلیون ریال سرما به سسبده داشته که از اسب مبلغ تنها ۴۱ هزار تومان آن در سسودق موجود بوده اسد (والبته در صدی سسب سسوان وام در بسب متقاضیان تقسیم گردیده بود).

بنابراین روشن اسد که در سسب اساسی ظاهر فریب این صندوقها از قبیل "قرض الحسنه"، "بدون ربا"، "خیریه" و... چه سیستم ربا سسواری و سوداگری عظیم و چه بهره‌کشی هاروبیر حمانه‌ای برای تسلط بر جان و مال مردم فقیر و کم‌درآمد و چه شبکه‌ای حجابوسی هولناکی برای کنترول تولید پراکنده خرد عمل می‌کند، و اینجاست که یکی از انگیزه‌های مهم مؤسسان این صندوقها نمایان می‌گردد. در حالی که اسسقا دحرد، و سسکنه سسده و مردم کم‌بصاعت برای تامین شرایط یک زندگی محقر، ذربانکها را برای دریافت وام دراز مدت و کم‌بهره به روی خود سسسته می‌سسند، به سمت اسسب سسودقهای چپاول شرعی روی آور می‌شود؛ و زمانی بی به ماهیت حقیقی آنها می‌برسد که به حاک سسباه نشاندده شده‌اند!

برجسته‌زیرمیتوان مشخص کرد:

۱- گذار به سازمان ندهی اتحادیه‌ها از سطح یک صنعت به سطح شرکت‌های چندملیتی، یعنی ایجاد یک اتحادیه در سطح یک شرکت چندملیتی، که اولاً، مینواید رقابت درونی کارگران کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری ساکارگران جهان سوم یا با داده (با دستکم آنرا بسیار ضعیف کرده) و روحیه همبستگی اشتراک‌سویان را تقویت نماید، ثانیاً، سازمان ندهی اتحادیه‌ها را، با اقتصاد سیاسی این کشورها، که در عصر ما، بدون فهم شرکت‌های چندملیتی امکان پذیر نیست، منطبق سازد.

۲- فراج‌ترکردن دایره‌شامل اتحادیه‌ها از آن‌ها که صرفاً برپرولتاریا صنعتی، به نیروی کار شاغل در بخش خدمات، بهنجوی که اتحادیه‌ها بتوانند نیروی کار هر دو بخش را دربرگیرند، زسراالگوئی فعلی اتحادیه‌ها، که پایه‌های آن در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ریخته شده است، با درجه تحول ساختار نیروی کار در آستانه قرن ۲۱ انطباق کاملی ندارد، و با سخوی نیا زهای جدید نیست.

۳- اتحادیه‌ها، با افزایش برمسائل کارگران در کارخانه، با مسائل دموکراتیک جامعه نیز درگیر میشوند، که خود ضرورتاً موجب سیاسی‌ترشدن هر چه بیشتر اتحادیه‌ها می‌گردد. این امر، بویژه در کشورهای که اجزای انقلابی و مترقی، جنبش دموکراتیک عمومی جامعه را هدایت می‌کنند، نظیر آفریقای جنوبی، فیلیپین، آل‌سالوادور، شیلی،... بیشتر خود را نشان می‌دهد، و در واقع ستون فقرات دموکراسی را تشکیل می‌دهند.

پلاتفرم کارگری - سازمان کنگره "فدراسیون جهانی سندیکاها" در ۱۹۸۶ در برلین، که نمایندگان ۸۰ درصد از پرولتاریا سازمان یافته جهان در آن شرکت داشتند، گامی بزرگ در وحدت بخشیدن به راه‌پرولتاریای جهانی در مبارزه با سرمایه، و تدوین یک پلاتفرم مبارزاتی بود. در این پلاتفرم، سه محور عمومی مبارزه، مورد تصویب قرار گرفته بود: ۱- دفاع از صلح، یعنی مبارزه با ملیت‌پرستی. ۲- تشدید مبارزه برای خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی. ۳- دفاع از حقوق سندیکاها و فعالیت‌های همبستگی.

برگزاری دهمین کنفرانس بین‌المللی سندیکاها در فلزکار در اسپانیا در ۱۹۸۷ در برلین، که از نظر تجمع کارگران این رشته از صنعت، بعد از ۱۹۴۹ بی‌سابقه بود، برگزاری کنگره "کنفدراسیون جهانی سندیکاها آزاد" در مارس ۱۹۸۸ در ملبورن، و دیگر گردهم‌آیی‌های بزرگ کارگری، نشان‌دهنده فعالیت‌های سندیکاها در دستارک‌کنگره جهانی زنان، کنفرانس جهانی سندیکاها در ۱۹۸۸ در باره جوانان کارگر، برگزاری مسزگردجانی (جزومویات یا زده‌میین کنگره جهانی سندیکاها بود) تحت عنوان "زنان کارگر و سندیکاها"، با جساد یک مرکز بین‌المللی برای دفاع از حقوق سندیکاها، برگزاری صدمین سال تمویب اول ماه مه در ۱۹۹۰ در بتالیا، برداختن سندیکاها به مسائل آموزش و مسکن، مبارزه سندیکاها برای لغو بدهیهایی کشورهای جهان سوم (در این زمینه سندیکاها برای کارگری آمریکای لاتین بسیار فعال هستند)، همه اینها نشان‌دهنده حرکت در اعماق دریا است. در این گردهم‌آیی‌ها، یک نکته دیگر نیز جاذبه اهمیت است: سندیکاها علی‌رغم اختلافات ایدئولوژیک بهم نزدیک می‌شوند، و طبقه کارگر، به عنوان یک طبقه در این گردهم‌آیی‌ها شرکت می‌کند، که زمینه نزدیکی هر چه بیشتر کارگران را فراهم می‌سازد.

پلاتفرم کارگری، نه فقط ناظر بر مقادیر و مدت دربار برتها سرمایه‌است، که در آستانه قرن ۲۱ به شیوه‌های عقب مانده و ارتجاعی قرن ۱۹ آورده است، بلکه طرحی است برای برهم زدن تعادل قوا بنفع طبقه کارگر، که ظرف زمانی آنرا سازمان ندهی تعیین خواهد کرد.

حرکت‌های برجسته کارگری، اعتماداً به آن، همچنان بعنوان مهمترین نکل حرکتی کارگران باقی مانده است. آنچه که اعتماداً به آن دهه ۱۹۸۰ را از اعتماداً به آن دهه ۱۹۷۰ متمایز می‌سازد، اینست که اعتماداً به آن، از نظر زمانی، طولانی‌تر و در موارد متعددی، توانمند درگیری با پلیس، و اشغال کارخانه با محاکمات ریخته شده است. تنها در آمریکا، در ظرف ۶ ماه، ۱۹۸۶، یک میلیون اعتماداً به آن بوقوع پیوست و پاره‌ای از آنها، نظیراً اعتماداً به آن ۴۵ هزار کارگر فولاد در بالت، که از اول اوت آغاز شده بود، تا ژانویه ۱۹۸۷ ادامه یافت. با اعتماداً به آن ۱۵۵ هزار کارگر انحصاراً، یعنی، در اعتراض به اخراج ۲۰ هزار رتفرا کارگران، و کاهش دستمزدها، چهار هفته ادامه یافت. از آنجا که حرکت‌ها و اعتماداً به آن کارگری در سال ۱۹۸۷ نیز تقریباً بهمان نسبت سال پیش و با اشکالی مشابه بوده‌اند، ما فقط به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: بقیه در صفحه ۲۴

سرمایه، توانست به عنا صرمه می‌ازیک خط استراتژیک دربار سرمایه دست یا بد که خودگامی سترگ بود. لیکن برای برهم زدن تعادل نیروها، و حتی برای قابل تنفس کردن زندگی در چها رچوب بردگی سرمایه، با بدسازمان ندهی نیرومند کارگری داشت، و سرنوشت مبارزه را درجه سازمان ندهی تعیین می‌کند.

در سیکار بزرگ و روزمره پرولتاریا علیه سرمایه، اتحادیه‌ها، فراگیرترین سازمان طبقه کارگر سرمایه‌رود، و طبیعی است که با توجه به تمرکز عظیم سرمایه در انحصارات - که تولید بعضی از آنها، از تولید بعضی از کشورهای نیز بیشتر است - و همچنین بدلیل تحول در ساختار نیروی کار، اتحادیه‌ها نیز دچار تحول جدی شود. بطور کلی، ملاحظات زیر را در این رابطه می‌توان متذکر شد:

۱- با توجه به انقلاب تکنولوژیک و دگرگون شدن ساختار نیروی کار، ساختار تولید و بیگانه شدن میلیونها کارگر صنعتی، که پایه‌های اصلی سندیکاها را تشکیل می‌دهد، درجه سندیکالیزه شدن کارگران در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، میل به کاهش را نشان می‌دهد. مثلاً میزان عضویت کارگران در اتحادیه‌ها در ۱۹۵۰ از ۳۵ درصد به ۱۵ درصد در دهه ۱۹۸۰ تنزل یافته است.

۲- در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، نزدیک به ۷۰ درصد از نیروی کار، به بخش خدمات تعلق دارد که از درجه پایینی از شکل سندیکالیزه شدن برخوردار است.

۳- انتقال به بخش خدمات، مستقیم نیست، یعنی این پرولتاریای صنعتی نیست که به بخش خدمات انتقال یافته است، بلکه عضوگیری به بخش خدمات، عمدتاً از بین زنان، که نیروی کار ارزان تری از مردان هستند، انجام می‌گیرد که اصطلاحاً به آن "انقلاب جنسی" یا زنان‌کردن نیروی کار گفته می‌شود. لیکن بدلیل تداوم اشتغال به کار در خانه، وقت کمی برای فعالیت اتحادیه‌ای صرف می‌کنند، همچنین از سنت و تجربه مبارزاتی کمتری نسبت به پرولتاریای صنعتی برخوردار هستند.

این سه عامل مهم، با افزایش عوامل تکمیلی دیگر، نظیر نیمه وقت‌کردن بخش قابل توجهی از نیروی کار، در میزان شکل‌گیری طبقه کارگر، اثر منفی می‌گذارد. با اینهمه، جوهر مساله را باید در جای دیگری جستجو کرد. زیرا در مبارزه پرولتاریا، دو عامل، سرنوشت سازمان است: کمیت و شکل. **ساختار نیروی کار هر چه ساده‌تر، نیروی کمی آن، همواره در حال گسترش است.** حتی قدر مطلق طبقه کارگر صنعتی، برغم کاهش نسبت آن در مقایسه با نیروی کار در بخش خدمات، از دهه ۱۹۵۰ تا کنون، دائماً افزایش یافته است. جدول زیر، این افزایش کمی پرولتاریای صنعتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری را نشان می‌دهد.

شماره کشورهای سرمایه‌داری مهمی آمریکا ژاپن آلمان فدرال فرانسه انگلستان ایتالیا کانادا	کارگران و دستمزدگران		طبقه کارگر				
	میلیون نفر	درصد نسبت به هم‌شغال اقتصادی	میلیون نفر	درصد نسبت به هم‌شغال اقتصادی			
	اوتایل ۱۹۸۰	اوتایل ۱۹۵۰	اوتایل ۱۹۸۰	اوتایل ۱۹۵۰			
۱۶۴	۲۵۳	۶۹/۱	۸۱/۸	۱۲۷	۲۲۱	۵۸/۱	۷۰/۸
۲۹	۱۰۱	۸۱/۹	۹۰/۱	۲۲	۴۶	۷۲/۳	۷۷
۱۵	۲۲	۵۰/۳	۷۲/۲	۱۳	۳۵	۲۴/۲	۶۱
۱۶	۲۴	۷۰/۸	۸۶/۹	۱۴	۲۰	۶۳/۸	۷۲/۸
۱۳	۱۸	۶۵/۲	۷۷/۱	۱۱	۱۵	۵۸/۶	۶۷/۸
۲۲	۲۴	۹۲/۲	۹۱/۱	۱۸	۲۱	۷۹/۲	۷۹/۴
۱۳	۱۶	۶۱/۳	۷۲/۲	۱۰	۱۲	۵۳/۲	۶۲
۴	۱۱	۷۷	۸۹/۸	۳	۹	۶۷/۱	۷۴/۳

منبع: مجله صلح و سوسیالیسم آوریل ۱۹۸۷

هنوز بخش مهمی از کارگران صنعتی، سازمان نیافته باقی مانده‌اند و سندیکاها برای کارگری در سرتاسر جهان، نیروی خود را بر متشکل کردن هر چه سریع‌تر آنان متمرکز ساخته‌اند. نکته بسیار مهم در رابطه با شکل سندیکالیزه شدن سندیکاها اینست که سندیکاها یک مرحله انتقالی را طی می‌کنند، و خلاصت این مرحله انتقالی را که بصورت جنبشی خود را نشان می‌دهد، در دو محور

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

اعتصاب پرشکوه و پیروز کارگران صنایع الکتریکی البرز

در تاریخ یکشنبه ۱۶ اسفند ماه ۶۶ کارگران صنایع الکتریکی البرز متحد و یکپارچه برای رسیدن به خواسته خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب تا پایان روز دوشنبه ۱۷ اسفند ادامه داشت. کارگران پس از رسیدن به خواسته خود و اذعان کردن مدیریت به عقب نشینی در مقابل اراده یکپارچه خود از روز سه شنبه ۱۸ اسفند به اعتصاب پایان داده و پیروز مند کار خود را شروع کردند.

از مدت‌ها پیش مدیریت این کارخانه به کارگران قول داده بود در پایان سال یک سهمیه مرکب از ۸۰ عدد کلید و پریریز به کارگران بدهد. این کارخانه در سال ۶۶ شروع به تولید انواع دیگری از کلید و پریریز که به البرز معروف می‌باشد، نمود. مفعله این نوع کلید و پریریز نسبت به مفعله‌های قبلی سبک تر و مواد کمتری در آن بکار می‌رود. ضمناً مواد آن بگونه‌ایست که فایده‌های قابل استفاده می‌باشد. یعنی مفعله خراب دوباره بودر شده و مفعله جدید تولید می‌شود. قبلاً مفعله حتی در صورت داشتن یک لک و یا ترک کوچک جزء فایده‌ها محسوب می‌شد و در ورایتخته می‌شد. چون مواد مفعله‌های قدیمی را تاکنون در این کارخانه نتوانسته‌اند دوباره بصورت پودر قابل استفاده در بریا و رند، به همین دلیل با کمبود مواد مفعله کارخانه مواجه شده و کمبود تولید در سال گذشته گردید. مواد مورد نیاز از دیگر کارخانه‌ها موجود بود. این مواد از راه راه وارد می‌شد و بدلیل مسائل سهمیه‌اری، سال گذشته تولیدات این کارخانه نسبت به سال قبل کاهش پیدا کرد. حتی از آنکه کارخانه قطع شود در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران نیز با خرید شدن در سال ۶۶ راه اندازی دستگاه مهم که قبلاً از خارج خریداری شده بود، تولید کارخانه افزایش پیدا کرده و سود کارخانه نسبت به قبل بسیار بالا رفت. بطوریکه مجدداً کارخانه کارگران برقرار گردید و کارگران برای احیای کارخانه اقدام کردند. سود کارخانه سر به دو دلیل افزایش پیدا کرد. اولاً بدلیل اینکه در مواد مفعله با تولید سرز (۱ لیتر) صرفه جویی می‌شود. ثانیاً کارخانه قسمت کلید و پریریز را تقریباً دوباره بر کرده بود. بدلیل افزایش مواد، مدیریت کارخانه با فرم جدید مفعله تلاش نمود تا تولید کارخانه را بالا ببرد. به بخت قابل ملاحظه‌ای برای تشریح آنها به زدن قالب‌های جدید و عده یک سهمیه را داد. همچنین به کارگران وعده یک سهمیه کلید و پریریز را داد، که این سهمیه علاوه بر سهمیه سالانه است که کارگران در مهر ماه قبل دریافت کردند. در بخش مونتاز که از سال ۶۵ بدلیل

سکوت می‌کردند. ولی سعی می‌کردند روحیه کارگران را خراب کنند. بطور مثال می‌گفتند ممکن است مدیریت سر لج بیعتد، بهتر است پشت دستگا هم‌ا نشینیم ولی کارکنیم. کارگران که تجربه مبارزات گذشته را با خود داشتند، میدانستند که اگر پشت دستگا هم‌ا نشینند، ارتباط و تبادل نظر قطع می‌شود و احتمال دارد بدون رسیدن به خواسته‌شان اعتصاب تکسسته شود. به این دلیل از قرار گرفتن در پشت دستگا هم‌ا خودداری کرده و با دورهم جمع شدن و تبادل نظر کردن روحیه می‌گرفتند و هم‌ا اینکه با ازدحام خود مدیریت را بیشتر به وحشت می‌انداختند. انجمنی هادرمقابل اراده یکپارچه کارگران سعی می‌کردند در میان آنها تفرقه بیندازند. بطور نمونه کم‌کاری را پیشنهاد می‌کردند و می‌گفتند مدیریت با کم‌کاری زودتر خواسته‌های ما را قبول می‌کند. ولی سی اطلاکارنگردن اعتصاب به حساب آمده و جرماًست. تا با بان روزی از سرپرستان سعی کردند تا کارگران را قانع کنند که اگر شده چند عدد هم تولید کنند و دستگا هم‌ا بروند. ولی کارگران هم‌ا از کار کردن خودداری می‌کردند. در این میان چیزی انجمن برای کارگران بیشتر مشخص می‌شد. مثلاً رئیس انجمن اسلامی که شخصی بنام زندی است و صنفا مسئول انبار هم می‌باشد، برای تحویل گرفتن تولید و رفتن به محس موت‌ساز مراجع کرده و مسکود من به محس کار رندار و از هیچک هم‌سی نرس و کار خود را منکشم. پس شروع به بردن کارهای دبروز می‌کنند. چند نفر از کارگران زن جلوی او را گرفته و می‌گویند، شما یک کار را به انبار برید. تا ما کلید و پریریز نگیریم کار نمی‌کنیم و هم‌ا کار را از اینجا بیرون برده شود. رئیس انجمن می‌گوید: من وظیفه‌ام است و مسئولیت دارم و نمی‌توانم شما بگویم. یکی از کارگران زن می‌گوید اگر تو نمی‌توانی جواب بدهی، من بجای تو جواب می‌دهم. کارگران زن جلوی رئیس انجمن ایستاد و از بردن بارها جلوگیری می‌کنند. حتی چند نفر از کارگران نیز با الت با رها می‌نشینند تا کسی نتواند آنها را تکان بدهد.

چند کارگر شیرزن به محوطه حیاط رفته و حتی کارهایی را که قبلاً انجام داده بودند بر سر آوردند. این بوده‌ها انبار تحویل دهند، بر می‌گردانند. این اقدام کارگران زن، تحسین کارگران مرد را برمی‌انگیزاند. حتی عده‌ای از کارگران زن می‌گویند برای اینکه کاری از اینجا برده نشود، بعد از ظهر شب هم می‌مانیم و کشتک می‌دهیم تا نتوانند کارهایی را که ما تولید کرده‌ایم ببرند. کارگران آنقدر در اقدام خود مصمم بودند که رئیس انجمن در مقابل این اقدامات عقب نشینی کرده و بارها سعی را که تا نیمه راه برده شود، بر می‌کردند.

کارگران مرد و زن با اعتراض یکپارچه خود مدیریت و انجمن اسلامی را آنچنان به وحشت

اعتراض کارگران به نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی مبالغ کم‌کاری شروع شده بود و همچنان بصورت ندادن حدنصاب لازم (که کارخانه می‌دهد) ادامه داشت. سرپرست بخش با دادن وعده سهمیه مسی مینمود اما از کارگران بگیرد و مرتب به کارگران وعده میداد که در صورت بالاسردن تولید حق اضافه تولید و کلید و پریریز به آنها داده خواهد شد. کارگران امید زیادی به سهمیه‌شان بسته بودند و بقول خودشان تصمیم داشتند، با پول آن چاله‌های زیادی را بکنند. لازم به تذکر است قیمت دولتی کلید و پریریز جدید در حدود ۲۵۰۰ تومان و قیمت آزاد آن در حدود ۱۴۰۰۰ تومان پیت بین می‌شده است. مدت‌ها بود که کارگران از مدیریت می‌خواستند تا تاریخ دادن کلید و پریریز را مشخص نماید. ولی مدیریت هم‌ا را زنگشتن تاریخ دقیق آن خودداری کرده و فقط کارگران را به گرفتن کلید و پریریز ایدوار می‌کرد. تا اینکه در روز شنبه ۱۵ اسفند در پایان وقت مدیریت گفت کلید و پریریز را نخواهیم داد. وی گفت که بدلیل مشکل دادگاه که برای مدیریت بخاطر دزدی یک نفر پیش آمده، مدیریت نمیتواند کلید و پریریز بدهد. اطلاع مدیریت سهمیه‌ای بدهکار نیست که مجبور باشد تحتاً آنرا بدهد. کارگران از این تصمیم خود سراسر به مدیریت به خشم آمده و از روزیکشنبه ۱۶ اسفند تصمیم گرفتند تا زمانیکه مدیریت سهمیه ندهد کارکنند. از صبح یکشنبه اعتصاب شروع شد. هم‌ا کارگران یکپارچه دست از کار کشیدند. دستگا هم‌ا روشن نشد. در محس‌های مختلف بجای سروصدا دستگا هم‌ا صدای محس کارگران بگوش می‌رسد.

کارگران مشغول تبادل نظر و صورت بودند. آنها در دستنه‌های چندتری دورهم جمع شدند و راجع به سهمیه صحبت می‌کردند. در صبح یکشنبه صدای هیچ دستگا هی بگوش نمی‌رسید. نخمس قالبسازی - پرسخانه - مونتاز - تکمیل قطعات - انژکتور و آبکاری - تعمیرات و کنترل کیفیت همه بی‌کار بودند. این اقدام کارگران آنقدر متحد و یکپارچه بود که حتی انجمنی‌ها نیز جرات کار کردن نداشتند. صبح بعضی از عوامل انجمن سعی کردند تا کارگران را از اعتصاب بازدارند. مثلاً بعضی از آنها می‌گفتند مدیریت مقصراست. وعده داده و عمل نکرده ولی در این شرایط کار کردن درست نیست. بعضی دیگر می‌خواستند با فریبکاری چهره اصلی خود را بپوشانند. مثلاً مرتب به مدیریت بدو بیراه می‌گفتند و ظاهراً در مورد اقدام کارگران

است، خودتان با شین پروید و جواب کارگران را دهید. تا کارگران سهمشان را نگیرند تا کارگران را نخواستند کرد."

با لایحه سعادت زحدود ۳۴ امتحان مازندران بین نمایندگان کارگران و مدیران، مدیریت کارخانه در مقابل اتحادیه کارگری کارگران و غیره مطرح آنجا در جهت دستیابی به حقوقشان، وادار به عقب نشینی شده و می پذیرد که بعد از عبور سهمیه کلسد و سرباز علاوه بر سهمیه سال ۶۷ برود است نمود. کارگران در پاسخ میگویند که آنجا قبلاً از عدداً منکسر مالی روبرو بوده و مسجولان هستند و عددهای مالی به خانه نروند. مدیریت می پذیرد که نسل از عددهای کارگران و امید دهد، که به اقساط ۱۰ ماهه ادا حقوق کارگران گس شود.

با لایحه سعادت زحدود ۳۴ امتحان و آنچشم در شرایط مساجد آنجا کارگران سازمان داده و با طم خود مدیریت را وادار به عقب نشینی کردند و تا کزیر مساجد تا علاوه بر سهمیه کلسد و سرباز، و امید به کارگران پرداخت نماید. مبلغ و ام نسیب ۵ تا ۱۰ هزار تومان تعیین می شود. کارگران صبح روز سه شنبه بیرون می روند و لیست مدیران را نشان می دهند.

کارخانه ریخته گری ارفو

در کارخانه ریخته گری ارفو واقع در حاد ه ساوه پس از اجرای طرح طغنه بندی متاعل پس از ۳۰ ماه هموزمانه انقراض حقوق کارگران پرداخت شده است. سه ماه پیش کارخانه به صاحبان فنی این برکردار شده است. کارگران کارخانه از طریق مساجد نشان در چندین مورد برای دریافت طلب خود اقدام کرده اند، اما هنوز نتیجه مطلوبی نگرفته اند چرا که صاحبان کارخانه میگوید "تولید ما ۱۰۰٪ صرفاً برای پول علی الحباب" به معنی کارگران پرداخت شده، که اسکا برعدا با دفره مس کارگران صورت گرفته است. در همین رابطه نمای کارگران، ارحله کارگری که بول گرفته بودند به اعتراض سرسود میگویند: "حالا که بول مدهند طوری بدهند که همه سرند". وادار طلبها را به کار ممالی اربولان می شوند تا کارگران دیگر هم جولی بول کنند.

پایندگان دپو

واقع در حاد ه قدم کرج و واسه به کارخانجات نظامی است که کارش تعمیرات نوب و تانک می باشد. در تاریخ ۱۶/۱۲/۶۶ یکی از سران آن که مخالف رژیم اسلامی و مخالف جنگ بوده است جها رن از سران و واسه به رژیم را که به اذیت و آزار دیگر سران می برد اذیتها حمله هوایی و اعلام وضعیت قرمز آنها را بگوله بسته که در نتیجه آن بکنفرانته و سه نفر زخمی می شود که یکی از زخمی ها حالش وخیم است. پس از عملیات سربازان موفق به فرار میگردند.

توطئه دیگری را طرح ریزی کردند و مثلاً خواستند تا قاطعت نشان بدهند. از اینرو انجمنی هسا برای شکست اعتبار شروع به کار کردند نمودند. البته تعدادی از انجمنی ها از ترس کارگران به کار مشغول نشدند. در بخش قالساز یکی از انجمنی ها شروع به پرخاش کرده و میگوید این جدوایی است اگر کسی هم میخواهد کارکنند نمیگذارند. در پرخاش عده ای از انجمنی هسا دستگا هیا نشان را روشن کردند، امید است که کارگران دیگر اعتبار را شکسته و مشغول بکار شود. یکی از کارگران نیز به بخش قالساز رفت و با یک نفر انجمنی درگیری نمود. انجمنی مزبور میگوید "کاری نکن که بفرستمت جاشی که دیگر هیچکس نتواند نجات دهد". کارگران میگویند "تو کی هستی که جرأت میکنی با من ایستاد صحبت کنی". بقیه کارگران قالساز با افراد انجمنی درگیر شده حتی یکی از کارگران برای زدن او بطرفش هجوم میبرد.

در بخش مونتاز بعضی از انجمنی ها کار نگرد و بعضی دیگر مشغول بکار شده بودند. اما اینکارخانه نتوانست بقیه کارگران را به کار وادار نماید. بعد از پایان اعتبار کارگران میگویند: روسیاهی ما مدیران کسانیکه کار کردند. با لایحه روحیه مصمم و ادا کارگران برای ادا اعتبار با امت مشود که این عده نیز دست از کار بکشند.

در این زمان سران انجمن با آمدن مدیر عامل پیش از رفتن آنها لکه نتوانستند هر چه رود تیر مساله را حل کنند. حتی یکی از انجمنی هسا میگوید که "دوروز کار کردن و تعطیل کسانند کارخانه در این شرایط از اینا موسکی که صدا میدن تیران زده هم بدتر بود. با دعوا مل و محرکبلی سنا مائی شده و مقرری به معزات برسد. پس احس و مدیریت سرسوخه حل موضوع اختلاف ما نند. سران انجمن و شما سرسختیا و مدیریت برای حل مسئله تکمیل جلسه مدهند و از کارگران مسجولان هستند که نما سنگان نشان را بفرستند. کارگران استادی می گویند، ما در سرسختیا جمع می شویم مدیریت مل برای پاسخگویی به خواسته های ما آنجا حاضر شود، ما نما بیده ای نداریم. مدیریت میگوید، خوب هر کسی را دلتان مسجولان بفرستید و فقط خواسته ها نشان را بگویند. ۴ نفر کارگر مرد و دو نفر زن کارگر برای طرح خواسته ها و نظر کارگران نزد مدیر میروند. در این جلسه بعضی از سرسختان حالت انحصار آمیز داشته و مثلاً یکی از آنها میگوید که دیگر کارگران به اعتبار د نمی کنند. سرپرست قالب سازی با حالتی اعتراضی به مدیریت میگوید "شما به ما وعده دادید ما همه کارگران قبول داده ایم". سرپرست مونتاز میگوید که "دیگر حنا می ما پیش کارگران رنگی ندارد، و کارگران دیگر حرف ما را با ورن نمیکنند". انجمنی ها در این جلسه جز اینکه بگویند "باید" عوامل این اعتبار شنا مائی شوند و چرا با بیدر این موقعیت در کارخانه اعتبار شود "حرف دیگری نمی زنند. آنجا هم چنین موافق نبودند که نمایندگان کارگران در جلسه حضور داشته باشند، ولی نمایندگان کارگران با قاطعت میگویند "ما با بدبختی کارگران جواب آری سیریم، اگر جواب شما نسه

می اندازند که آتیا سعی میکنند با دادن امتیاز کمتری اعتبار را بکنند. مثلاً آنجا بپنهاد حدود ۵۰۰۰ تومان و امرا به کارگران میدهند که قبل از عید در بابت کرده و بعد از عید به اقساط از حقوقشان کسر شود. ابتدا حنده نفر متزلزل میشوند، ولی اکثریت کارگران با این پیشنهاد مخالفت کرده و میگویند ما فقط همان خواسته خود و کلید و سرباز را مسجولان هستیم. مجدداً پیشنهاد میشود که کارگران کار را شروع کرده و حنده سرباز مسجولان را به مسجولان نشان سرباز مدیریت بفرستند. کارگران از این مسجولان کرده و مسجولان را با مسجولان است و حواله کنی کلسد و سرباز را ندهند کارخواستار هم کردند. در بخش مونتاز کارگران رن سکود ما کسون خلی سیتی مدیریت رفتند، اما لایحه آنها است با این آمده و به حرفهای ما جواب بدهند.

در بخش قالساز، کارگران میگویند، مدیریت با بدبه همه کلید و سرباز بدهد. ما فقط حواله کلید و سرباز را میخواهیم. مدیریت بطور ضمنی به آنها پیشنهاد میکند مملتی در حاد ه ۲۰۰۰ تومان بعنوان سربازی زدن قالبهای جدید توسط آنها بگیرند. اما کارگران قالب سازی پاسخ میدهند که سهمیه کلید و سرباز با بدبه همه کارگران داده شود. به این ترتیب پیشنهاد مدیریت را قبول نمیکنند.

با لایحه در پایان روز یکشنبه که اتمام انجمن اسلامی و مدیریت عقیم می ماند، مدیریت تولید به بخش مونتاز آمده تا با کارگران صحبت کنند. کارگران میگویند: "شما به ما وعده دادید بودید به ما کلید و سرباز بدهید، ما کار کردیم به امید سهمیه که جوابگوی بخشی از مشکلات ما باشد. سرپرست ما مرتباً ما می گفتند تولید را با لایحه ما کلید و سرباز بدهند. حالا که در نتیجه کار ما مدتها طول کارخانه آقای ما دق مدال و کاپ بعضی سوان تولیدات درجه ۱ گرفته، شما زیر قول خودتان میزیند. مدیریت مل بدلیل کار کردن مسجولان تولید ما بود که مدال گرفته، حالا که برای خود عنوانی بدست آورده شما میگویند سهمیه نمیدهیم. اگر ما کار نمی کردیم آیا ایشان با زهم میتوانستند مدال بگیرند. حالا که شما به وعده خود وفا نکرده اند ما هم نمیتوانیم کار کنیم. شما کارگران را چه فرض کرده اید که فکر میکنند میتوانند سرشان کلاه بگذارند".

مدیر تولید سعی می کرد با بیان نه آوردن اینکه مشکل خاصی برای مدیریت پیش آمده که نمیتوانند سهمیه بدهد، در میان کارگران تفرقه ایجاد کرده و اعتبارشان را در هم بکنند. و کارهایی تهدید می نمود که کلید و سرباز را هدا دو کارگران هر کار که میخواهند بکنند.

صبح روز دوشنبه شایع شده بود که ما دق می بماند اما دست که اگر کارگران ۳ ماه هم کار نکنند، برای هم می نیست ولی از کلسد و سرباز خبری نخواهد بود و اینکه ما کار کردن نمیتوانند کلید و سرباز بگیرند. ولی روز دوشنبه ۱۷ سفند نیز کارگران همچنان از کار کردن امتناع کردند. با لایحه مدیریت و انجمن کار در نشاندن فریبکاری جلوی کارگران را بگیرند. از این پس آنها

کارخانه ساپیا

در رابطه با عدم پرداخت عیدی کارگران، مدیریت کارخانه طی یک سخنرانی برای کارگران اعلام نمود که علی الحساب دوهزار تومان به هر کدام از کارگران بعنوان عیدی پرداخت میشود. کارگران از این موضوع بسیار ناراحت می شوند. در اوایل اسفندماه که مدیریت کارخانه به همراه چند میهمان خارجی برای بازدید به سالنهای کارخانه آمده بود، کارگران دسته جمعی آنها را هومیکنند مدیریت از این اقدام کارگران شدت ناراحت میشود ولی تاکنون عکس العملی انجام نداده است.

خبری از کارخانه مجتمع شهید کلاهدوز

در این مجتمع آلودگی محیط کار و سروصدای شدت بالاست و این امر باعث ناراحتی کارگران شده و مدیریت نیز هیچ اقدامی برای حل مشکل نکرده اند. بیشتر کارگران منتظر هستند تا عید فرا رسیده و تسویه حساب کرده و بروند. در همین هفته مسئول پرسنلی در اطاق ساعت زنی کسارت افراد مسن و بعضی از جوانان را از دستشان گرفته و به آنها گفته بروید شنبه بیا شید دفتر. کارگران نیکه کارشان گرفته شده بود شدت ناراحت بودند. کارگران دیگری میگفتند حتماً میخواهند آنها را اخراج کنند، بیا نماها حداقل صبر میکردند تا عید، بعد هر کاری میخواهند میکنند، می کردند.

پیروزی کارگران در حمایت از همکاران اخراج شده

میگوید که حال مدیریت دلیل قانع کننده ای دارد و میتواندم طرح کننده در شرایط جنگی اینکار می باشد صورت می گرفت آن روز کارگران به سر کار میروند.

شورایسپس نامه ای به اداره کار نوشته و قضیه را شرح میدهد و همچنین اضافه میکند که هر چه سریعتر اقدام کنند چون ممکن است مسئله ای که در کفش ملی بوجود آمده در اینجا نیز تکرار شود. اداره کار نیز نماینده ای روانه میکند و در جلسه ای که بین مدیریت و شورای اسلامی و نماینده اداره کار برگزار می شود، مدیریت با فشار میگذارد که کارگران با سستی اخراج شوند که با مخالفت اعضاء شورا مواجه میشود. سرانجام با بازگشت ۱۱ نفر از کارگران به سرکار موافقت میشود ولی به یکی از کارگران اجازه داده نمیشود که به سرکار بازگردد. اما آن ۱۱ کارگر میگویند تا این همکاران سرکار نیاورند ما نیز سرکار نمیرویم، که شورا میگوید شما سرکار بروید اما آن کارگران نیز سعادت طی مراحل قانونی سرکار با میگردانیم. بعد از مدتی این کارگران سرکار بازگردد.

مرکت تولیدی رز (گروه صنعتی رنا)

روز چهارشنبه ۱۸ آذرماه وقت پایان کار، مدیریت به تعدادی از کارگران این کارخانه (۱۲ نفر) ابلاغ میکند که با سستی روز پنجشنبه برای اضافه کاری حاضر شوند. این در حالی بود که عده ای از کارگران کارت خودشان را زده و از کارخانه بیرون رفته بودند. این اضافه کاری بخاطر سفر رشی بود که سپاه داده بود. روز پنجشنبه ۱۹ آذر هیچکدام از این کارگران سرکار نمی آیند. روز شنبه ۲۱ آذرماه وقتی آنها سرکار می آیند می بینند مدیریت کارتشان را برده است. بقیه کارگران از این مسئله اطلاع پیدا میکنند و سرکار نمی روند. آنها میگویند این کارگران نیز باید به سرکار بیایند و حتی تصمیم میگیرند که بروند و مدیریت را بزنند. که شورا مانع شده و مدعی میشوند که کارگران از شورا اجازه میخواهند تا بروند و مدیریت را بزنند. ولی شورا میگوید ما اجازه نمیدهیم، این کارشان قانونی نیست و اینکه مدیریت دنبال بها نمیکرد و حالا بها را بدست آورده و میخواهد کار خود را بکند. همچنین شورا

گروه صنعتی ملی؛ انتخابات هیئت مدیره تعاونی مصرف

تمام این فشارها اکثریت کارگران انتخابات را تحریم کردند و آنها می گویند که شرکت کردند اکثر آنرا در حضور انجمنی ها، شورا و مدیریت بدون اینکه چیزی بنویسند رأی سفید میدادند. دادن رأی سفید آنقدر زیاده بود که ناظرین را وادار به دخالت میکرد. در یکی از قسمتهای رأی گیری تعدادی از کارگران رأی سفید را با ره کرده و در صندوق نریختند، که انجمن اسلامی دخالت کرده و کارگران در مقابل طرح کردند که ماکسی را نمی شناسیم که رأی دهیم، انجمنی میگفت اگر کسی را نمیشناسید پس رأی سفید در صندوق بیاندازید، و کارگران می گفتند: آنوقت شما اسم هر کس را که بخوا هیئت در آن می نویسید!

دندانال تصعبه کارکنان، کارگران دسته دسته به مدیریت، انجمن و شورا مراجعه می کردند و علت آنرا خوبا میشدند حتی در مسواری متعددی درگیری های پراکنده ای نیز بوجود آمد، زیرا کارگران میدانستند که شرط تا شیدا از جانب ارگانهای غذاکاری، پشت کردن به منافعی کارگران است.

در کارخانه کفش فارس و کفش آزاد هنگامیکه مسئول رأی گیری وارد شدند کارگران آنها را هوم کردند. انجمن اسلامی و شورای اسلامی آنها هانگی همدیگر توانستند به فراسنوا انجمنی کارکنانهای مشترک در سطح گروه صنعتی ملی انتخاب کنند. کارگران میگفتند که اگر در گذشته طرفداران مدیریت در تعاونی خوردند و سردند، حالا نوست حزب اللهی هاست که چیزی باقی نخواهد گذاشت تا بکارگران برسد.

عمومی گروه صنعتی طی اطلاعیه ای کارکنانهای تعصبه تده را کنار گذاشت و اساساً ۳۵ نفر را که اکثر آنرا انجمن اسلامی یا اعضاء شورای اسلامی بودند، معرفی کردند. بدین ترتیب معلوم شد که هدف اصلی منحل کردن مرحله اول انتخابات چه بوده است. وزارت کار، انجمن اسلامی و شورای اسلامی با اسن توطئه افرادی را که با اسن نهادهای غذاکاری رابطه ای ندارند تعصبه کردند. در اطلاعیه مذکور آمده بود که دلیل وضعیت ویژه گروه صنعتی نمی توانند همکاران را در یک محل جمع کنند، بنا بر این در هیئت مدیره شرکتیای گروه صنعتی بصورت جداگانه دو همزمان اسباب انجام خواهد شد. ضمناً در اطلاعیه تیدتده بود که از هر شرکت تعدادی جهت نظارت به محل مرکزی شما رش آراء مرستاده شود و این افراد معاونان انجمن اسلامی و یا شورای اسلامی باشند. نکته دیگر اینکه گزارش هیئت مدیره قبلی بصورت کتبی اعلام خواهد کرد و با لافزه تمام مدسسه ها در خدمت سازماندهی انتخابات فرمایشی، فرستادن جاسوسهای اسلامی برای هیئت مدیره و جلوگیری از تشکیلات مجمع عمومی بوده است. در جریان برگزاری انتخابات در کارخانه های مختلف گروه صنعتی از مجمع کارگران جلوگیری کرده و آنها را در دسته های ۱۵ تا ۳۰ نفره به رستوران و یا به کارگزاری برده و کارت آنها را سوراخ کرده و سپس برگ رأی میدادند و فضای رأی گیری کسابلایا خفقان توأم بود. انجمنی ها، شورای اسلامی و مدیریت با لای سر رأی دهندگان ایستاده بودند، اما با

روز ۱۸/۱۲/۶۶ انتخابات تعاونی های مصرف گروه صنعتی ملی جهت تعیین هیئت مدیره مرکزی برگزار گردید. تحت فشار، زور و فریب دست اندکاران فقط توانستند ۱۳ هزار کارگر کمتر از ۶ هزار نفر را وادار به شرکت در انتخابات کنند و اکثریت کارگران انتخابات نمایشی را تحریم کردند. نتیجه انتخابات خودییا نگر بی اعتمادی کارگران شرکت کننده به کارکنان بود که معرفی شده بودند، نفر اول کمتر از ۱۵۰ رأی و نفر آخر هیئت مدیره ۷۵ رأی آورد. البته به ماه قبل، که مجمع عمومی نوبت اول تعاونی برگزار گردید، کمتر از ۵۰ نفر شرکت کردند و در ۱۵ روز بعد یعنی در مجمع عمومی دوم در بعضی از کارخانه های وابسته به گروه صنعتی ملی تعدادی از افراد مورد اعتماد کارگران کارکنان دیده شده و کارگران به این جهت کوشش زیادی کردند تا در ساعت پایان کار حضور داشته باشند زیرا انجام انتخابات را عمدتاً با این ساعت موکول کرده بودند تا کارگران نتوانند در مجمع عمومی شرکت کنند. اما با اینکه انتخابات با همکاری وزارت کار، انجمن ها و شوراهای اسلامی منحل اعلام گردید. علت این بود که افراد شرکت کننده مورد قبول انجمن و شورا نبودند. در همانوقت هم اعلام نمودند که کارکنانها برای نوبت بعدی خودشان را معرفی کنند و کارگران نیکه در دوران کارکنان دیده شده بودند، با زحمات در انتخابات خود را کارکنان دیده نمودند که اینبار تعداد کارکنانها به ۷۰ نفر رسید. تا اینکه پس از سه ماه، در تاریخ ۶۶/۱۲/۳ وزارت کار و روروا بسط

گزارش از گروه صنعتی بهشهر

کلاسهای سرپرستی

انتخابات شورای اسلامی کار

تشکیل کلاسهای سرپرستی بصورت فشرده و بعدت سه هفته و روزی ۶ ساعت انجام گرفت که از جمله اقدامات ضدکارگری رژیم اسلامی وزارت کار علیه کارگران است. در این کلاسها معلمی از طرف وزارت کار برای آموزش سرپرستها معرفی شده طی این مدت جزوای آموزشی در اختیار آنها قرار داد. محورهای جزوات از اینقرار بود: آشنايي با روحیات کارگران، آشنائی کامل با خواستهای آنان، چگونگی ایجاد دوستی و نزدیکی بیشتر با آنان، استفاده بیشتر از آنان جهت تولید بیشتر، شکوفائی و رشد آنان جهت ابتکار جدید تولیدی، مراقبت و تشویق کارگران جهت نگهداری از دستگاهها و لوازم برقی، درپایان این جلسات امتحانی نیز از موارد آموزش داده انجام میگرفت و کسانیکه نمرات خوب آورده بودند از یک روز تا سه روز به آنها مرخصی داده و کارگری تشویقی از طرف اداره کار آنها داده شد.

از کل کارکنان کارخانه ۲۷ نفر از واحدهای مختلف کارگری و کارمندی که در آنجا هستند، هیئت نظارتی که از کارکنان جدیدی از انجمن اسلامی وسیع کارخانه و ۲۷ نفر از طرف اداره کار وزارت صنایع سنگین تشکیل شده و با سه سرتاسر بگوئیم کارگران تشکیل شد، آنها فقط با ۱۳ نفر از کارکنان جدیداً موافقت کردند و این کار را با زور و جوشی ها و تفتیش عقاید مغل انجام گرفت که عمدتاً کسانیکه قبول شدند و وفاداری خودشان را در ضدیت به منافع کارگران و جاسوسی بر ضد کارگران اثبات کرده بودند. در انتخابات فرمایشی و تحمیلی ۱۳ نفر بعنوان اعضای ثابت انتخاب شدند که از اعضاء شورای اسلامی سابق وسیع کارخانه بودند. این است انتخابات بسبب رژیم اسلامی که منفورترین عناصر را بعنوان نمایندگان کارگران جا میزنند.

عجله کارفرما در رسمی کردن کارگران موقت!

بعد از استخدام اولین گروه از کارگران موقت در اسفند ۶۶، از طرف مدیریت عنوان شده بود که بر حسب تاریخ اشتغال بکار، کارگران را استخدام رسمی می کنیم که شامل ۲۰ نفر از کارگران موقت (قبل از سال ۶۲ شروع بکار کرده بودند) شد. حقوق ثابت این گروه بر مبنای طرح طبقه بندی مشاغل تنظیم شد. بدنبال رسمی شدن این گروه بعد از سه سال (که البته خوبست از کارفرما سئوال شود چرا این همه عجله؟!)، سایر کارگران جهت رسمی شدن چه بصورت گروهی و یا انفرادی به مدیریت مراجعه نموده و خواهان برآورده شدن خواسته شان شدند. مراجعات مکرر به مدیریت و شورای اسلامی همواره با جروبحث همراه بود. در نتیجه، مدیریت مجبور شد در تیرماه ۶۶ گروه دوم در اسفندماه ۶۶ گروه سوم را رسمی کند، ولی در حال حاضر هنوز کارگران استخدامی سال ۶۴ رسمی نشده اند و بصورت موقت مشغول بکار هستند و نیز اعتراض با این وضعیت ادامه دارد.

کارگران علیه جنگ

کمک می خواهم به ما صریحاً جواب رد میدهند. ما اینهمه عده ای دیگر از انجمنی ها با پرورش می تمام می خواهند اینکار را ادامه دهند. در نیمه دوم سال ۶۶ مدیریت و شورای اسلامی هیئتیی در کارخانه تشکیل دادند تحت عنوان "ستاد پشتیبانی جبهه جنگ" و از کارگران خواستند تا پایان سال ۶۶ یک پنجاه تن تعطیلی در سراسر را بعنوان کمک به جبهه ها سرکارها بکنند. این طرح از جانب کارگران مورد اعتراض قرار گرفت و هیئت وقتیکه روحیه اعتراضی کارگران را مشاهده کرد برای اینکه حرکتی بزرگ تبدیل نشود طرح

جنگ ارتجاعی همواره بردوش کارگران سنگینی کرده و بدنبال اعزامهای اجباری قربانیان زیادی را از طبقه کارگر گرفته است. جنگ هر روز در وهله اول جان کارگران و در وهله دوم نان سفره کارگران را مورد تهاجم قرار میدهد. مخالفت و اعتراض کارگران به برداشت اجباری از حقوقشان برای کمک به جبهه ها با شکل مختلف بوده است بطوریکه بین انجمنی ها اختلاف بوجود آمده. عده ای میگویند: "وقتی از کارگران

خود را پس گرفت ولی چندی بعد بصورت غیر رسمی در مورد برداشت ۳ روز حقوق کارگران در سه ماه آخر سال از مزه میگرد که فضا را برای طرح آن مناسب نمی دید. سرانجام پس از نامید شدن از کمک کارگران به جبهه ها اعلام کردند که مدیریت موافقت کرده است سه روز از مرخصی سالانه کارگران را خریداری و پول آنرا بحساب جبهه ها واریز نماید. لازم به یادآوری است که اعزام به جبهه ها تاکنون در حد بسیج و بصورت داوطلبانه انجام گرفته است.

کارخانه پروفیل نیمه سبک

در بهمن ماه یک آگهی توسط عامل رژیم ضدکارگری بدیوار زده میشود که از کارگران می خواهند به جبهه ها بگروند از حقوق خود را کم کنند و متعاقب آن فرمی در اختیار قسمت های مختلف قرار میگیرد که در آن رفتن به جبهه، کسرتخصیصی در کارخانجات سپاه یا پرداخت کمک مالی به جبهه ها در مقابل کارگران گذاشته میشود. کارگران در مقابل تمام درخواستها که کمک به جبهه ها بود خط تیره میکشند. عامل رژیم برای مرعوب ساختن کارگران نمیگوییندیستی مدرکی بدهید که ما حاضر به پرداخت کمک نیستیم. کارگران متنی تهیه می کنند که بعلمت وضعیت نامناسب مالی کارخانه پرداخت کمک نیستند و با امضاء بیش از ۷۰۰ کارگر برای مدیریت فرستاده میشود. مدیریت که با تحریک کمک به جبهه توسط کارگران روبرو میشود زدن آگهی را از طرف خود تکذیب می کند و بدنبال آن شورا و انجمن اسلامی هم با مشاهده مقاومت کارگران خود را کنار می کشند. اما با این وجود هنگام دریافت حقوق، کارگران متوجه میشوند که یکنوا از حقوقشان را کم کرده اند. اکثریست کارگران کارخانه نسبت به این اقدام اعتراض کرده و پولشان را پس میگیرند.

کارخانه ایران یا سا

بیا وریم ولی دستمزدتان مثل گذشته خواهد بود. کارگران در مقابل اعتراض کرده و اظهار داشتند که "شما بخیال خودتان خیلی زرنگ هستید و کارگری چیزی سرش نمیشود و هر برنانه ای برای می چسبید تا حق او را پامال کنید و سود بیشتری بجای خودتان بریزید. شما چه خیال کردید، ما فریب این حیل شما را می خوریم و قبول می کنیم که شما گروه ما را کم کنید؟! این کارخانه قانون ندارد، فردا یک نفر دیگر مدیریت می خواهد براساس گروه شما دستمزد بدهد، یکی از کارگران گفت من ۲۵ سال است کارگری کرده ام، موها پم را در آسیاب سفید نکرده ام، شما دست پیش را گرفتید که پس نیفتید، بجای اینکه ما را به قسمتی آوردید که هوا بپوش آلوده و شرایط کار سخت تر است، دستمزد ما را اضافه کنید، تا زه نشه میکشید که چه جور از حقوقمان بزنید. شما می خواهید با این برنانه ما را در خواست اضافه دستمزد نکنیم؟ ما بمیل خود با این بخش نیا مدیم اگرنا را حست هستبد ما سرکار قبلی ما من برویم. مدیریت وقتیکه با مقاومت کارگران روبرو میگردد مجبور میشود که عقب نشینی کند.

انجمن اسلامی کارخانه ارتا ریسه ۶۶/۱۲/۱۵ بعدت سه روز بطور مرتب بوسیله بلندگو اعلام می کرد که کارگران برای اعزام به جبهه در تاریخ ۶۶/۱۲/۱۸ ثبت نام کنند و آخرین مهلت هم تا پایان وقت اداری روز ۶۶/۱۲/۱۷ می باشد. با بخش این اطلاعیه کارگران ابداً رژیم را به مسخره گرفته و میگفتند "در این روزها که تهران مورد حمله موشکی قرار گرفته و جنگ داغ شده است می خواهند از این فرصت استفاده کنند و کارگران را به گشتا رگه بفرستند." کارگران بطور یکپارچه اعزام به جبهه ها را تحریم کردند و برخلاف گذشته حتی ابداً انجمن اسلامی هم حاضر نشدند ثبت نام کنند.

اخیراً در این کارخانه عده ای از کارگران بخش دستکش را به بخش تیوب منتقل کرده اند. بخش تیوب هوای بسیار آلوده ای دارد که از نظر بهداشتی برای سلامتی کارگران مضر است. مدیریت کارخانه کارگران را خواسته و میگوید که گروه شما ۸ و ۹ میباید در حالیکه کارگران این قسمت گروه ۶ هستند می خواهم گروه شما را با این

پیروزی مبارزات مردم زحمتکش قلعه حسن خان

نا استکه در مرداد ماه ۱۶۴۱ و قاف همراه با کمته، شهرداری، شهرستانی، زاندا رمی و دیگر مزدوران شبانه به محله قطاقی حمله کردند و بیس از ۸۰۰ را و بیسرا ن نمودند که اس ا قدام مزدوران رژیم باعث زوروش قهرمانان هالی قطاقی گردید و مردم قلعه حسن خان هم ز آنها حمایت کردند. بعد از زوروش مردم خواهان رسیدگی به این مسئله شدند و مسئولین شهرک و به ویژه به شورای محلات فشار آوردند تا وضعیت زمینها روشن شود. در سال ۶۴ بعد از زوروش مردم شهرک قلعه حسن خان شکایتی به دادگستری تهران داده شد و از آن طریق خواهان رسیدگی به وضعیت زمینها گردیدند. این شکایت نا تاریخ ۶۶/۱۱/۱۷ در حرسا ن رسیدگی قرار داشت. که در این تاریخ دادگاه نتسخه بررسی خود را اعلام نمود و کتت زمینهای شهرک قلعه حسن خان مال مردم آن شهرک می باشد و جز زمینهای شهری حساب می آید. و تنها زمینهای اطراف بهشت فاطمه که از مسرکا ربه اوقاف رسیده متعلق به اوقاف می باشد. مردم از اینکه ما رزه خود مسئولین را و ادا ربه عقب نشینی کرده و توانستند جلوی چپاول مزدوران را بگیرند و حوصال بودند. شایع است که این شهرک جزو شهرکهای تهران محسوب شده و دفترچه خواب و روزنامه را به آن داده خواهد شد. و قرار است تا چند ماه دیگر بهراری تهران در این شهرک استقرار یابد. با این ترتیب نعا بنده گسی فرمانداری کرج نیز از شهرک قلعه حسن خان بر حیده خواهد شد.

زمینهای قلعه حسن خان در دهه ۵۰ شکل زمینهای زراعی بوده که در دست زمیندارانی سنا میهای مسرکار - حسن خان - گرانما نه و... بود. این زمینداران زمینها را به پولداران دیگر میهای ابرج خان - لطفی - فریدون خان - تیموری... فروختند. آنها نیز زمینها را تفکیک کرده و بیه مردم به قیمتهای مختلف از متری ۱۳۰۰ الی ۱۰۰۰ تومان فروختند. البته مسرکا ربه قدری از زمین خود در گوشه ای از قلعه حسن خان معروف به بهشت فاطمه را به اوقاف وقف نمود و بقیه را به پولدارها فروخت. مردم را ننده شده از روستا برای سکونت در خانه های شهرها با فروش وسایل زندگی به خرید زمین برای ساختن خانه های اطاقی اقدام نمودند. اغلب خانه ها در مساحت ۱۳۰ الی ۷۰ متر مربع می باشد. در سال ۶۴ تعدادی از زمینداران سنا میهای ابرج خان - فریدون خان و لطفی برای سرکس کردن مردم و گرفتن پول زوروش مردمی که زمین خریده بودند با اوقاف دست به یکی کرده و گفتند تا زمینهای قلعه حسن خان مسال اوقاف است. اوقاف هم اعلام نمود تمام زمینهای که مردم در آن سکونت کرده اند غصبی است و نماز خواندن در آن خانه ها حرام است و می باید برای شرعی کردن زمین به اوقاف آمده تا قرارداد بی بین صاحب ساختمان و صاحب زمین یعنی اوقاف بسته شود. و هر ساله می باید اجاره زمین میلیونی بول پرداخت شود. لازم به یاد آوری است که ابرج خان و فریدون خان از گردانندگان اوقاف قلعه حسن خان می باشند. مردم بی توجه به دستور اوقاف حاضر به پرداخت باج سبیل نشدند.

جنایت پاداران در روستای "زمینکان"

در اواخر اسفند ماه سپاه پاداران جنایتکار رژیم، با سفید گراش حوسان خود فروش، مسی سرخو ریکی از عشار "شورشی" در روستای "زمینکان" انواع کنارک، به این روستا هجوم می برد و کما ملما صره اش می کند. بلوچ مزبور که وسیله ای برای مقاومت نداشت، اقدام به فرار می کند، اما وحشیانه به رگبار گلوله بسته می شود و در دم جان می سپارد. لازم به تذکر است که زمینکان روستا ثبت گه ا هالی آن اکثرأ مخالف و ناراضی رژیم جمهوری اسلامی هستند و تقریباً حالت "شورشگری" دارند.

و در مجامع بین المللی رسوا گشته است که دیگر نمیتوان با عفو معدودی از زندانیان عادی، آنرا پنهان نمود. مردم ما بخوبی میدانند که عفو عده ای قاچاقچی و معتاد (بدون اینکه شغل مناسبی برایشان فراهم شود) تنها برای خالی کردن زندانها و بربگردن آنها از انقلابیون و مبارزین میباشد. اینست معنای واقعی عفو محدود زندانیان توسط خمینی جلد.

معنای عفو زندانیان در رژیم ا ختناق

بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در روزهای اسفند ماه خبر میدهند که بر طبق فرمان خمینی مبنی بر عفو زندانیان سنا سبت ۲۲ بهمن تعداد ۱۰۴۲ نفر از زندانیان دادستانی "انقلاب اسلامی" در شهرهای زاهدان، زابل، ایرانشهر و جاپار مورد عفو قرار گرفته و آزاد شدند. همچنین تعداد ۳۴۴ نفر از زندانیان حکومتستان تغلیل یافت. این عفو زندانیان عموماً به حرام عادی نظیر قحالی مواد محدود... دستگیر شده بودند و عموماً صریحاً به بدرت در میان آنان دسده می شود. بر اساسی درگتوری که بر جوبه های داروسر نیزه های حونس شکسدا دنده و حکومت مسود رژیم دند... و بر و وسطای خمینی حمام خون در چند دهه ها و نکنجه گا هیا سرا نموده است، چگونه میتوان انتظار داشت که زندانیان کمونیست و مبارز که تنها جرمشان دفاع از حقوق خلق و عقاید خودشان است، آزاد شوند. مگر همین چند مدت پیش نبود که تها در زندان اوین سبت از ۹ زندانی کمونیست و مبارزان عدم شدند. چهره جنا بتکا رژیم آنچنان در ا ب س ران

اخباری از بلوچستان

مبارزه برای خلق بلوچیا...!
 با نده جنا بتکا رخوانین مسرکرتگی محمدخان میرلانی، که از امیرانیست و دول ارتجاعی پول و مکانات تسلیحاتی در مقابل عملیات نظامی در بلوچستان، دریافت میدارند، با ردیگر جنایت پیشگی خود را نشان دادند. اخیراً یکی از فرماندهان این جنا بتکا ر بنام "علی مبارکی" با افرادش در جاده "سرباز" دست به کشتار وحشیانه و سنگین مردم بیگناه بلوچ زدند. بدین ترتیب که به اتوبوس حامل مسافران عادی تیراندازی میکنند که در نتیجه این جنایت نفرت انگیز ۴ نفر مسافر عادی در دم کشته و ۸ نفر دیگر زخمی میگردند. البته این اولین جنایت است این بانده که ادعای "مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم و کسب خود مختاری" را دارند، نیست بلکه در گذشته نیز هم بطور که در اخبار نشریات تشکیلات منعکس است، دست به قتل راننده های بیگناه تریلیها و تانکرها زده اند تا بدین طریق با ایجاد سروصدا و هیاهو و جنجال تبلیغاتی "مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم" بول هر چه بیشتری از ربابان خود دریافت نمایند.

بسرکه ما مبارزات رورمره توده های زحمتکش خلق کرد، در تقویت دمکراتسم انقلابی حبس خلق نقش مهمی دارد که ما مورد توجه قرار بگیرد.

سازماندهی اشکال منفی و سیاسی مقاومت توده ای در شهرها و روستاها و سوزنه توجه به سازماندهی مبارزات توده ها در شهرها و با ساختارهای توده ای متنا سب برای جلب همه زحمتکشان به صفوف مبارزه انقلابی سبب ضرورت است تعمیق ورا دیگالیزه نمودن مبارزه انقلابی خلق کرد در جهت سرنگونی رژیم و لاس فقه است.

نصح انحرافات حزب دموکرات در این وجوه که از ارکان حیاتی و سنای دموکراتسم انقلابی است، آن رسالتی است که اکنون بعهده رهبری انقلابی است. به امید آنکه رهبری انقلابی در انجام این وظیفه در راستای احیای سن انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران قاطعانه گام بردارد.

انشعاب در حزب دمکرات...
 دنباله از صفحه ۲۳

ظرفیت پذیرش حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران را ندارند. در این سراسر سرمایه داری تنها طبقه کارگر مدافع دمکراسی بیگناست و متقابلاً سوز و آزی بنا بر ماست طبقه ای ضد انقلابی است که فقط نمی تواند مدافع حقوق دمکراتیک خلقهای ایران باشد بلکه همه قوا به مخالفت با آن برخاسته و برخودا هداست. توجه به مطالبات کارگران، تهیستان و زحمتکشان خلق کرد از موضع بیگبیر و دمکراتیک نیز الزامات اجتناب ناپذیرا ن خادگ سبب است را دیگال در جنبش انقلابی خلق کرد است. این مطالبات باید کلسه حوزه های اجتماعی و سیاسی را فرا گرفته و موجب حلیب هر چه بیشتر زحمتکشان کرد که در شرایط حاضر ستون فقرات مقاومت انقلابی هستند به صفوف مبارزه فعال انقلابی گسردند. همچنین تلاش برای تحکیم هر چه بیشتر سوند مبارزه مسلحانه و روزمندگسان

انشعاب در حزب دمکرات و اعلام مواضع حزب دمکرات کردستان ایران «رهبری انقلابی»

است. تصحیح این وجوه از انحرافات امری است که مسلمانان دموردتاً شیعه کمونیستها و انقلابیون راستین در ایران باشد. این وجوه عبارتند از:

با زاری میانی خدا میربالیستی در حزب و طردن ساست ها و ما توره های را سنگر با نه در معاشات با محافل امیربالیستی و سوزیسون خدا انقلابی و استهبدان و کوشش در راه استقرار روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی، مترقی و احزاب و سازمانهای مترقی و آزادیبخش... تصریح میانیستی خدا میربالیستی مبارزه مسلحانه یکی از پایه های ترین شرایط تعهد به دمکراتیسم است. رهبری انقلابی این اصل را در مدار اعلام مواضع خود قرار داده و بدین ترتیب ساست معاشات طلبانه نسبت به امیربالیسم را که در دوره پس از کنگره ششم حزب حاکم شده بود محکوم نموده است. وجه دیگر مبارزه جدی با سرما به داری جهانیست و نردبکی و انحادبا پرولتاریای پیروز مندرجهانی یعنی اردوگاه سوسیالیستی است. در اعلام مواضع رهبری انقلابی بدرستی بر این وجه تکیه و تاکید شده است.

مبارزه جدی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تاکید بر ادامه و گسترش مبارزه مسلحانه و نفی سیاست سازشکارانه و مذاکره جو با نه در برابر رژیم جمهوری اسلامی، از نکات مثبت این اعلام مواضع است. رهبری انقلابی هرگونه توهم برانگیزی در باره ما هیت رژیم جمهوری اسلامی و اصطلاح امکان سدایی جابه های واقع بینی که ممکن است به ذره های از درخواستهای دمکراتیک زحمتکشان ایران کردن نهاد را محکوم ساخته است.

اعلام تلاش در جهت تشنج زدانی با سازمان های منطقه ای از نکات مثبت دیگر مواضع اعلام شده در سانسنامه است. در بیانیه بطور ضمنی به امکان صلح با کومه له اشاره شده است. اما در اقدامات بعدی، رهبری انقلابی با اعلام صلح کجانبه در فعال جنگ داخلی با کومه له کامیثت و ارزنده ای به پیش برداشت. این اقدام مسلحانه شرایط برای پایان دادن به جنگ خانگی زیانبارسین حزب و کومه له را هرچه بیشتر مستعد ساخته است.

جدی مطالب و موضوعات انحرافی و ارتجاعی که برانگیزاننده دمکراتیک جناح حاکم در بریتانیا و اساساً ما حزب وارد شده است. وجه اخیر تولید اصلاحات برنا مه ای و اساساً مه ای حزب دمکرات را در رجعت به سنن انقلابی و دمکراتیک آن میدهد. طبعاً این امر می تواند از طریق طرد نظریه انحرافی "سوسیالیسم دمکراتیک" انجام پذیرد و به تعیین تکلیف قطعی با انحرافات فوق الذکر در برنا مه حزب منجر شود.

بندهای دیگر اعلام مواضع بیانیه رهبری انقلابی به دمکرات تیزه نمودن زندگی درون حزبی، طرد آئین کیش شخصیت، جذب مجدد کارها، اعضا و پیشمرگانی که سرانحرفات یا دشمنه مغوف حزب را ترک نموده اند اختصاص یافته است که همگی از ملزومات دمکرات تیزه ساختن حیات درونی حزب است.

مواضع اعلام شده رهبری انقلابی و اقدام ارزنده آن در اعلام صلح با کومه له سرآغاز حرکت مثبت و امیدبخشی است که با بدهرجه گسترده تر و فراگیرتر به مالش کارمل حزب دمکرات از انحرافات رفرمیستی و سوسیال - دمکراتیک سری باشد. در این مسیر مسلماً تا کید بر پیوندنا گسستن جنبش انقلابی خلق کردنا جنبش طبقه کارگر ایران نقش بسا رکلیدی دارد. اگر چه در سانسنامه رهبری انقلابی از پیوند جنبش انقلابی خلق کردنا جنبش سراسری یاد شده است اما این هنوز کلی و نا کافی است. واقعیت این است که در جنبش سراسری دو نیروی محوری در برابر رژیم جمهوری اسلامی صف آرا می شوند. طبقه کارگر و اپوزیسیون بورژوازی. تخریب مبارزه انقلابی در دوره س از قیام این حکمرانان است کرده است که در ایران امروز جنبش طبقه کارگر و حاکمان و طرفداران آن بطور قاطع و بیگیر از جنبش انقلابی خلقهای ایران دفاع می نمایند. همه فراکسیون های رنگارنگ بورژوازی در مخالفت با این درخواست دمکراتیک بنیادی همداستانند. تجربه شورای ملی مقاومت سردر این زمینه بسیار آموزنده است. مجاهدین نیز نسبتاً به فراکسیون س از بورژوازی ایران با تمام موجودیت خود در عمل ثابت نموده اند که هیچگاه

بیانیه منتشر شده از سوی حزب دمکرات کردستان ایران "رهبری انقلابی" پس از کنگره هشتم این حزب، نشانگر یکی از مهم ترین تحولات تاریخ چهل و چند ساله حزب دمکرات در سراسر دوران مبارزاتی خود و بویژه تاریخ پس از قیام سیمین این حزب می باشد.

در آستانه قیام سیمین، حزب دمکرات کردستان ایران که دارای سابقه طولانی مبارزه علیه رژیم وابسته به امیربالیسم پهلوی بود سرعت به بزرگترین حزب شده ای کردستان ایران مبدل شد. از زمان آغاز کارگرایشات گوناگونی در حزب دمکرات در تقابل با بکدیگر قرار گرفتند. طرفداران نظریه سوسیالیسم دمکراتیک، طرفداران حزب توده به رهبری غنی بلوریان و گراس انقلابی - دمکراتیک.

ساست حزب توده سیاست خیانت با تسلیم طلبی در برابر رژیم ارتجاعی و خدا انقلابی جمهوری اسلامی بود. این حزب خیانت و سازش، س از شکست پیورش و حسیا به رژیم فقها به کردهستان در مرداد ۱۳۵۸، ز زبان دبیر اول حزب نورالدین کما نوری سیاست حزب پر حریف در قبال حزب دمکرات آشکارا خلاصت؛ شوق به تسلیم و شرکت جنگ انقلابی خلق کرد علیه رژیم خلق ستمز فقها، اما وجوداً متلاً عمومی جنبش انقلابی خلق کرد، حضور جناح انقلابی حزب و علیرغم تزلزلها و معاشات طلبی های جناح دمکرات راست این سیاست با بین بست رویرو شد. اما حزب توده سیاست خیانت خود به جنبش انقلابی خلق کرد را از طریق ایادی خود دنبال نمود. با ندیلوریان در داخل حزب دمکرات و رهبران خائن اکثریت در ارتباط با جنبش چپ کردهستان ما موران اجبرای این سیاست خدا انقلابی بودند. انشعاب جناح بلوریان از حزب دمکرات کسه فصد آن در هم شکستن این حزب بود با انزو و رسوایی کامل روس و شد و تنها تعداد انگشت شماری از وزندگان سیاسی به اسان انشعاب پیوستند. خروج اکثریت از جنبش انقلابی خلق کرد و تسلیم اسلحه به رژیم فقها نیز تنها ننگ این سیاست خیانت به جنبش انقلابی را نصیب سردمداران آن نمود.

خیانت توده ایها و بویژه توطئه شکست خورده با ندیلوریان به ترین زمینه را برای رشد گرایشات طرفداران "سوسیالیسم - دمکراتیک" فراهم نموده و در حقیقت آب به آبیاب سوسال - دمکراتی ریخت. این گرایش توانست در کنگره ششم حزب علیرغم اکثریت بسا وضعف خود را غالب نماید. بسا مده های اس مشی، انحرافات دمکراتیسم انقلابی در این زمینه ها بود: تزلزل در مبارزه قاطع برای سرنگونی رژیم فقها و امید بسن به امکان استحاله و رسیدن به توافقاتی با جناح "واقع سن" رژیم سرخو است خود مختاری، هراس از اختلاف با طبقه کارگر و توتلانی برای نزدیکی و اختلاف با بورژوازی لیبرال، انکار وجود طبقات در جنبش انقلابی خلق کرد و در نتیجه چشم پوشی از طرح و دفاع از درخواستهای انقلابی و ادیکال کارگران، تهیدستان و زحمتکشان گسرد، مطلق کردن نظام مگر و طفره رفتن از سازماندهی توده ای و تحقیر آن، توسل به اقدامات ضد دمکراتیک در قبال نیروها و سازمانهای سیاسی موجود در جنبش انقلابی خلق کرد که با رزترین نمونه آن با فشاری حزب برتدا و جنگ خانگی با کومه له بود، رهاساختن متحدان ستراتیک با اردوگاه سوسیالیستی و تسلان سراسری سازمان محافل امیربالیستی و پیوستن به انترنا سبونال سوسیالیست در عرصه بین المللی و با لخره نقض موازین دمکراتیک زندگی حزبی در راستای سرکوب جناح انقلابی، سلب حق تبلیغ و ترویج و اشاعه نظرات برای این جناح و تصفیه و سرکوب تدریجی طرفداران آن.

فصله بین کنگره ششم تا هشتم شاهد تضعیف روز افزون سیاستهای دمکراتیک حزب دمکرات، تقویت انحرافات راستگرایانه یا دشمنه در کلیه حوزه ها، طرد، تصفیه و سرکوب جناح انقلابی و عناصر آن و در یک کلام دوری جستن هر چه بیشتر حزب دمکرات از سنن انقلابی و دمکراتیک ۴۰ ساله خود بود.

در کنگره هشتم حزب، مخالفین منیحا کم بصورت سازمان یافته به مخالفت با مجموعه سیاستهای حاکم بر حزب برخاسته و جدائی خود را طی بیانیه ای پس از برگزاری کنگره هشتم حزب اعلام داشتند. سانسنامه مل مجموعه ای از اعلام مواضع است که با رشته ای از انحرافات حاکم بر حزب دمکرات به مخالفت برخاسته

بقیه در صفحه ۲۲

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست!

جنبش کارگری در مقابل سرمایه

در اروپا

اعتصاب، به طاهرات بردها حسند. در مارس ۱۹۸۸ نبر، ملوانان سندركاله اقدام به اعتصاب كردند كه ارتباط دريايي با انگليس را سد مختل نمود. همچنين كارخانه بومبيل سازي رنو، در موارد متعددي، يكي از مراكز درگريستاي كارگري بود كه آخرين آن اعتصاب كامل ۶ هزار كارگر در اعتراض به اخراج ۲۲۰ نفر از كارگران و كاركنان بود كه خط توليد را كاملآ فلج نمود.

آمريكاي لاتين، آسيا و آفريقا - فاره لانس - با ۵۶ ميليون بكار و ۱۱۰ ميليون بيهكار، وسايل دستمردهاي واقعي بميزان ۵۰ درصد در ۱۹۸۰ با نظرف، با بدهي سرانه اي بميزان ۱۰۰۰ دلار (معادل درآمدمردانه در يكسال)، يكي از كانون هاي داغ حنين كارگري در چندسال اخير بوده است. دليل گرده خوردگي بحران بدهي ها با سياست هاي ارتجاعی سوزواري چپاني، طبقه كارگر، مبارزه براي لغويدهي ها، برقراري يك نظام اقتصادي جديد بين المللي، و توسعه همكاري بين كسورهاي قاره لاتين و كار را شيب را جزو مبارزات دموكراتيك عمومي خود قرار داده است، سي آنكه مبارزه عليه سوزواري حاكم در هر كسوري را، فراهم مي كند. در شرايطي كه بورژوازي حاكم و سرڪاي امپرياليسم آن در اس قاره سالانه سوده اي كلاني به جيب مي زنند، ۲۵ درصد مردم، بر راس تان فريبرمي سرند، ۵۵ درصد مردم سواد خواندن و نوشتن ندارند، وسايل ۷۰۰ هزار نفر از بي پيدا شني ميمرند.

حوا سنه ها و مبارزات اتحاديه ها در آمريكاي لاتين - در اكوادور، "جبهه متحده كارگران" - F.U.T. - كه تقريبا ساي جنبش سندكا شني را در برمي گيرد، اعتصابات متعددي را براي لغو سرتا مهربا ضاقت اقتصادي. دولت، سا زمان داد. "جبهه متحده كارگران" در سلات فرم درخواستي خود، لغوي زياد خت بدهي هاي خارجي، لغو سرتا مهربا ضاقت حقوق سندكا شني و اتخاذ اقداماتي عاجل براي بهبود شرايط و خيم زندگي كارگران را خوا سنا ر شده است. در آرژانتين، "كنفدراسيون عمومي كارگران" - C.U.T. - يك بيرنا ميه درخواستي ۲۶ ماده اي را تصويب كرده است، كه زحمله آن ميتوان تصويبي را بر برداخت بدهي ها و كاهي نرخ بهره رانا مورد. C.G.T.، چندان اعتصاب همكاري و رسه اي را در طي سال گذشته، براي دفاع از خواسته هاي كارگران سازمان داد. در اروگوئه، "پلنيوم بين سندكا شني كارگران - كنوانسيون ملي كارگران" (P.I.T. - G.N.T.)، بندهت عليه سياست اقتصادي حكومت برخاسته، وسا سار "راه حل دموكراتيك ونه ديكتاتوري"، تظاهرات مهيمي در مونتئا - سديوئو، در دفاع از پلاني فرم درخواستي خود، از جمله، از ربا سي مجدد دستمردها كسرتن حقوق سندكا شني و رعاست دقيق حقوق بشر، و نيز اعتصاب همكاري مهيمي را سا زمان داد. در ازال سالوا دور، "اتحاديه عمومي كارگران سالوا دور" (U.N.T.S.) خواها ن لغوي خراش قيمت كالاهاي مصرفي، دارو و خدمات كرده و ۵ هزار كارگر، كه در رأس آن رهبران جنبش سندكا شني قرار داشتند، به راهمباري برداخته و خواهان حل سايي مساله جنگ داخلي شدند. در كواتمالا، برغم قتل عده اي از رهبران و فعالين اتحاديه اي توسط جوخه هاي مرگ و نسلعلي رغم موج سرڪوب رژيم، جنس سندكا شني، فعاليت خود را براي محدود سايي و برپا شني يك تشكيل واحد، همچنان ادامه داد. و حرکت هسي در حوا سني متعددي را سا زمان داد كه در حيران آنها، كارگران سياست رياست اقتصادي را محكوم كرده و خواهان رعاست حقوق دموكراتيك مردم توسط حكومت شدند. در كلمبيا، كارگران با اسجاد "مرکز متحده كارگران" در چند ماهه سني، كه ۸۰ درصد كارگران را در برمي گيرد، توانسته اند توان نازهاي به جنبش كارگري در دفاع از خواسته هاي با واسطه خود بدهند، و با وجود تشكيل فعاليت اتحاديه اي توسط جوخه هاي مرگ (تنها در سال گذشته ۱۲۲ رهبر و فعال اتحاديه اي بقتل رسیده است)، همچنان سمياب زه سرحي خود ادامه دهند. در برزيل، "مرکز متحده كارگران" - C.U.T. - و "فرماندهي عمومي كارگران" - C.G.T. - عليه طرح "كروزادو" كه يك بيرنا مهربا ضاقت ملهيم از ضدوق بين المللي پول است، و سرزندگي كارگران اشارات مفني زيادي مي گذارد، قويا بمبارزه برخاسته و سرڪا يك اعتصاب همكاري را سا زمان دادند كه ۶۰ درصد فعاليت اقتصادي در يودوزانسرو و وسايل از مناطق ديگرا، فلج ساخت. همچنين ۲۵۰ ميليون كارگر در اعتراض به فزايش قيمت ها و نيز درخواست لغويدهي ها، شركت كردند. در سال ۱۹۸۷ نيز هما سندا لهاي قبيل رورملي تظاهرات عليه پسنوشه برگسزار كردند، كه در آن، طبقه كارگر شوا سنا است اكسريت جمعيت را بسج نمايد، و تظاهرات در گرسنه اي شديد با پليس همراه بود. آنچه كه روز تظاهرات ملي ۱۷ اكتوبر ۱۹۸۷ را تظاهرات مناب در سالهاي قبل متما يزمي ساخت، اس بود كه سخص طبقه كارگر تا كندا است. در اين اعتصاب همكاري، در مناطقي تا حدود ۵۰ درصد از كارخانه ها متوقف كرده و در شوا خه هاي از خدمات، اعتصاب،

دنياه شونده س ما آن را با س امر محبور خوا هم كرد. فراه سده سدا از اعتصابات سبار سرجسته كارگران راه آهن، بيبست، انوبوس رايي، مترو، و سرتي و كا ز كه تا اوائل ۱۹۸۷ را مهابت، در طول همان سال، در راه آهن، دوا ره اعتصابات مكرري بصورت منطقه اي رخ داد. اعتصاب معلمين، تظاهرات كارگران و مردم دعوت "كنفدراسيون عمومي كارگران" - C.G.T. - براي دفاع از بيمه هاي اجتماعي كه حدوديا نصد هزار تن در آن شركت داشتند، اعتصاب كارگران ذغال سنگ در اعتراض به اخراج وسنه شدن عده زيادي از معادن، اعتصابات پراكنده كارگران كشتي سازي، از جمله حرکت هاي كارگران در اعتراض به سياست هاي دولت دست راستي فرانسه بود. در طول سال ۱۹۸۷، كاركنان و خليا نان سرويس حمل و نقل هوايي، سدفعات دست به اعتصاب زدند كه اعتصاب اخير، توسط دا دگا ه "بوبيستي" - در حومه باريس - غيبرا تونوي اعلام كرديد، ليكن سندبگاي حمل و نقل هوايي، سي اعتنا به رأي دادگاه، دست به اعتصاب زد. همچنين، دعوت C.G.T.، كارگران براي دفاع از جسي

دنياه از صفحه ۱۷

انگلسان - موج اعتصابات در انگليس، در ۱۹۸۷ دوا ره اوج تازه اي گرفت (در ۱۹۸۵، در انگليس ۱۸۰۰ اعتصاب بوقوع پيوسته بود). سدا زبا سنان اعتصاب ۶۰۰ هزار كارگر چا ب فريوخ در زانويه ۱۹۸۷، كه بسكال بطول اجا مسده بود، ۱۵۰ هزار كارگر معدن در منطقه سوركنا بر، بمدت چند روز دست به اعتصاب زدند. اعتصابات نا طرس حفاظتي معادن ذغال، اعتصابات اتحاديه ملوانان در مارس ۱۹۸۸ كه ارتباط دريايي انگلسان را با اروپا براي مدسي محمل، وسعد چند روز قطع كرد، اعتصاب كارگران انومبيل سازي فوريه، كه سدا زمدي طولاني، مهمترين حرکت اعتصابي در اس كارخانه بود، و نولسند انومبيل در كسورهاي نظرف آلمان و بلترك و اساسا را سرحمل مي ساخت، اعتصاب كارگران كاميون سازي رنو، انومبيل سازي و اسكال، و سبز معلمين، و برستا ران سرويس نندرسني ملي، كه از حمايت افكار عمومي مردم انگليس نيز سرخوردار بود، از جمله حرکت هاي مهم كارگري در انگليس بود.

اسان سنا - در اسانبا، سدا ز بقدرت رسدن حزب سوساليسم، ۱/۵ ميليون نفر بريتعدا سندكاران افروده شده است، سهم دستمردها در درآمد ملي از ۱۹۸۲ با نسبو ۶/۵ درصد كاهي با فته است، در حاليكه سهم بود، ۶ درصد افزاس را سنان مي دهد. طبقه كارگر اسانبا، در سبار اس سياست سدكا رگري حزب سوساليسم، به مبارزه اي سيقوعه منادرت ورزیده است، و "اتحاديه عمومي كارگران" كه از زمان جنگ داخلي در ۱۹۳۶، با نگاه كارگري سوساليسم را تشكيل مي داد، در تقابل با سياست هاي "دولت سوساليسم" فراه گرفته است. در گرسنه اي اجتماعي و اعتصابات سبار سنا يك امروز ميره اسودر سال گذشته فقط در شهر ما دريد، روزانه يك اعتصاب بوقوع پيوسته است. اعتصاب معدنچان استوري، كه دعوت دومرکز بزرگ سندكا شني، سغنيبي كميونيستي كارگري و "اتحاديه عمومي كارگران" انجام گرفت، تقريبا نما مي منطقه را فلج كرد. سدا از اعتصاب همكاري معدنچان استوري، مسوانار سنج هاي كارگري در ۲۰ آوريل ۱۹۸۷، اعتصابات در ابيريا، آويا كسيو، بروما دريد، متوقف كردن كار در كارخانه ها و شاخه هاي مختلف اقتصادنا مسرد كه ملسوسيا كارگر در آن شركت داشتند.

آلمان - طبقه كارگر آلمان را مسوان بيبگام مبارزه ساري كاه سني ساعدا كه ره ۳۵ است، مبارزه براي صلح، و حقوق اجتماعي نامسد، در قور بيه ۱۹۸۶ كه دولت دست راستي هلموت كهيل، لانه محدوديت حق اعتصاب را بسنه سا رلمان برد، ۳۲۰ هزار كارگر فلج كار، در دفاع از حق اعتصاب به حساب انبيا رختند و بعدا ز تصويب اس قانون ضد اتحاديه اي در مارس همان سال، بسش از ۶/۷ ميليون نفر كارگر، عليه آن به اعتراض برخاستند. رهبري اس حرکت هاي كارگري در ا. D.G.B. برعهده داشت. اعتصاب كارگران فولاد در سال جاري در االب راس ها وزن در اعتراض به بيبستن كارخانه فولاد در اس منطقه، كه بطور زنجيره اي برديگرا سها ي اشتغال نيز، اثر مفني مي گذارد، با اسغال دفتر مكرسزي كروب، تظاهرات و اشتغال بستن يكي از سل هاي رودراس همراه بود، ليكن اعتصاب اخطاري كارگران در فورسها مسال، براي كاهي ساعات كار بسنه ۳۵ است، كه ۲/۷ ميليون كارگر و كمتر در ادر برمي گرفت و از كارگران سرويس حمل و نقل گرفته تا بيرسنان و رفتگرا ن و كا رمندان و كارگران استخرهاي سنا در آن شركت داشتند، را سديكنا رجه ترين و سرحسته ترين حرکت اعتراضي سبولتا راي آلمان و ديگرا ليه هاي دستمزد ديگري حساب آورد، خانم مونيكا - ولف ما ستر، رهبر اتحاديه خدمات عمومي در انا ره سدان حرکت كارگران و اسناع دولت از سنان دادن به خواسته ها سنان اعلام داشت، حال كه كارفرما سنان خدمات عمومي، دا و طلبا نه آما ده نسبتند كه سا كوتا كردن ساعات كار با مسا همراه شوند، س ما آن را با س امر محبور خوا هم كرد.

فراه سده سدا از اعتصابات سبار سرجسته كارگران راه آهن، بيبست، انوبوس رايي، مترو، و سرتي و كا ز كه تا اوائل ۱۹۸۷ را مهابت، در طول همان سال، در راه آهن، دوا ره اعتصابات مكرري بصورت منطقه اي رخ داد. اعتصاب معلمين، تظاهرات كارگران و مردم دعوت "كنفدراسيون عمومي كارگران" - C.G.T. - براي دفاع از بيمه هاي اجتماعي كه حدوديا نصد هزار تن در آن شركت داشتند، اعتصاب كارگران ذغال سنگ در اعتراض به اخراج وسنه شدن عده زيادي از معادن، اعتصابات پراكنده كارگران كشتي سازي، از جمله حرکت هاي كارگران در اعتراض به سياست هاي دولت دست راستي فرانسه بود. در طول سال ۱۹۸۷، كاركنان و خليا نان سرويس حمل و نقل هوايي، سدفعات دست به اعتصاب زدند كه اعتصاب اخير، توسط دا دگا ه "بوبيستي" - در حومه باريس - غيبرا تونوي اعلام كرديد، ليكن سندبگاي حمل و نقل هوايي، سي اعتنا به رأي دادگاه، دست به اعتصاب زد. همچنين، دعوت C.G.T.، كارگران براي دفاع از جسي

۱/۵ مبلسون کا رگر در آن شرکت داشتند، با تک سلسله را اعتبارات کا رگری، در ۱۹۸۷، به سکا رخوده علیه آپا رتا بدویوروزی کا کم، و برای خواسته های کا رگری، ادا مده داد. لیکن دوا عصاب بزرگ را با یدنا خص مپا رزه کا رگری در سال ۱۹۸۷ در نظر گرفت؛ اعتبارات کا رگران را آه آن که با وجود تهدید به اخراج از طرف کا رفرمایان، سرانجام بعد از ۱۲ هفته استنادگی و مبارزه، با پیروزی کا مل کا رگران بیباکان رسید، و اعتبارات ۳۵ هزار نفره معدنچیان، که سی باقیه ترین و کسندترین اعتبارات در تاریخ مبارزات معدنچیان بود، تعداد شرکت کنندگان در اعتبارات معدنچیان، حتی از تعداد اعضای اتحادیه معدنچیان نیز بیشتر بود. سر نیزه و گلوله آدمکشان آپا رتا بدینستوانست در راه راسح کا رگران زلزلی بوجود آورد.

در فلسطین اشغالی، اگر سالهای پیشین، آغاز زمان یابی مستقل کا رگری و سدا ریپرولتری در میان فلسطینی ها بود، آخرین ماه ۱۹۸۷، آغاز اعتبارات همگانی متوالی می بود، که همچون آتشی هنوز زبانه میکشد. در طی این اعتبارات همگانی، گاهی مشارکت کا رگران، مدد میدید، که از رفتن به سرکا ردر اسرائیل، خودداری کردند.

پرولتاریای جهانی، در سرتا سردنبا، راه رزمی خود را در برابر سرمایه بینماش می گذارد، با استواری مدافع از دموکراسی سرمی خیزد، و به نوده های مردم نشان می دهد که این نام بزرگ رها می است که با ید بر گردا و حلقه زد!

۱۵۰ درصد ۱۵۰ بود. همچنین دو مرکز بزرگ سندیکا می تصمیم گرفته اند که تک کنگره موسس برای ایجاد یک مرکز واحد سندیکا می برگزار نماید. در مرکزیکه اعتبارات سه ماهه کا رگران "فولکس وانگن" با پیروزی کا رگران در دست آوردن ۷۸ درصد افزایش حقوق، که بیش از ده هزار کا رگر در آن شرکت داشتند، بیباکان رسید و همبستگی بین المللی از این حرکت را برانگیخت.

در کره جنوبی، پرولتاریا در مرکز مبارزه برای خواسته های اقتصاد می - سیاسی، در مرکز مبارزه علیه دیکتاتوری، و برای دموکراسی قرار گرفته است. تا بیستان ۱۹۸۷، موجی از اعتبارات ۱۲۴۰ بخش از اقتصاد را بحال فلجی کا مل در آورد، و طبقه کا رگر کره، با ایجاد اتحادیه های مستقل در طی این حرکات اعتباراتی، بر ضرورت دفاع از حق شکل کا رگران، سرقراری دموکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، و نیز خواسته های بلاواسطه کا رگری پای فشرد. حضور پرولتاریا در صحنه پیکار علیه دیکتاتوری ژنرال چون دووان، جنبشی لیبیرال ها را نیز که داعیه مبارزه علیه دیکتاتوری دارند، در هراس انداخت. تنها در ماه اوت، بیش از ۸۰۰ اعتبارات کا رگری بوقوع پیوست که در موارد متعددی با اشغال کارخانه، گروگان گیری مدیران و درگیریهای شدید با پلیس همراه بود. در آفریقای جنوبی، پرولتاریا محوری است که زمین بردو آن می چرخد. پرولتاریای ساه، بعد از حرکت تاریخی خود در اول ماه مه ۱۹۸۶، که پس از

صندوقهای قرض الحسنه... دنباله از صفحه ۱۴

ریزی ساید، زیر با وجود سیستم بانکی سدا ری غیر رسمی در خارج از شبکه بانکداری رسمی و غیر قابل کنترل بودن آن، ملی شدن بانکها معنی وکا رگر خود را از دست داده و دولت را در سیر بزنگاه بحران اقتصادی و جنگ سیاسی با اختلافات مالی عظیمی مواحه ساخته است.

گرچه از دولت سرزمین دولت اسلامی با اصطلاح "مستضعف پناه" است که سرمایه داری بخش خصوصی در همین چند سال اخیر بر سر نیم قرن انبساط معمولی سرمایه در ایران، سرمایه اندوخته است؛ و این حرکت همین با اصطلاح "رژیم کوخ نشین ها و پارسرهنه ها" است که نقدینگی سرمایه داران بخش خصوصی به رقم نجومی می یک تریلیون و دو بیست میلیار تومان (هزار و دو بیست میلیار تومان)، سرزده است، اما همین قدرت اقتصادی غول پیکره اهرم نیرومند و فلج کننده کا رکنی های اقتصاد علیه دولت، و به اهرم فشارهای موثر سیاسی بر جناح مسلط در قدرت مبدل شده است و از اینرو واکنش دولت را برای مبارزه خود برانگیخته است. افشاگری های جناح مسلط حکومتی از "بی رویگی ها" و "خلافکاری های صندوق های قرض الحسنه و تلاش دولت برای کنترل در آوردن این صندوقها، مطلقا بخاطر آن نیست که این صندوقها به وحشیانه ترین شکلی مردم کم بضاعت را می جاپند و برهست و نسبت خرده تولید کنندگان مسلط می شوند، باعث و مسئول درجه اول این وضعیت، همین رژیم سرمایه داری است که پشت و پناه بهره کشان و سرمایه داران بوده و هست. تلاش دولت برای کنترل این صندوقها، صرفا منظور تسلط بیشتر دولت بر سرمایه و دست اندازی دولت در راستای سیاست های بهره کشانه، سرکوبگرانه و وحشیانه افروزان صورت می گیرد.

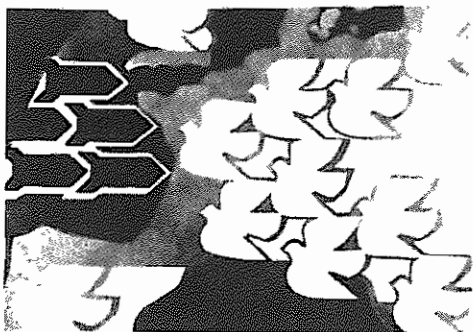
سال نو، مردم و موشک با رانها

گزارشی از موشک با رانها در ایام عید

● در اترامات مونگبا به محلات تهران، تا شعاع ۵۰۰ متری تمامی ششده های خانه ها و مغازه ها شکسته میشود. رژیم که تا حال نتوانسته ششده مردم بدهد، بعضی آن از مردم میخواهد که با نصب بلاستیک حلوی پنجره خانه ها و منسازد ارگرتی نشد خودداری نمایند. در ضمن مردم زیادی ساگرتی حا در اترامات احمر در سرون شیر تهران در داخل پارک جنگلی سرمی برسد. کسانیکه میخواهند مثل زندگی خود را از تهران بیرون ببرند اولاً باید از کلانتری محل اجاره نامه داشته باشند در غیر این صورت از بردن و سائل به بیرون از تهران محروم خواهند شد. چرا که کلانتری ادعا میکند که وسایل بدون مجوز دزدی بوده و با این طریق وسایل را از دست ما حیا نشان میکنند. تا نیا - کسانیکه اجاره نامه دارند تا ساعت ۸ شب میثوا نند و مثل خود را بیرون ببرند. رژیم اعلام کرده است که به کسانیکه ساختما نها و خانه هایشان در اثر موشک با رانها آسیب دیده فقط تا ۴۰٪ قیمت آنها خسارت می بردارد.

● ما که امسال، سال نور در زیر سب و موشک بزرگ را می کنیم، برایمان از عذیبی نیست. هر کسی تفکرات جان خود رزن و بجهانی از زیر موشک می باشد. کسانیکه در دهه های و شهرستانها یدگر مکان داشته، به خانه های میل و دوست و آشنا رفته، پولدارها با اجاره خانه دردها تا طرف تهران خودشان را نجات داده اند. بطوریکه دردها تا خانه و طوبله شبی هزار تومان اجاره داده شده است. در ترمینال ها بلیط گیر نمی آید، صف مسافران از تهران به شهرستانها به کیلومترها رسیده است. هر کسی بخواهد بلیط بگیرد باید شب را در ترمینال بخوابد و معلوم نیست بلیط گیرش بیا ید یا نه؟ تهران دیگر سوت و کور شده است. در هر کوچه ای یک یا دو خانوادها مانده است. آنهم کسانیکه وسیله فراریا امکان مانند در جای دیگر بیرونشان یا نداشتن فامیل یا نداشتن پول کافی برای اجاره خانه. مغازه ها از یکماه مانده به عیداً کثراً بسته بوده و دیگر از شلوغی خرید عید خبری نیست. قنایا تمیم گرفته اند، شیرینی هایشان را به اطراف تهران برده و آنجا بفروشد.

بعد از شروع بمباران دوم مردم آشکا را رژیم ایران را محکوم میکنند، چون صدا گفته بود: اگر در جبهه حمله نشود بمباران شهرها را قطع خواهد کرد. که بعد از قطع بمباران ظفر شروع شد و دوباره حمله موشکی شروع شد. فعلا ما در وضع نا معلومی سرمی بریم معلوم نیست، این بمبارانها تا کی ادا خواهد داشت. عده ای گفته می شوند عده ای روانی وعده دیگر خانه و کاشانه خود را ول کرده دهات مهاجرت میکنند.



(۱) - کیهان ۲۷ بهمن ۱۳۶۶

(۲) - اطلاعات ۲۹ بهمن ۱۳۶۶

(۳) - کیهان ۲۵ بهمن ۱۳۶۶

بودجه سال ...

دنيا له از صفحه ۱۵

نه تنها جنگ مهمترين الويت است بلکه "توليد و اشتغال مولد" آخرين محور بودجه را تشکیل میدهد. براساس محور فوق نه تنها اقتصاد در جهت جنگ هدايت شده و ميشود، نه تنها سهم بزرگ درآمدي مالي و ارزي کماکان به جبهه ها اختصاص خواهد داشت بلکه کل بودجه براساس تا ميسن حداقل نيازهاي معيشتي، يعني بک زندگي بخورومير (که در شرايط جنگ به نخورومير تغيير پيدا مي کند) قرار داده و برابري همين تا ميسن نيازهاي کشاورزي، که مفهومي جز تا ميسن حداقل خوراک و مواد حياتي کشاورزي ندارد، بلافاصله بعد از جنگ ذکر شده و پدنيال آن "حداقل نيازها" آمده است. در چنين شرايطي طبيعي است که مسئله "توليد و اشتغال مولد" که تنها راه غلبه بر رکود و کاهش تورم است در آخر الويت ها قرار بگيرد. آري حقيقتا که رژيم اسلامي رژيم "مستضعف پرور" است به اين معنا که "الکوي مصر" جا معد روز به روز به سوي "توليد" فقر و انبوه فقر و در چيئت انکاه به حداقل لازم براي ادا مه حياتي تغيير کرده است و به اين جهت تعداد مستضعفان دا کما رويه افزايش بوده و خواهد بود. تمام آنچه که اين رژيم براي مردم ايران داردهمين است. مضحک اين است که در شرايط پيش بيني تورم ۳۰ درصدی (حداقل) از جانب متحدین خود اين رژيم، بلندگوهاي تبليغاتي آن صحبت از مبارزه با احتکاک و رکود و نفروشي مي کنند! دم خروس را خود نشان میدهند و آنوقت قسم حضرت عباس هم مي خورند! وقتي خودتان صحبت از تورم بالای سي درصدی کنید ديگر چرا مردم را به جرم رکود و نفروشي تحت تعقيب قرار مي دهيد؟ "رکود و نفروشي" در شرايط تورم عين قاعده "کسب و کار" است!

اما اين بودجه حتي توان تا ميسن الويت ها را ندارد و در عمل چون گذشته، تنها ما شين جنگ خوب کار خواهد کرد و تنها سهم جنگ که در سال ۶۶ برابر ۴۱ درصد کل بودجه جاري بود با زهم افزايش خواهد داشت، چرا که بحران مالي و ارزي رژيم شدت يبي از آن گرفته که امکان تا ميسن درآمد هاي لازم براي چپا را الويت دگر را بدهد. سيد حسين قاضي زاده هاشمي، از مخالفين، در مجلس حسين گفت: "حتي در صورتی که برنا نه رشد و تولد است در بخش کشاورزي تحقق يابد، در سال ۱۳۶۷ توليد کندم، برنج و روغن نباتي به ترتيب معادل ۱۱/۵ ميليون تن، ۲/۳ ميليون تن و ۱۰۲ هزار تن خواهد بود که ملاحظه ميشود که کمبود معادل ۱/۷ ميليون تن براي گندم و ۷۷۷ هزار تن براي برنج و ۷۳/۸ هزار تن براي روغن نباتي خواهد داشت. آيا مي خواهيد کمبود اين کالاهای اساسي غذايي را با توليد تا ميسن نماييد و يا از خارج وارد کنيد؟ در صورتی که کمبود کالاهای ياد شده از خارج از کشور تا ميسن گردد در سال ۶۷ نژديک به ۱/۸۷۶ ميليون دلار واردات وجود خواهد داشت. (کيپان ۱۵ اسفند) پديهي است که تحقق حتي همان ارقام پيشنهادي امري ناممکن است. نه تنها بخش کشاورزي بلکه کل اقتصاد ايران در سال هاي اخير دچار فرسايش بي سابقه اي شده است. طبق آمار خود دستگا هپاي دولتي تنها در فاصله سال هاي ۶۱ تا ۶۱، يعني سال هاي رونق درآمد منفتسي،

سرمايه گذاري ناخالص دولتي حدود ۱۶/۴٪ کاهش سالانه داشته است. اين يعني دستگا ه توليد نه تنها نوين نشده بلکه دچار فرسودگي و در مسوار د متعدد از کار افتادگي شده است. در کشوري که بزرگترين کارفرما، آنچه ما فله زياد، خسود دولت است، چنين بي توجهي به سرمايه گذاري جزر گو د نتيجهاي نفي توانده داشته باشد. بدين ترتيب اقتصاد ايران هنوز از بحران نسي که در سال ۶۵ گريبا نگيرش تدبيرون نيامده است و اقتصاد سرمايه داري ايران بيتر از بيتر دهه است که در بحران بيمر يبرد. اين در شرايطي است که اقتصاد دما و ما و منظمأ ملبنا ريزه شده است. بنا بر اين الويت نخست، يعني نياز هاشاي جنگ، امسال بيتر از هر هنگام دگر "سهم شير" را از آن خود خواهد کرد. اما راه حل "دوم يعني واردات مواد دکشا و ارزي مورد نظر نماينده مذکور، امسال کمتر از هر زمان ديکري ممکن است. چرا که درآمد منفتسي ايران که در سال ۶۶، حدود ۱۵/۵ مللارد دلار بوده و در سال ۶۷ عتا ۷ مللارد منقوط کرده بود در سال ۶۶ حدود ۶ تا ۷ مللارد تنزل پيدا کرده است. اس رقم براي کشوري که نقر سا تمام کالاهای مصري اس را از خارج و اردي کند معنای کاهشي منظم د جيره ارزي است. طبق آمار "ناسنک بردا احتياي سس المئلي" نزدیک بیک سوم ذخيره سال بسن ايران به مصرف بحران کسر ازان لازم براي تا ميسن اعتبارات و واردات رسد و حال که چشم انداز با زار نفت همچنان تيره و تا راست، نفي توان هم به جنگ ادا مدها دو هم در زمينه تهيه مابحتاج ضروري دست نه "ولخرجي" زد، سياست افزايش صادرات غير نفتي نيز تا هنگامي که اقتصاد در رکود است، تورم بيداد مي کند و جنگ ادا مدها را به جاشي نخواهد ببرد. ادعای الويري، معاون پارلمانسي وزارت بودجه به اينکه "سهم درآمد هاي غير نفتي در کل درآمد هاي دولت که طی دوره ۵۷-۱۳۵۳ بطور متوسط تنها ۱۸/۷ درصد بود و در دوران بس از انقلاب تدريجا روند صعودي يافته و در سال ۱۳۶۵ به ۵۴ درصد افزايش يافته بود، پيش بيني ميشود که در سال هاي ۶۶ و ۶۷ به بيتر از ۶۵ درصد ارتقاء يابد." (کيپان - ۱۷ داي ۶۶) بيتر از آنکه درآمد اري را مدنظر داشته باشد، درآمد مالي را شامل ميشود و مهمتر از آن بيتر از آنکه ناشي از سياست "جا يگزيني نفت" باشد در اثر کاهشي درآمد منفتسي و متعاقب آن تغيير نسبت ميان درآمد منفتسي و سرما در درآمد به نفع دومي است. بنا بر آنچه گفته شد بايست انتظار دشوار يهاي جدي در تا ميسن همان "حداقل معاش" بوده مردم را در سال آتي داشت. نه توان ارزي و نه توان توليدي کشور براي تا ميسن آن کافي نيست مگر آنکه در با زار نفت و با جنگ تغيير حاصل شود. البته حتي در صورت تحول اثر هردو ايسن عوامل توسط بحران موجود در سرمايه داري ايران محدود شده و در چيئت منفي کاهش مي يابد. زيرا نيا يديفر موش کرد که جنگ تنها عامل بحران اقتصادي ايران نيست بلکه اين اقتصاد د جچار بحران ساختاري ناشي از پايان رونق کساد با سال هاي ۶۶-۵۳ همي با دشو رسنوشت آن با رسنوشت سرمايه داري در ايران گره خورده است. رژيم فقيا و جنگ تحميلي آنها عامل تشديد و تعميق ايسن بحران سرمايه داري شده اند.

اما با توجه به الويت قاطع جنگ در محورهاي

بودجه، که مي ناسب ارقام اعلام نشده نغد - ما شين مرکب رسکوب دولتي معني ساد با ساران، ارس و کسبه ها و سرما بر حياي سور و کار اسي عرس و طويل دولتي و روحا سب کار ما هم ساد آن اما دگر د، رسوس بودجه عمراني ديکرو رسس اس: "طلب محدوديت ماسع و احترازا سافراي سسمر، طبيعتا اعتبارات جاري و عمراني سال ۱۳۶۷ فشرده تنظيم شده و از رند سيا رکمي نسبت به سال ۱۳۶۶ برخوردار است." (الوييري - همانجا) در مورد بودجه عمراني، رسوشت بودجه سال ۶۶ خود گواه خوسي است. کمتسم که در تا ميسن کسر بودجه سال ۶۷، ۱۱۵ ميليارد ريال برکشتي سال بسني منظور شده است. اين "برکشتي" از کدام بخش بوده، هزينه جاري با عمراني؟ وقتي خود نماينده دولت اعتراف مي کند که با يدير تصويب بودجه عجله کرد تا زود تر بيتوان از با ننگ قرض گرفت و حقوق ژاندارمري و شپرياني را داد، مسلم است که اين "برکشتي" از يردا احتيا و يا کل هزينه جاري باقي نمانده بلکه از يردا مه هاي عمراني اجرا شده، به جاي مانده است. بنا بر اين اينکه "اعتبارات عمراني را که حدود ۲۲۲ ميليارد يردا به ۸۲۱ ميليارد ريال رسانديم" (کيپان ۱۵ اسفند) حرف منفتي بيتر نيست. زيرا اولاً خود همسان ۲۲۲ ميليارد يردا نتوانستند به مصرف برسانند و در تا ميسن حتي اگر تورم سال ۶۶ را در نظر بگيريم که بگفته خود آنان همواره "چنده درصد" بوده است، اين افزايش بودجه کمتر از افزايش واقعي هزينه لازم براي اجرائي همان طرح هاي سال بيتر است. تورم معنای جزا افزايش قيمت ها نادره، ايسن افزايش قيمت براي مواد و مصالح لازم براي اجرائي فلان با بهمان طرح عمراني نيز با يدير نظر گرفته شود، اما همين به تنهائي کافيست تا رقم مربوط به طرح هاي عمراني سال ۶۷ را، حتي اگر بخواهد در همان سطح سال بيتر باقي نماند، به بيتر از ۱۰۰ ميليارد يردا رساند!

بنا بر اين روشن است که بودجه نه در چيئت عمران بلکه عمدتا براي تا ميسن هزينه هاي جاري و بردا احتياي روزانه منظور شده است و در آن خسري از سرمايه گذاري عمراني جدي نيست. اين هم در همان صراط مستقيم ساست سال هاي بس است که در قبل مورد نقل قرار گرفت. معنای آن هم با زهم رکود توليد، با زهم تورم، با زهم کاهش قدرت حربه مردم و با زهم ميزايش فقر و فلاکت با حنما نندا ز کم سود ما بحتاج ضروري است. حتي در حاشي کسبه با صلاح استقرار احائي، سعي کوبا ممد، را (غلاوه بر استقراض دار ممد که بسظور تا ميسن کسر بودجه پيش بيني شده است) مجاز شمده اند با زهم "سيمه ميليارد ريال براي هزينه جنگ" ۱۶۰ ميليارد براي تکميل کردن طرح هاي عمراني (کيپان - ۱۹ اسفند ۶۶) تخميص يافته است. با زهم دو بربک به نفع جنگ! اما در شرايط رکود توليد و تورم سي درصدی، دولت از کجا خواهد آورد تا ايسن قرض و بپهره آن را بپردازد؟! اين سئوال است که حتي نمايندگان مخالف نيز آن را طرح کردند! ما جرئت را داشته باشيم را نيا فتند. جواب روشن است يا مي با يدير ستم زدها با زهم کاهش يابد، اخراج ها در بخش دولتي وسيع ترگسترش يا بدو با "خرشه هميشگي" يعني چاپ اسکناس بي پشتوانه، يا بهتر



مردم ایران نمی کند، تا هنگامی که رژیم سرما یه داری بر اقتصاد ایران حاکمست، هر بودجه ای که بر اساس وضعیت موجود اقتصاد آن تنظیم میشود، مستقل از "مقول" یا "غیرمقول" بودن برنامهای آن، در جهت باز توزیع درآمد ملی به نفع طبقه حاکم سرمایه دار و تشییع است. شما سرمایه داری عمل خواهد کرد و یگانگی انتقاد عملی از "بودجه" طبقه حاکم، انقلاب اجتماعی است. مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی اولین گام در جهت ریشه کنی این نظام مآعادلانسه و سرکوبگر است.

ولایت مطلقه فقیه و انشعاب در روحانیت

دنباله از صفحه ۱۳

است، و نیز برای تأیید کابینه "مستضعف پناه" موسوی بیدک مجلس "حزب اللیثی" و "خط امامی" شنا زاست، اما انشعاب جامعه روحانیت مسازرز را صرفاً نمی توان به اهمیت انتخابات مجلس سوم مستب کرد.

چنانکه پیشتر نیز اشاره کردیم، جامعه روحانیت مبارزه سله اصلی رهبران و سازمانگران ارتجاع اسلامی را تشکیل می داده است. بدزبان ساده، اینان بودند که در به قدرت رسیدن خمینی نقش اصلی را ایفا کردند. فرمان حکومتی خمینی با اعلام ولایت مطلقه فقیه، البته بمعنای شکافی جدی در میان روحانیت است. این فرسسان اولا بمعنای تغییر ساختار دستگاه روحانیت مطابق با نیازهای حکومت مطلقه اسلامی است؛ و ثانیاً این اقدام مستلزم حذف تدریجی نظام چندمرجعی، "اجتهاد" و خلاصه "شرح صدر" یا مجادلات طلبگی است. در واقع کاست طبیعی روحانیت با بد مطابق با نیازهای کاست محتوای روحانیون حاکم پیرو ولایت مطلقه فقیه تغییر نماید، انشعاب در جامعه روحانیت مبارز، نقطه میمی در اقتدار روحانیون مقلد خمینی ("بیت امام" یا "دفتر امام") برای اعمال سلطه بر کل دستگاه سنتی آخوندهاست. از اینرو این انشعاب را باید نتیجه منطقی احکام حکومتی خمینی، تلقی کرد. انتخابات مجلس سوم تنها این روند را تسریع کرد. بدین لحاظ انشعاب مذکور، در تفرقه روحانیت اهمیتی همانند سبب از انحلال حزب جمهوری اسلامی داراست.

تصحیح و پوزش

در اطلاعیه دبیرخانه سازمان منشی بر سر ترمیم چند شعرا (صفحه ۱۶ راه کارگر شماره ۴۸) در شعرا مطالبات فوری (سنون اول، سطر سیم از پایین) کلمه "کار" از قلم افتاده است و شعرا را مصل (همانطور که در سطر پایین تر از آن آمده است) بصورت زیر میباید:

طرح، نان، کار، مکن، آزادی!

تعاوتها می که در رابطه با جذب اعتبارات بودجه در شهرها و مناطق مختلف کشور و مناطق محروم مشاهده میشود بسیار است. اسم این مناطق و حدود دارد، اما سهمهاشان را نداده اند. (کسیهسان ۱۰ اسفند ۶۶) همانطور که اسم "مستضعف" وجود دارد اما از "مستکبر" حمایت مسود بیممن مسوال در لاجد بحثی سرمد "صدوق های قرص الحسد" اختصا می داده اند، ارحله ه مسلما ر در سسال اعتبار برای "تولید کسندگان می فرهنگی و هنری بی صاع "و سره ۱۲ مسلما ر در سال اعتبار برای اختصاص مکرری نما و نما سوری و شرکتی ای نما و نی روستا می که توسط عمسال رژیم ما خنه و پیردا خنه شده اند ، ببین ببین سده است ، در این رابطه در مجلس بحث و ویژدای در تکرفت ، نسودن آما رنی ز جاه ز تدقیق ببسترا نی دهد اما یک مطلب که از لای ای سور مطبوعات رژیم در ز کرده است تا حدی عملکرد واقعی این سوع صدوق های قرص الحسد را بر ملامی کند ؛ نما بند " دمنر تحکیم و حدت در " کنگره مروری سر عمل کسرد مجلس دوم و چشم از مجلس سوم " می گوید ؛ " به عنوان مثال ، در لایحه خیر مالیات در یکی از مواد آن ، و امهای اختصاص ده از صدوق های فرض الحسد به نحوی از مالیات معاف شده است در این بند که است ما ده تا چه حد ز مین سوز استفا ده را قرا همی کنند بحث نمی کنیم ." (کیهان - ۱۰ اسفند) از این سخن سخنان معلومست که حضرات خوب کیسه ای را برای این صندوق ها و نیز مالیات که آنهمه برای پیش اشک می ریزند، دوخته اند.

خلاصه کنیم، بودجه سال ۶۷، بودجه ادامه بحران اقتصادی، رکود و تورم توان و بودجه ای جنگی است که بر اساسی که با زهم بیشتر با تولید و فرسایش دستگاه تولیدی بنا شده است. این بودجه که اساساً بمنظور تقویت امور جنگی تهیه شده است، فشار با زهم بیشتری را بر اقشار کم درآمد، کارگران و کارمندان حرس، شهیدستان شهری و نیوسه بیگاران وارد خواهد آورد. کمسود فزاینده ما محتاج ضروری و افزایش هزینه زندگی، گذران روزمره زندگی را نبردشوارتر خواهد ساخت. شده مردم تا وان ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه جهنمی سرکوب و جنگ آن را می پر دا زند و سوز و زوازی با استفاده از کسر بودجه هر چه بیشتر بر قدرت سرمایه خود حوا ها فزود و با جهای بیشتری را از دولت خواهد ستاند ، بدین لحاظ ، اعترا ف به کسر بودجه و دعوت از "مردم" بر برای مسار رکت در پیرو زده ها معنا می جد دعوت از سرمایه داران کردن کل ف ت برای همکاری با دولت ندارد ، سرمدا ران رژیم هم از نقد بنکی هکمت آنان ما خبر ند و هم از دستی ای خالی توده مردم و از این روغن بر کشیدن شمس مالیات از سمام ، راه "همکاری" را سز کوده اند ، اما مستفل از انبار آب ی تورم و کسر بودجه در جهت افزایش سدر ب اقتصادی سودا گران سرمایه دار ، عمدا همان " تجار محترم با زار که از قبیل اقتصاد دجنگی متکی بر واردات هر روز فربه تر شده اند عمل می کنند و این ان رژیم های در گیر بهای بعدی میسسان ظرف داران دولت "و طرف داران بخش خصوصی" را در خود نهفته دار و از این لحاظ بودجه ۶۷ ، زمینه های رشد تفا داین دو جناح را کا ملا هم می کند ، این امرا ما تفا وتی به حال اکثری ست

است بگوئیم، هر دو اینها، اقتصاد ایران هنوز که هنوز است با ییدطبق نسخه های نبوی "دچار شوک" بشود و در این "شوک" آن که می باز دهد و رندگان حقوق ثابت یعنی کارگران و کارمندان دون پایه، با کاهش دستمزدها و بیکاری، هستند، چه "بخشی خصوصی" با افزایش نرخ خدمات و کارهای خودبخش با زهم بیشتری از این اسکناسها را به جیب خود سرازیر خواهد کرد و نقدینگی آن که از مرز بیگ تریلیون مدتهاست عبور کرده با زهم فربه تر خواهد شد. از این بهتر نمیشد از "استکبار" حمایت کرد و کمر "استضاف" را شکست.

کاهش پایه تولید در کشوری که دولت بزرگترین کارفرمای آن است، معنای جزی جزی اراشه خدمات عمومی دولتی ندارد. نه تنها نرخ خدمات دولتی افزایش یافته (برق، تلفن، گاز، آب، حمل و نقل و...) بلکه از حجم و کیفیت آن نیز کاسته شده است. در بودجه سال ۶۷، بطور ویژه به این مسأله برخورد نشده است، البته تا آنجا که مساحتات عینی اجازه اظهار نظر می دهند، آنچه هست "خط مشی" رفیسجانی یعنی تامین خدمات عمومی توسط خود مردم است یعنی دولت مالیات می کسرد، خوب بکسرد، مردم هم با مالیات بدهند و هم خدمات را خودشان تامین کنند، سپس بیبج وجه شوخی نیست: مطابق تبصره ۱۶، اگر در دروستان ۳ درصد هزینه پروژه ها را مردم مستقل نمایند دولت ما یعنی (۵۷ درصد) را خواهد پرداخت و اگر در شهر مردم ۵ درصد هر سدر را تحمل کنند، دولت نصف دیگر را می دهد. اگر کند؟ یعنی اگر در روستا ۳ درصد، و در شهر ۵ درصد مردم را هم نگردند تکلیف چیست؟ از پروژه خدماتی خبری نیست! این اما هفتی دوگانه دارد، اگر توده مردم نتواند "مشارکت" کند، سرمایه داران که می توانستند، رژیم با این سیاست هم باج می گیرند و هم دعوت به همکاری در پروژه ها را به بورژوازی اراشه میدهد! نتیجه این میشود که آنجا که به نفع سرمایه داران است، سرمایه داران به نفع سرمایه داران، مثلاً، دهقانان، که بیلندگوها بر رژیم با بوق و کرنا و رشکستگی آنان را اعلام می کنند، احتیاج سسه، مثلاً فلان شبکه آبیاری دارند و نمی توانند ۳ درصد هزینه لازم برای اجرای آن را فراهم بکنند، آنوقت دولت هم این پروژه را فراموش می کند. و در شهر به تر از آن، کارگران و کارمندان با یید تا نصف هزینه پروژه ها را خود تقبل کنند و الا خبری از خدمات شهری نخواهد بود. البته بورژوازی، آنجا که "صرف" دارد از این شیوه خریداری کسردن دولت و مستحکم کردن جای خود سود خواهد جست. نقش توده مردم هم خراج گذاری در تامین هزینه بوروکراسی است.

در این میان البته "استانهای محروم کشور" فراموش نشده اند، در تبصره ۳ لایحه بودجه، سزاروان در مورد این مطلب قلم فرسائی شده و آما رواقا می ذکر شده اند (که البته آما رعلنی نیستند)، اما افشگری موحدی ساوجی در این مورد بحد کافی کویاست: "جاها می مانند مراکز استانها یا شهرهای به خاطر اینکه مسئولانش زرنگتر بودند و کانال برق را برقرار کرده اند، توانسته اند از اعتبارات تبصره ۳ بودجه بیشتر استفاده کنند و انصافاً

پاسخ به نامه ها

رفقای عزیز، فخری - سعادت، اگر توضیحات ما را در مورد محدودیت ها و تنگنا های ستون "ساخت به نام ها" خواننده باشید، هم عذر ما را در تاخیرهای گاه بسا طولانی در پاسخ به نامه ها خوا هید پذیرفت؛ و هم مطمئن خوا هید بود که این تاخیر معنای بی توجهی به توصیه ها، پیشنهادات و یا انتقادات خوانندگان، و مانع از بکار بستن جنبه های قابل قبول نظرات آنها نیست.

شما از طولانی بودن برخی مقالات نشریه و ارائه مطالب زیاد در یک مقاله ایراد زاری کرده و نوشته اید که بگذرد طولانی بودن مقدمه، تا رسیدن به اصل مطلب حوصله را سزمی برد؛ و تعداد و تراکم مطالب در یک مقاله باعث گم شدن موضوع اصلی و فرآوردن موضوعات می شود. شما این سبک نوشتن را حاکی از "درازگوئی روشنفکرانه" دانسته اید که البته از ملاحظات عمیق و همه جانبه نویسندگان خبر می دهد.

رفقای عزیز با دیدن درازگوئی سی مورد و بقیه شما "درازگوئی" و تفصیل ضروری در ارائه یک مطلب فرق گذاشت. ما سعی کرده و می کنیم که حالت اول پیش نیاید. بی آنکه ادعا کنیم کوتاه تر و فشرده تر از این نوشتن ممکن نیست توجه شما را به دونگنه جلب می کنیم. یکی اینکه عده ای از خوانندگان (بی آنکه طالب درازگوئی و اطنا ب کلام باشند) پس از خواندن چنین مقالاتی (که عموماً مقالات "خطی" و سازمانگر، با بسک های ما با دیگر سازمانه های سیاسی) طومار بلند و بالائی برای ما می فرستند از موضوعاتی که مباهست در فلان مقاله به آنها نیز پیدا خته می شود بدون آنها مقاله ناقص و یکجانبه شده؛ موضوعاتی که اشاره و رفته شده و میبایست همانجا بازمی شده؛ موضوعاتی که بدون توضیح زمینه های تاریخی، یا ارائه اسناد و "نقل قولهای" متعدد، پذیرش آنها برای برخی مشکل است و غیره. یعنی این دست از خوانندگان نیز از اینکه در یک مقاله هرآنچه به موضوع اصلی مربوط می شود یکجا و با بسط و توضیح کافی بیاید طرفداری می کنند.

اما معارضه ما در این زمینه، بویژه در موضوعاتی که به روشن کردن تاکتیک ها و مسائل سازمانگری مربوط می شوند، موقعیت رفقای است که در داخل کشور با دیدن مواضع را درک کرده و در پراشک خود بکار گیرند. اولادگیری مستقیم و عملی رفقای داخل با این مسائل، انسوهای زابها مات و سئوالات دربارها تا کتیک یا رهنمود مورد نظر برایشان پیش می آورد که در وضعیت حاضر امکان طرح و پاسخ گیری سریع و بدون فوت وقت برایشان وجود ندارد و از اینرو چنین مقالاتی تا بسستی حتی المقدور در برگیرنده بیتترین جنبه های از مسئله باشد که می توانند برای آن رفقا در برابر تکسان مفید و روشنگری باشند و تا ممکن است جای ابهام نماند. ما تا بسک ما ها تا نشریه راه کار رگر؛ مشکلات عظیم دریافت منظم آن در داخل؛ و تراکم مطالب ضروری و مقالاتی که به علت کمبود جا در نشریه، حتی ماها در نوبت می مانند، و مشکلاتی از این دست، این امکان را به ما نمی دهند که یک موضوع مفروض را در مقالات متعدد و پیاپی، و در هر شماره از یک جنبه و یا تمرکز روی یک محور مورد بررسی قرار دهیم. کلسه این عوامل سبب می شوند که وقتی مقاله ای مثلاً در مورد یکی از اشکال سازماندهی غیر حزبی کارگران نوشته می شود، این مقاله حتی المقدور جامع می باشد، همه لحاظ تا رخی، همه لحاظ مفهوم و کارکرد، همه لحاظ رهنمودهای عملی برای پیدا کردن آن در شرایط امروز کشور؛ و حتی اگر لازم بود به لحاظ مرز بندی با آن رقیب ها و فرقیست ها و غیره. مشکلات دسترسی رفقای داخل به کتب و منابع و شجریات جنبش کارگری و کمونیستی هم عامل دیگری است که او را مانع می کند که در ارائه اطلاعات، تا رخی هسا و تجربیات و با جواذب شوریک مسائل عملی، اساک بیش از حد بخرج ندهیم.

○ سسها دشما را رسا ل بشرات به آدرس عوامل رژیم جهت سرهم کردن کنترول رژیم، نه عملی است و به مفید.

○ رفقای دیگری سزیا زبانه ها به سیاسی به ران ساده را مطرح کرده اند. شبهه چسب مجموعه ای در حال حاضر برای ما ممکن نیست ولی در آینده می توان روی آن کار کرد. ارتباط خود را با ما حفظ کند. برای شما آرزوی موفقیت داریم.



رفیق عزیز، شما، امیدواریم با بذری سلام گرم ما، شما نیز نسبت به محدودیت ها می که سبب تاخیر در پاسخ به نامه ها می شوند تفاهم نشان دهید.

○ شما در نامه خود با استناد به چندین مقاله در شماره های مختلف نشریه، دوا زبانی در مورد قدرت ما نور رژیم اسلامی را متناقض ساخته اند. یکی اینکه رژیم، در نتیجه نما ربحان اقتصاد و وحک و خوالی درآمدن شعراها بس در مورد "متضعان"، برای بسج با حماستی خود در بدترین شرایط قرار دارد و امکان ما نور را از دست داده است؛ و دیگری اینکه در همان حال ملابسه کارگران موهوم به اسجن ها و نورا های اسلامی کارا را ره می شود. و شما می پرسد "حال امن متوجه نشدم که با لخره جمهوری اسلامی قدرت ما نور را در بسا بدارد؟"

رفیق عزیز، در مقالات موردا اشاره شما، هدف به جوجه مطلق کردن عدم امکان ما نور رژیم نبوده است. امکان ما رژیم برای بسج با موهوم خود از طریق ما نوراها رگز بسطور مطلق اربسن نخواهد رفت، کما اینکه توهم نسبت به آن سردر بس لابه های بسا رغب اقلنا ده و سدیاً مذهبی بسطور مطلق رسه کس نخواهد شد. ما با بحث بر سر کارها این امکان ما نور، و کارها توهم مردم است؛ کاهسی با آنچنان ابعا دوسر معنی، که سی هج تردید و دودلی می توان گفت قدرت بسج رژیم نسبت به دورانی که خوسا وری مردم رونق داشت، کما ملوقطعا کاهسی ساخته است. ما بیدیهی است که این سرسرولی با هر سا دوه سر معنی ادا ما باید هرگز عملا به مطلق نخواهد رسد و منظور مافات داده نرا این نبوده است.

○ در باره "سرنگون ساختن انقلابی دولت سورزواشی و خود بسورزواشی" (در ستون دوم صفحه ۱۰) به نگاهی به مقبندی طبقاتی در روستا و... "راه کار رگر" (دوره دوم) رسیده اید که آنرا مقوله ای بنام "خود بسورزواشی" داریم! "خود بسورزواشی"، در کجا معسر ما به داری بسطور قطع طبقه مسلط اقتصاد است بنا سراس در وهله اول منظور از برانداختن خود طبقه بسورزواشی، سراسندازی نظام سر ما به داری است. اما ممکن است بسورزواشی قدرت سیاسی را مستقیماً در دست نداشت ما شد. در چنین صورتی، دولت ما هتا دولت بسورزواشی خواهد بود

ولی به دولت بسورزواشی (قطعاً به تفاوت بسورزواشی با بسورزواشی توجه دارد). می توان سلاکف به در حالیکه دولت، بسورزواشی است، ولی "خود بسورزواشی" قدرت سیاسی را در دست ندارد. این موضوع را استقلال نسبی دولت از طبقه حاکم، و وجود دولت های استثنائی توضیح می دهد. سرنگون شدن یک جنبش دولت بسورزواشی، هنوز به معنی سرنگونی خود بسورزواشی از قدرت اقتصاد نیست. به این دلیل است که از سرنگونی دولت بسورزواشی و خود بسورزواشی سخن گفته شده



رفیق عزیز، ما، از اظهار لطف صمیمانه شما بسیار ممنونیم و امیدواریم ما را با خاطرتا خیر در پاسخ به نامه تان ببخشید.

متاسفانه کلیات نظرات و آثار لنین و ما رکی به فارسی ترجمه نشده اند. در زمینه کمک به ترتیب دادن نمایشگاه ضد جنگ و فعالیت های افشاگرانه در محل اقامت خود، اگر هنوز هم قصد برایشانما یشگاه دارید بهتر است با کمیته خارج از کشور تماس بگیرید. لازم است که خطاب نامه مستعماً به کمیته خارج با شد تا سریعتر به شما جواب داده شود. و بالاخره اساس نظرات ما را در باره انحرافات رویزونیستی در حزب کمونیست اتحاد شوروی، می توان سید در رسالات "در برابر رویزونیسم و تزوسیمال امپریالیسم"، "انتر - ناسونالیزم پرولتری در شوروی و در عمل"، و در "طرح سرنما سازمان کارگران انقلابی بران (راه کار رگر)" مطالعه کنید. برای دریافت این جزوات نیسز می توان سید با کمیته خارج از کشور مکاتبه شما کنید. سروده "سید در رفتنی ست" و انسر در یافت کردیم، با ستایش احساسات انقلابی و بی شورش ما، از چاپ آن بخاطر ضعف فنی و سانی آن معذوریم.

رژيم گرده بود. اما اخراج و با زخريدهشت هزارگان رگرا بران ناسيونال باعث گرديد، تا تاكتيك با زخريده رژيم درميان کارگران ائتلاف شده و مقاومست سراسری کارگران در کارخانجات مختلف عليه اين سياست رژيم بران نگيخته شود. درنتيجه سياستهای رژيم در سال ۶۵، ۷۵ هزارگان رگريه صفوف بيکاران را نسانده شدند.

با ائتلاف سياستها و توطئه های وقيحا نه رژيم در سال ۶۵ و با آغاز زمناومت کارگران در برابر اخراجها در نيمه دوم همان سال، سران رژيم تا گزيرگرديدند به تاكتيك ديگری در برابر بطنه با اخراجهای سراسری کارگران روی بیاورند. از اينرو لايحه "بيمه بيکارى" با جارجنال تيليفاتى بسيار در دست توطئه های رژيم قرار گرفت. کارگران با آگاهی براينکه حل مشکل صدها هزار نفری که بسکار شده ويا هر لحظه در خطر زدست دادن شغل خود هستند با تصويب لايحه ای از سوى رژيم حل نخواهد شد و علاوه بر آن حتى با تصويب چنين لايحه ای سواست بحران مالی رژيم ذره ای اعتبار را جراثى نخواهد داشت. سال ۶۶ را با مقاومت و مبارزه در برابر اخراجها آغاز کرده و قاطعانه در برابر آن ايستادگى نمودند. کارگران ايران ناسيونال با تكيه بر تجربه با زخريده در سال ۶۵ در برابر توطئه اخراج همکاران نشان در سال ۶۶ دست به اعتصاب زدند. کارگران کارخانه بنترخا و رنيز در برابر تاكتيك با زخريده برای اخراج کارگران دست به اعتصاب زده و توطئه رژيم را نقش بر آب نمودند. بهمين دليل با وجود مبارزه گسترده کارگران در سال ۶۶ رژيم تا گزيريه عقب نشينى شده و با احتياط بيشتري در اين

(جدول شماره ۶) موارد انکال سازنده کارگران در سراسر اخراجها - شطبي و سازجريد

مؤده	مقدمت کارگران	مجموع عمومي	میزانه معدس	ظما و بوسى	تعمير	اعتراضى	تخریب	کمکاری	اعتصاب	نکل حرکت اقدامات رژيم
۲۸	۲	-	۵	۲	-	۱۴	-	-	۲	اخراج
۷	۱	۱	-	-	-	۵	-	-	-	شطبي
۱۲	۲	-	۲	-	-	۷	-	-	۱	انتقال به منابع ديگر و زخريده

را بطنه عمل نمود. جدول شماره ۶ موارد و انکال مبارزه کارگران را نشان ميدهد. موا ردمقاومت کارگران در اين سال ۳۷ مورد گزارش شده که ۱۹٪ کل حرکات کارگری را تشكيل ميدهد. اين رقم نسبت به سال ۶۵ رشدی معادل ۵٪ را نشان ميدهد. در سال ۶۵ تعداد دموا ردمقاومت کارگران ۴۷ مورد گزارش شده بود. اين رقم در سال ۶۶ تنها ۵ مورد بوده است. اين مسئله نشان ميدهد که کارگران با تكيه بر تجربه نتايج اخراجها در سال ۶۵ و آگاهی بر تاكتيكهای رژيم مقاومت قاطعی را در سال ۶۶ به پيش برده اند. همچنين اين آما رشکت قطعی سياست رژيم در فريب کارگران توسط لايحه بيمه بيکارى را منعکس مي سازد.

مبارزات اقتصادى - رفاهى کارگران

مجموع موارد گزارش شده از حرکات کارگری در برابر بطنه مطالبات اقتصادى - رفاهى ۱۱۲ مورد بوده است. اين رقم ۵۲٪ مجموع حرکات کارگری در سال ۶۶ را نشان ميدهد. جدول شماره ۶ (انکال مبارزه کارگری را در برابر بطنه مطالبات اقتصادى - رفاهى کارگران و در سه محور عمده (دستمزد - ساعات کار و مطالبات رفاهى در رابطه شرايط کار) نشان ميدهد. خواست افزايش دستمزد در شرايط تورم روز افزون اقتصادى و گرانی سرام و ضرورى ترين کالاهای مصرفى و غذائى، در حالیکه سران رژيم و قیحا نه تنها روزانه ۷۰ تومان افزايش دستمزد را تصويب کرده اند، طبيعى است که محوری ترين خواست طبقه کارگر باشد. هما نظور که در اين جدول مشاهده ميشود بخش عمده مطالبات کارگری در مورد دستمزد مطالبات دستمزدهای معوقه و در انکال مختلف تشكيل ميدهد (۱۳ مورد حقوق معوقه - ۴ مورد پرداخت عیدی - ۱۶ مورد حق بهره وری سود و بزه و پسا داش وغيره)

اين وضعيت ناشى از بحران مالی بود که سرمايه داران و رژيم درنتيجه کاهش فوق العاده درآمدهای نفتى دچار آن شده بودند. از آنجا که کارگران نسبت به دستمزدهای ثابت و بيا هانه خود حساسيت فوق العاده نشان ميدهند و حمله به اين بخش از دستمزد کارگران با مقاومت بيشتري از جانب آنان روبرو ميشود، از اينرو رژيم سرمايه داران تنها جمبه دستمزد کارگران را برای حل بحران خود از طريق تنها جمبه بخش ديگر دستمزدهای کارگران يعنى حقوق بهره وری - پاداش وغيره عملى می نمايند و در اين راه حقوق های معوقه کارگران را پرداخت نمی نمايند.

در مقابل حمله به دستمزدها، کارگران به تاكتيك اعتصاب روی آوردند و اين شکل از مبارزه سياسى کارگری در کناره محورا اعتراضات که بشکلهاى مختلف

بر اساس جدول فوق ۶۸ حرکت کارگری در برابر بطنه مبارزه عليه نهادهای وابسته به رژيم و مبارزه کارگران برای انتخاب نمايندگان واقعى خود و مبارزه برای آزادی دستگيرشدگان و بازگشت اخراجيها صورت گرفته است. از آن تعداد کارگران موفق شده اند در ۴۶ مورد نمايندگان خود را برای تشکلهای علمى (نظير تما و نيهای مصرف، قرض الحسنه وغيره) و برای مذاكرات و با انتخابات شوراهاى سلامى به عوام مل رژيم در کارخانجات تحميل نمايند. اين رقم نسبت به سال ۶۵ که ۱۸ مورد بود، رشد قابل ملاحظه ای را نشان ميدهد و بيا نگرانيست که کارگران شيروى و يژه ای را به اين مبارزه اختصاص داده اند. در موا ردى نظير کارخانه صنايع الکترىکى البير، فارمکس وغيره شوراهاى سلامى با ترکيبى از نمايندگان واقعى کارگری و اعضای انجمن اسلامى شکل گرفته و به رژيم تحميل شده اند. رژيم عليرغم ميل خود در برابر کارگران عقب نشينى نموده است، البته اين شوراها، از آنجا که نمايندگان واقعى کارگری تحت فشار قرار داشته اند، نتوانسته اند اقداماتى بنفع کارگران انجام دهند. اين مسئله که تجربه جديدى در مبارزات کارگری است نشان ميدهد که رژيم عليرغم سانسنامه تشکيل شوراهاى سلامى که اعفاء آنرا مشروط به حزب اللهى بودن مينمود اولاد را اين مورد عقب نشينى کرده و ثانيا تمهيد اربابان عقب نشينى ويا به بن بست رساندن اين نهادها موجب ايجاد ديدينى نسبت به نمايندگان واقعى در بين کارگران گردد. کارگران آگاه و پيشروى با يدينست به اين توطئه رژيم هوشيار بوده و تلاش نمايندگه اين شوراها با ترکيب جديده نهادهای مشا و ره آبا عوام مل رژيم در کارخانجات و مديرىت تسديل نشوند. نمايندگان کارگری می با بد در مقابل اقدامات و کارشکنىها رژيم با دعوت کارگران به مجمع عمومى، اين اقدامات را ائتلاف سازند. رژيم تلاش دارد با انکال کارشکنىها نمايندگان کارگری را مسئول مشکلات کارگران معرفى نمايد و با اين مسئله مهمترين خطر در مقابل اين مرحله مبارزه کارگران را تشکيل ميدهد. هسته های رهبرى مخفى اتحاديه ای در کارخانه ها با ييد تلاش کنند تا با تلفيق کار علمى و مخفى، از اين امکان علمى و مجمع کارگری بسراى تکامل مبارزه اتحاديه ای کارگران سودجويند. با ييد آگاه بود که شرط ضرورى برای تکامل اين مرحله استقلال فعاليت اتحاديه ای کارگران از دولست نهادهای وابسته به رژيم است. در اخراج يديدا و وری نمود که در بسراى از کارخانجات کارگران مراسم روز اول ماه مباره با انکال مختلف و متناسب با توان خود برگزار نموده و بدين طريق وحدت بين المللى خود را با کارگران جهان نشان دادند. عقب نشينى رژيم در رسميت شناختن اين روز و تعطيلى اول ماه دقانون کار رنيز از دستا و ردمبارزات کارگران بود.

مبارزه عليه اخراج و بيکارى

"طرح نوين اقتصادى" برنامهرى تدارک شده رژيم اسلامى برای اخراجها و بيکارى وسيع کارگران بود. ولايحه بيمه بيکارى چاره اندشى آن برای عملى کردن اخراجهاى وسيع، سران رژيم که از عواقب و بيا مدهای سياسى اجراى اين طرح خودنگران بودند، با هراس از کارگران طرح بيکارى وسيع خود را "طرح ايجاد اشتغال مولد" نام گذارى کردند. اما مفهوم طرح "ايجاد اشتغال مولد" از بين وزير کار رژيم چنين بيان شده بود که "ا مسروز سخن خدمات ما تورم زيادى دارد و با افزوده شدن اين ۱۵۰ هزار نفر (کارگر بيکار) به آن بخش متورم چندان دستخوش تلاطم نخواهيم شد. چرا که اين کارها (سيگار فروشى، دست فروشى، مسافرکشى و...) قبل از اجرا معوقه داشته و اين سمارى جا معما بوده که بعدها با ييد به اين مسئله فکر کنيم. منتها در جريان جنگ نشواست و ما نميتوانيم به اين مسئله فکر کنيم و اشتغال مثبت و مفيدى در جا معما وجود بيا وريم" (روزنامه جمهورى سلامى ۲۸ دسر ۶۵).

با اين اظهارات وزير کار رژيم روشن بود که طرح "ايجاد اشتغال مولد" نميتواند توهمى را درميان کارگران برای تمکين در برابر بسياست اخراج و بيکارى جديده وجود بيا و رده. بويژه آنکه کارگران نتايج تلخ سيکارى و اخراجهاى دسته جمعى را که درنتيجه تاكتيك با زخريده رژيم - در نيمه اول سال ۶۵ عملى شده بود، با اشتغالهاى کاذبى نظير سيگار فروشى، دست فروشى و مسافرکشى در زندگى خود چشيده بودند. هما نظور که در بررسى سالانه مبارزات کارگری در سال ۶۵ اشاره گرديد، تاكتيك با زخريده و تبعيض مهلت برای آن در کناره خطر توقف ويا کاهش توليد کارخانجات و بيکارى جبارى کارگران را اين اميد که ميتوان با دريافت مبلغى پول کسب وکارى راه انداخت، سا عث ايجاد درديد درميان کارگران در مقابل سياست اخراجهاى دسته جمعى

خصوصاً این مرحله از جنبش کارگری و مبارزه کارگران در سال ۶۶ برای بررسی عمومی آنها را اخبار و گزارشات حرکات کارگری در محورهای زیر خلاصه مسود:

(جدول شماره ۱) اشکال حرکات کارگری در جهت حملت حرکات

شکل حرکت	اعتصاب	کم کاری	تخریب	اعتراض	نمض	طوبه روسی	جمع عمومی	مراجعه مدیر
اقتصادی	۲۴	۵	-	۸۲	۳	۸	۹	۸
سیاسی	۱	-	۲۹	۷۷	۲	۶	۱۲	۹
جمع	۲۴	۵	۲۹	۱۶۴	۵	۱۴	۲۱	۱۷

(جدول شماره ۲) اشکال مبارزه کارگران جهت تحقق مطالبات اقتصادی - رفاهی

شکل حرکت	اعتصاب	کم کاری	تخریب	اعتراض	نمض	طوبه روسی	مراجعه مدیر	جمع عمومی	تعمیر بنا	مهمواره
کاهش دستمزدها	۶	۱	-	۸	۱	۲	۱	-	۱	۲۰
حق بهره وری، سود و بهره ویا داغ	۲	-	-	۸	-	۱	۱	۴	-	۱۶
حقوق موقوفه	۶	-	-	۵	-	۲	-	-	-	۱۲
پرداخت عیدی	-	-	-	۱	۱	-	-	۲	-	۴
افزایش ساعات کار	۱	۲	-	۴	-	۱	-	-	-	۸
امفاده کاری اجباری	-	۲	۱	۴	-	۲	۲	-	-	۱۲
طرح طبقه بندی	۳	-	-	۵	۱	۲	۳	۱	-	۱۵
حذف غذا و سرویس	۱	-	-	۲	-	۱	۳	۱	-	۱۳
مطالبات رفاهی دیگر	۵	-	-	۲	-	۱	۲	۴	۱	۱۵
جمع موارد	۲۴	۵	۱	۲۴	۳	۷	۱۷	۱۴	۲	۱۱۷

و در بالای اعتراضات (۱۶۴ مورد) نسبت به اشکال دیگر سبزه اعتصاب (۲۴ مورد) هنوز حاکی از خصوصیت جنبشی و خودانگیزگی مبارزات کارگری است. یعنی مبارزات در طی حرکات سازماندهی شده و به پیش رفته است. افزایش وزن اعتصاب در مبارزات کارگری در سال ۶۶، نسبت به سالهای قبل در مجموع مبارزات حاکی از رشد سازماندهی و شکل گیری رهبری مخفی در مبارزات کارگری است. از طرف دیگر افزایش وزن اعتصاب در مبارزات کارگران ناشی از رشد آگاهی کارگران نسبت به اهمیت این شکل مبارزه، بعنوان شکل اصلی مبارزه است.

سازماندهی در مبارزات در سال ۶۶ نسبت به سال ۶۵ کم تر نبود، اما مبارزه کارگران از نظر سیاسی گسترش یافته است. در این مبارزات همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده گردید، کارگران صنایع بزرگ سستارزوده اند. در این مبارزات، جنگ بعنوان محور اصلی و سپس مبارزه علیه ناختمنها و سوراخهای اسلامی در کارخانجات، هدف قرار گرفته است. مبارزه علیه ناختمنها و سوراخهای اسلامی بعنوان سازو نظامی و سرکوب رژیم در کارخانجات با هدف مبارزه برای حق تشکیل، دمکراتیزاسیون محیط کار و مبارزه علیه فضای اختناق و سرکوب صورت گرفته است. مبارزه سیاسی برای دمکراتیزاسیون محیط کار با هدف ایجاد محیط مناسب جهت پیشبرد مبارزات اقتصادی و سایر منافع از جمله پرداختن و منحل نمودن ناختمنها و سوراخهای اسلامی کار و ایجاد زمینه برای دفاع از نامتدگان واقعی کارگری ایجاد گشته است. در این مبارزات بعد از شکل اعتراض، تخریب مهمترین شکل مبارزه کارگران را تشکیل داده است.

مبارزات اقتصادی کارگران برای دفاع از حداقل معیشت و نارضایتی آنها، همچنان محور اصلی مبارزات کارگران را تشکیل میدهد. مبارزات اقتصادی ۵۲٪ کل مبارزات کارگری را تشکیل داده اند، با توجه به اینکه گسترش مبارزات سیاسی کارگران در سطح واحدهای تولیدی (و نه مبارزات سراسری آنان و برای حقوق طبقاتی) صورت گرفته، در نتیجه با بدیه مبارزات سیاسی در رابطه با اهمیت مبارزات اقتصادی کارگران و حیاتی بودن آن توجه نمود. بنابراین مبارزات تکمیل مبارزات اقتصادی کارگران بوده و در راستای آن گسترش یافته است.

کارگران در سال گذشته قادرند مبارزه را بر سر خود را علیه تصویب قانون کار و در جهت درهم شکستن آن سازماندهی و به پیش برند. این مسئله نشان میدهد که جنبش کارگری از لحاظ سراسری بودن هنوز دچار پراکنندگی است. اما جنبه سراسری شدن مبارزات کارگران را باید در رابطه با شرایط سرکوب فاشیستی و درهم شکستن آن بعنوان شرط مقدم در نظر گرفت. از این رو بکامل مبارزه کارگران در استراحت در رابطه با مبارزات بوده و از مسر و سزای عبور نمینماید.

برگزاری مجامع عمومی کارگری در رابطه با مبارزه سیاسی (علیه ناختمنها و سوراخهای اسلامی و هشت مدرسه تعارضات و غیره و جنگ) و در رابطه با مبارزات اقتصادی کارگری (در رابطه با توضیح خواستن نسبت به حقوقهای موقوفه، وضعیت کارخانه از نظر خرابیها و غیره) در مبارزه کارگران گسترش یافته اند (۲۱ مورد). باید توجه نمود که مجامع عمومی کارگری در مرحله کنونی خصیصه ای خود نگرفته اند و در رابطه با خواسته های روزمره کارگری شکل گرفته اند. در حال حاضر مجامع عمومی در شرایط تعرض رژیم به پایه های ملی طبقه کارگر و حقوق آنان و غیره و بهنگام مبارزات تدافعی و اقتصادی و برانگیزنده کارگری حول خواسته های بیواسطه کارگران در واحدهای جداگانه تولیدی و کارخانجات شکل میگیرند. این مجامع با توجه به خصیصه اقتصادی و خودمختار شدن جنبه پیگیر و دائمی بگیرند مگر آنکه بوسیله هسته ای مخفی از کارگران پیشرو و آگاه رهبری شوند. هسته های رهبری مخفی متشکل از

صورت میگردند به شکل اصلی مبارزه کارگران تبدیل گردید. در رابطه با مطالبات اقتصادی در مجموع ۲۴ مورد اعتصاب کارگری گزارش شده است. افزایش وزن اعتصاب در مبارزات کارگری نشان دهنده رشد سازماندهی و مبارزات کارگران در سال ۶۶ بوده است.

تذکره در مورد جدول شماره ۲ - اگر مجموع حرکات در اشکال مختلف بیشتر از مجموع موارد گزارش شده در این جدول می باشد، به این دلیل است که کارگران در یک حرکت اشکال مختلفی را یکبار برده اند که در مجموع حرکات و اشکال محسوب شده اند. این مورد در مورد مطالبات نیز بهمان ترتیب یکبار برده شده است. به این معنی که کارگران در یک حرکت خود چند خواست را یکجا مطالبه کرده اند.

ارزیابی عمومی از جنبش کارگری در سال گذشته

سال ۶۶ از نظر سیاسی تعیین کننده و مهم در جنبش کارگری بود. در طی سال گذشته، که با ارائه "طرح نوسان اقتصادی" از جانب رژیم اسلامی آغاز گشته و با تصویب یک سلسله قوانین سراسری ضد کارگری، تصویب قانون کار و بیمه بیکاری پایان یافت، جنبش کارگری وارد مرحله جدیدی گردید. که در آن مبارزه کارگران خصوصیات یک نبرد طبقاتی آشکارا را بخود گرفت. ضرورت این نبرد نیز از دو جنبه مطرح گردید. اولاً - از جنبه اقتصادی، چرا که رژیم اسلامی با ارائه طرح اصلاح نوین اقتصادی و سیاست نظامی کردن صنایع و کارخانجات - هویت و موجودیت طبقاتی کارگران را در معرض خطر قرار داد. ثانیاً - از جنبه سیاسی، چرا که رژیم اسلامی با تصویب قوانین ضد کارگری - جهت پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود، سرکوب آنان را بعنوان یک طبقه هدف قرار داده است. از این دو جنبه و در برابر سیاستها و توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران، کارگران بک مبارزه طبقاتی همه جانبه فراخوانده شدند تا از هویت و منافع طبقاتی خود بعنوان یک طبقه دفاع کنند. مرحله جدید جنبش کارگری در سال ۶۶ نیز با همین خصوصیت مشخص میشود.

بر این اساس مبارزات طبقه کارگر در سال ۶۶ به نقطه عطفی از مبارزات اقتصادی و سیاسی نزدیک گردید. که این مرحله از جنبش کارگری را با کیفیت جدید مبارزات توده ای و علنی کارگران در انطباق با شرایط سرکوب فاشیستی، یکاگرایی تا کنیکها و اشکال مناسب در این شرایط، شکل گیری رهبری مخفی مبارزات، سازماندهی و آگاهی کارگران و ویژه از جنبه خصلت سیاسی مبارزات کارگری، مشخص میسازد. از مجموع ۲۱۸ مورد حرکت کارگری در سال گذشته، ۵۲٪ با خصلت اقتصادی و ۴۸٪ با خصلت سیاسی صورت گرفته اند. رشد مبارزه سیاسی کارگران در این مرحله، نتیجه رشد و تکمیل مبارزه طبقاتی در سالهای گذشته و در شرایط شدید بحران اقتصادی و سیاسی و جنگ و بن بست قطعی رژیم در حل بحران و پیشبرد جنگ در سال گذشته بود.

تروریسم، جزء لا ینفك «انقلاب اسلامی»

«مدور انقلاب اسلامی» هم‌روسی می‌باشد.
 ب: اسکد جوهر «اسرا سوال اسم اسلامی»
 حری حرمانع دارودسته حکومت مقلبا سوده
 ورزیم مقلبا از دارودسته های کوچک و بزرگ اسلامی
 درلسنان و نقاط دیگر، سمتا بدارم مقلبا رومالحمه
 سرای کرنی اسنا زار حکومتیای منطفه ودول
 اسربالستی سپره می کرد.
 ج: این ماجرا سار د بگرترونی ذاتی
 وما هیت با مطلاع مپا رزه علیه استکسار جیبا نسی
 وارتحاع منطفه توسط رزیم حاکم رابروستی
 بمعرض تما تا نپا ده و نسا نمیده که این کونسه
 تلاشهای فوق ارتجاعی، چگونه آب تطهیر بر ارتجاع
 منطفه ریخته وفرصت ودستا ویزلازم را به حکومتیای
 امیریا لیستی وسویزه امیریا لسم آمریکا وجناح
 مافوق راست آن میدهد تا تحت عنوان مپا رزه بسا
 تروریسم، به سرکوب کشورهای مترقی وانقلابی
 برخاسته و برنقش خود در ژاندا رمی جپان ستزاید
 د: وبالاخره اسکه هرا قدام رزیم برای
 خروج از انزوا وتنگنا ها بخدمت تبدیل شده وحلقه
 انزوا و فشار را بر گلو ی رزیم تنگ ترمی سازد!

است. مردم ایران در دوران ده ساله حکومت حمینی
 حنا بیتکا روحی بیست از قدرت با بی وی ، تا همد
 بسیج دسته های فاشیستی حزب اللهی ولومین های
 چاقو کشی ، برای سرکوب و قلع و قمع مخالفین
 توسط دارودسته روحانیت حاکم بوده اند . ترور و
 خونریزی که با ترور کارگران سیکا رونبروه های
 سیاسی مخالف و ترور رهبران کانون خلقی ترکمن
 ومردم کردستان واسیدیا شی و ضرب و شتم زنان ،
 قطع دستها و پاها ، در آوردن چشمها و اعدا مواحای
 دهها هزار نفر دیگر و ... اسکا دکسترده و تسوده ای
 یافته است ، ساسا «مدور انقلاب اسلامی» از طریق
 عملیات تروریستی بیرون مرزی ، ادا شده هسان
 سیاست داخلی ، والسته تسپا کوشه ای از آن است .
 در عین حال همین ماجرا سوده خود اسکا کسرت
 جندنگت اس :

الف: اسکا وزنه عصر ترور و سرکوب در
 «انقلاب اسلامی» تا حدی اسلاست و ادا نما سوارا ب
 انزاس ترور و خوشب در ساسا داخلی ، وزن آن در

ایزروزها یکبار دیگر مردم جپان فرصت
 یافتند تا کوشه ای از چهره تروریستی وجلسوه ای
 از چگونگی «مدور انقلاب اسلامی» رزیم ولایت فقیه
 را نظاره گریا سندا . ما جراتی کدا زرسودن سیک
 هوا پیمای مسافربری کویستی از فرودگاه بانکو ک
 شروع میشود و پس از توقف چند روزه در فرودگاه مشهد
 وسوخت گیری وتقویت نفرات واسلحو ومیمات و ... !
 رولانه قبرس والجزایر شده وبالاخره پس از سه هفته
 با کشته شدن دوتن از مسافرین : خاتمه مییابند .
 علیرغم تلاشهای رزیم اسلامی در اثبات عدم مداخله
 خود در این ماجرا ، بدلیل ما هیت رسوا و افشا شده
 رزیم ، مردم جپان تردیدی در همدستی وحتمی
 بالانتراز آن ، در کارگردانی حکومت اسلامی در این
 ماجرا بیخود راه ندادند .

درواقع تروریسم از دیرباز یعنی از همان
 اوان پیدایش حکومت اسلامی ، همزاد آن و یکی
 از دویا به بقا و ابزار موجودیت رزیم جمهوری
 اسلامی ، یعنی عوامفریبی وخشونت وترور ، بوده

جدول شماره ۱۵۰ رزه کارگران کارخانجات بر حسب تعداد کارگران آنها و
 بر حسب اسکال و درجه موفقیت آنها را نشان میدهد . اهمیت کارخانجات بزرگ
 از نظر وزن بالای مپا رزیم سیاسی آنها و درجه موفقیت مپا رزیم آنها و
 اسکا رکنی اسکال بالای مپا رزیم در این کارخانجات از اسکا مپا رزیم
 مسود .
 سگاهی به جنس طیفه کارگران در اسال گذشته نشان می دهد که
 کارگران علیرغم بدتر شدن وضع اشتغال و علیرغم فشارهای وحشانه
 رزیم جمهوری اسلامی ، مپا رزه خود را با فاطمت ادا مه داده اند و کسرت
 سازماندهی خودشان را بهبود بخشیده اند . مپا رزه علیه جنگ ارتجاعی
 در مجموع مپا رزیم طیفه کارگران قهرمان ما جا بگامه مهمی داشته است . و در واقع
 کارگران یکی از فشرده تر سن مفا ومنپا را در مقابل سانسهای جنگی رزیم از
 خودشان داده اند . اسپا سانسهای از سبذاری وسازماندهی اسمدبخشی
 هسند که رهائی کشور ما درگرو است ، ساسا اسمد بزرگ ، اسکا رمقدس سانس
 را سبذت و گسترش بدهم

کارگران انقلابی و بیشر و بیاد ساتلفی کار علمی ومخفی ، از جامع عمومی
 کارگران سنوان بدنه علنی اتحادیه ، جهت رهبری و هدایت مسازرات
 اتحادیه ای کارگران سوجوبند . لازم به تذکر است که ا ۲۱ مورد شکل کسری
 جامع عمومی ۱۲ مورد در اعراض به انجمنها وشورا های اسلامی وهست مدرسه
 سنا ونسپا وغیره بود و ۹ مورد در رابطه با شکل کسری اعتماسات در مپا رزه اقتصادی
 واعترافات عمومی کارگران نسبت به خواستهای اقتصادی (دستمزدها -
 ساعات کار وشرایط کار صورت گرفته) سد .

جدول شماره ۹ (درجه موفقیت مپا رزه کارگران را در اسکال مختلف
 نشان میدهد ، براساس این آمار در هر حرکتی که کارگران فادریه سازماندهی
 مپا رزیم خود شده اند (اعتماسات وغیره) مپا رزه آنان موفق تر بوده است .
 در عین حال کارگران در این مپا رزیم چند خواست خود را یکجا مطرح کرده اند .
 از اینرو بپا هیت هما هنگ کردن وتنظیم خواستها در جریان حرکت توجه
 نمود .

(جدول شماره ۹) اسکال مپا رزه کارگران و درجه موفقیت آنها در اسال ۶۶

اسکال حرکت و درجه موفقیت	اعتماد	کم کاری	تحریم	اعتراض	تحصن	طومار نویسی	مراجعه بدبدر	مجمع عمومی	مراجعه بدبدر	مجمع عمومی
موفق	۲۲	۵	۲۹	۷۸	۵	۱۴	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
نا موفق	۲	۱	۲	۱۰	۴	۲	۷	۲	۲	۲
دستابی به بخشی از خواستها	۱	۱	۳	۸	-	۳	۷	-	۷	-
نامعلوم	۴	۱	۲	۱۹	-	۴	۵	۲	۵	۲

برای تشکیل حزب طبقه کارگر،

پیش به سوی برنامه کمونیستی

(جدول شماره ۱۰) مپا رزه کارگران بر حسب اسکال مپا رزه و تعداد کارگران کارخانجات

شکل مپا رزه و صفت کارخانجات	اعتماد	کم کاری	تحریم	اعتراض	تحصن	طومار نویسی	مراجعه بدبدر	مجمع عمومی	موقع	سامون	دستابی به بخشی از خواستها	نامعلوم
کارخانجات ۱۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰ کارخانجات	۱۲	۲	۲۴	۶۵	۸	۱۱	۲۱	۱۳	۱۰۲	۱۵	۲۱	۱۶
کارخانجات ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ کارخانجات	۱۰	۱	۳	۱۱	۱	۲	۶	۲	۱۵	۲	۳	۷
کارخانجات ۵۰ تا ۱۰۰ کارخانجات	۲	-	۲	۱۵	۱	۱	۱	۱	۹	۸	-	۱۲
کارخانجات ۵ تا ۵۰ کارخانجات	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مجموع	۲۴	۱	۳۰	۱۲۱	۱۶	۱۶	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴

وسازماندهی توده ای کارگران!

اول اردیبهشت روز مقاومت دانشگاه

اردیبهشت امسال هشت سال پرشور و خاوندانه مقاومت تبرمانه و خونین دانشگاه های ایران در سراسر آموزش و پرورش و استادان می گذرد. به این مناسبت ما در دانشگاه های ایران اردیبهشت ۵۹ را که ادامه دهندگان راه شهدای ۱۶ آذر ۳۲ بودند، گرامی می داریم و به مقاومت کنندگان در دانشگاه ها درود می فرستیم.

جنبش دانشجویی ایران که چندین دهه معطلداری را پذیرفته و فعال مبارزه علیه دیکتاتور رژیم وابسته شاه و سلطه امپریالیسم بود، با مبارزات حماسی خود در سرتاسر دوران استبداد پهلوی و سرانجام با از سر گذاردن یک انقلاب توده ای و باغی نقشی بس بزرگ و درخشان در آن، میبایست با عزم و آگاهی بی نهایت بیشتر در برابر رژیم جمهوری اسلامی - که علاوه بر تلاش برای احیای استبداد و اختناق، قصد تسلط مذهب بردانشگاه را نیز در سر می پروراند - به مبارزه ادامه می داد. از سوی دیگر، رژیم اسلامی هم که سرقت دانشگاه و دانشجویان را به عیب و استبداد و اختناق بود، سعی - توانست تا و محسن دیمکراتیک دانشجویی را دست کم بگیرد و آن را مانع کوچکی در برابر مبارزات با زنگنه استبداد و اختناق به حساب آورد. اما آنچه رژیم اسلامی را بس از هر چیز از جنبش دانشجویی به وحشت می انداخت این بود که جنبش دانشجویی از او خرد شده پنجا دیگر فقط یک جنبش دیمکراتیک نبود و با سخت گیری آنکا ره سوی جنبش کارگری، بویژه از انقلاب بنام و وسیع به سمت کارخانه ها جهت گیری کرده و با جنبش کارگری در حال گره خوردن بود. رژیم اسلامی خطرات و عواقب این پیوند میان دانشگاه و کارخانه ها را نمی توانست تحمل کند و شعار "وحدت روحانی" و دانشجویان را "وحدت حوزه و دانشگاه"، در درجه اول



فریدون آشوری
از شهدای دوم اردیبهشت

شعاری برای معالیه وحدت کارگرو دانشجو و وحدت کارخانه و دانشگاه بود.

با توجه به همین عوامل وحدت بود که رژیم اسلامی در جنبش گامهای پیشروی خودسوی حکم استبداد و سخت سرمایه داری، خلاصی از کارگران و دانشجویان را در سرمایه خود فرار



محسن رفعتی

از شهدای دوم اردیبهشت

داوود نجیب عوان "انقلاب فرهنگی اسلامی" و سحر فاختی اوپاس و آرزول چاکوش حزب الله و خط امامی، دانشگاه را در خون دانشجویان انقلابی و آزادخواه عرقه کرد.

اگرچه در سراسر دوران حاکمیت پهلوی آنکا شده بود که رادیکالسم جنبش دانشجویی اساسا بدون دانشجویان ما رکنیست و جیب بوده است، اما مقاومت دانشگاه در دوم اردیبهشت ۵۹ و در سراسر رژیم محمسی این حقیقت آنکا را با درخشش و سرحتگی فوق العاده ای به نمایش گذاشت. ما زمان مجاهدین خلق که در همسویی با حکومت مذهبی و ضد کمونیستی، و در تلاش های هوسوارانه برای دریافت ناشده از "پدر بزرگوار" خود حمیدی، مقاومت برحق خلق های کرد و ترکمن را تخطئه و محکوم می کرد، به مقاومت دیمکراتیک دانشجویان در برابر استبداد و حاکمیت مذهبی نیز پشت کرده و نیروهای خود را از شرکت در مقاومت دانشگاه منع نمود. خیانت مجاهدین و توده ای ها به جنبش دیمکراتیک دانشگاه و دودلی ها و تزلزلات رهبری سازمان فدائی (معنی همانهایی که بعدا "اکثریت" را سو خود آوردند) در سال رژیم جمهوری اسلامی، مانع از وحدت اتحادیه ای و مقاومت یکپارچه دانشجویان شد. با اینحال مقاومت دانشگاه در سراسر آموزش و پرورش استبداد و مذهب، به رادیکالسم دانشجویان کمونیست و جیب تکیه کرد و با دهها شهید، به حمایتی نظیر در تاریخ مبارزاتی دانشجویی ایران تبدیل شد.

"تاریخ نویسی" اسلامی، امروزه می گویند جنبش دانشجویی را اسلامی جا زدند! اما فقط

سراسر تاریخ این جنبش، بلکه همجین و سرحته تر از هر مدرکی، مقاومت دوم اردیبهشت دانشگاه کذب این ادعای مغرورانه ثبوت رسیده است؛ و از اسباب گذشته سز رگودسی با فتنه جنبش دانشجویی در سال های پس از انقلاب فرهنگی اسلامی را در دانشگاه های ایران، به نفع سلطه پادشاهی پلسی و حاکمیت گوناگون، از جمله احسن های اسلامی دانشجویان و جاهد دانشگاهی، بلکه سن از هر چیز، همانا اسلامی شدن دانشگاه ها از طریق نظام گرسش، و عمدتاً سروهای مارکسی و جیب از دانشگاه ها توضیح می دهد.

با اینحال زمینه های مبارزه صنفی و دیمکراتیک و بی مزه سیاسی در دانشگاه های کوسی ایران وجود دارد و خود را عالیا در نال مبارزه معنی، یعنی به شکل یا یکوت انجمن های اسلامی و جاهد دانشگاهی و آنچه که سران رژیم "بی تفاهتی سیاسی اکثریت دانشجویان" می نامند به نمایش می گذارد. با یکوت این نهاد های دولتی - پلسی، با یدیه مبارزه صریح و هدفمند جهت استقلال صنفی و آکادمیک دانشگاه ها و شکل گیری اتحادیه مستقل دانشجویی ارتقاء یابد. "بی تفاهتی سیاسی اکثریت دانشجویان نیز که آخوندها آنهمه با وحشت و اعلام خطرا آن یابد می کنند، چیزی جز مخالفت سیاسی یا دست کم عدم همسویی و همراهی با رژیم حاکمیت؛ و این خود زمینه مساعد و مستعدی است که مخصوص با توجه به مخالفت حدی و گسترده دانشجویان با سیاست ملیت پرستی رژیم اسلامی، لغو معافیت های دانشجویی، اعزام های اجباری به حبس های سربازگانه، دانشگاه ها به حوزه های سربازگاری و آموزش جنگی، می تواند در صورت سازماندهی هسته های مخفی در دانشگاه و اتحاد محافل سیاسی دانشجویی در خارج از دانشگاه به رویش حرکات و مقاومت های صنفی و سیاسی دانشجویی منجر گردد. در اینجا دین هسته های مخفی و محافل دانشجویی، کمونیست ها با یدیه پیش قدم شوند و همچون گذشته، موتور محرک جنبش دانشجویی علیه استبداد و ارتجاع باشند.



یکی از شهدای کمنا م دانشگاه

دردوم اردیبهشت

به یاد رفیق شهید خسرو روزبه

شعرمقاومت

اثر: "روشن"

جان را زورطهٔ این بیدا دبیرون کشیدبا ید ،
گفتند : تا سپیدهٔ فردا ،
با یدبها منتظار ، پشت درپچه ماند ،
فریادزد : هما مشب ، با یدبه کوچه زد ،
فانوس برگرفت و سیا هی را از خانه راند .

* * *

"ساقی" ! (۱)

از "روزبه" دریغ مکن
دشنا موتا زیا نه و زنجیر ،
اما سراغ هیچ رفیقی را از او مگیر ،
"ساقی" !
در جا م جسم کن .
شکنجه باقی .

* * *

بگذارنا رفیقان

آنقدر برپیکرخیا نت پیرا هن تقیه بیوشا نند ،
که استخوان روزبهان را هم دردیگ این نظا م بجوشا نند .

(۱) ساقی = شکنجه گر معروف

سربا زمهره نیست ،

سربا زمی تواندوبا یدا زخویشتن بپرسد :

فرمان آتش از که و برکیست ؟

سربا زکا رگران

سربا زبرزگران

سربا زخلق، یا

سربا زجبههٔ غارتگران کار ؟

سربا زکیستی ؟

و "روزبه" با پرسشی چنین ،

برطاعت کورکورانه شورید ،

شورید و فانونس را ه شد ،

سربا زعاصی شطرنج شاه شد .

* * *

بیهوده "روزبه" شطرنج دوست نمی داشت ،

وقتی که شاه را

سربا زسادهای به هراس و می داشت ؛

* * *

دنباله از صفحه ۲۸

پاسخ به نامه ها

پنج ندی پاسخ کوتاه

★ رفیق "مالا" (سهران) بدکرات ما را در مورد ناخبراسح مرکب
ارسطاط به ما ها از طریق را دو بلوروم روشن کردن دهی کارگران نسبت به
اوزبسون لیسرال و سوره هیف آرای ونسب به فایون کارجد و بدکرات
و سنسها دات دیگر در یافت کرده اسموسعی خود را خوا هم کرد ، با سلامهای آتسن ،
برای سما آروی موفقیت دارم .

★ رفیق سهران ، کمی برده سربا و سراکت های حرب توده و "اکبرست"
حاکم رخا سب ها و همدستی های نلسی آنها با رژیم اسلامی را در یافت کردم و
ساکرا رسم ، بگرائی شما رفیق عزیز ، هر جندی مود است ، اما اثر اف انفلاسی
سما حکا سب دار دو همس ما را مطمئن می کند که در سب لح غیر دوسا به سما ،
سب دوسا نه و سربقی وجود دارد ، نگرائی سما از آنجا سی می بود که به خط
"توده ای" را بدرستی شنا خه اند ، و به خط راه کار رگرا ، اگر حزا س بود مو حبه
می شد که راه کار رگرنمی تواند سرتشه کنده خط توده ای ما شد . نوصه دوسا به
ما به شما اس است که زحمت مطالعه جدی و عمیق مناسی نظری طب توده ای و سبر
راه کار رگرا نه جوددهد و با احساسات به قضاوت سردا زید . موفقیت سما را
در این زمینه خوا ها سم .

با تشکر

KAL

وگاتبه کنید!

★ رفیق اسوب عزیز ، در رابطه با تحلیل سرما له راه کار رگره ۴ ،
از تمهدات و زمینه حسی های جناح رعسحایی برای کسب
دوسوم کرسی های مجلس سوم ، بعنوان یک ارزانی یکجا بیه
وسی نوجهی به کنه گا هها و قدرت طرف مقابل (سارا) با دکرده
بودید ، فکرمی کسبم سنگ که ستاج اشخا با ت مجلس سوم روس سده است ، دیگر
سازی به اسدلال ساسدکه سرما له مرور جدان سراهه برفته بود ، اما به سما
به سارح ۲-۳-۸۸ نند در رابطه ما مفا له ضرورت سنگیل حرب سبب ما رسده است و
درا ولس مرتب ساج سئوالا ت مطروحه را خوا هم داد ، موفق ما سید .

★ رفیق سارک (دارمساب) ، نوصه ها ئی که برای نبود آراس مفا حات
راه کار رگروسا مکارگر کرده اند و سوره حوطه و دقت علامه اندای که در اسس
رمبه مخرج داده اند ، سببا متشان ما سب ، رفقای مسئول ، از نظرات سما
اسعا ده خوا هید کرد و سما رمنا قند که به همکاری و همفکری جودا ما ده هسد .
دست سما را می فشارم .

★ رفیق اردشیر عزیز ، طرح های ارسالی و ساداسب محبت آمیرنان را
در یافت کرده ام . مطلبی هم که در رابطه با طرح برنا مه ما زمان فرسنا ده بودید ،
در ولس مربوطه منعکس خوا هسد ، منظرنا مه های شما همسم ، سلامهای گرم را
بدرسد!

★ رفیق سوسن الف (سهران) - در مورد فرهنگ اصطلاحات سیاسی ، سبه
ساج ما در همس مورد به رفقا فخری - نعمت (در همس ساره) مرا حه کنسد .
موفقیت سما را آرزومی کسب و منظرنا مه های بشیری از شما همسم .

دوره مناسبات حزب کارگران با هنرمندان

(قسمت سوم)



ج) "هنرپرولتری" و پیدایش

رئالیزم سوسیالیستی

دهه بیست و نخستین سالهای دهه سی، یکی از درخشانترین صفحات شکوفایی هنر و ادبیات در اتحاد شوروی است. در این دوران، مجامع هنری بسیاری پدید آمدند، بر شما هنرمندان شوروی افزوده شد و تمرینهای ابتدایی و ناشیانه هنری بتدریج راه خود را به سوی آثار غنی هنری و شکردهای فنی پیچیده تر هموار کرد. هنوز سخنی از روش "رئالیزم انقلابی سوسیالیستی" در میان نبود، معیاد حزب پرولتری از سیاستی روئشن در قبال فعالیتهای ادبی برخوردار بود که آن را طی قطعنامه مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۲۵ تحت عنوان "سیاست حزب در قلمرو ادبیات" بیان نموده بود. اولین بند قطعنامه ورود و جا مع شوروی را به "یک دوران انقلاب فرهنگی که مقدمه ای بر بیروت آتی به سمت یک جامعه کمونیستی است" اعلام می داشت. بنده دوم، به رشد فرهنگ توجه ای واضحی را نوین بروز آن در میان پرولتاریا و دهقانان نظیر "مکاتبات کارگروه ها"، روزنامه های دیواری "اشاره" می نمود و تحول این شکل جنبشی را به "تولیدات ادبی و هنری آگاهانه" خاطر نشان می کرد. بنده سوم پیدایش یک قشر جدید سوزواری در نتیجه سیاست اقتصاد نوین (نپ) و جانبداری، ولونا آگاهانه اما ناگزیر، روشنفکران قدیمی و جدید از این قشر، و نتیجه تاجروزر و حیوانات سوزواری این لایه ها در حوزه ادبی زندگی اجتماعی را توضیح می داد و در نتیجه چارماتیک می نمود که هنریکی از عرصه های مبارزه طبقاتی است، اما عرصه ای که مبارزه طبقاتی در آن به اشکالی بر مات پیچیده تر از سیاست خود را بیان می نماید: "هنر خنثی در یک جامعه طبقاتی وجود ندارد و نویسی تواند وجود داشته باشد؛ هر چند که خلقت طبقاتی هنر بطور عمده و ادبیات بطور خاص، در اشکالی بر مات پیچیده تر، از مثلا، سیاست بیان می شود". بندهای ۵ تا ۸ به واقعیت بنیادین وجود دیکتاتور پرولتاریا، تغییر شکل مبارزه طبقاتی تحت آن، ضرورت خدمت از همکار با سوزواری و به خدمت گرفتن روشنفکران سوسیال آن و نیز ضرورت تصرف مواضع نوین در حوزه ادبیات، بیولوژی، روانشناسی، علوم طبیعی و غیره توسط ماتریالیزم دیا لکتیک اشاره می کند. اما قطعنامه بلافاصله می افزاید که: "با پیدایش طرداشت که این وظیفه نسبت به سایر وظایفی که توسط پرولتاریا به انجام رسیده است، فوق العاده پیچیده تر است. زیرا در چهارچوب جامعه سرمایه داری طبقه کارگری توانست خود را برای یک انقلاب پیروز مندا مده کند، کارها و مبارزین و رهبران خود را پرورش دهد، و سلاح عالی مبارزه سیاسی را بکار گیرد. اما وی نمی تواند تحلیلی ایدئولوژیک از مسائل علمی یا تکنیکی ارائه دهد، همچنین وی نمی تواند بحثها به یک طبقه بلحاظ فرهنگی سرکوب شده، ادبیات خود را خلق

نماید، شکل هنری ویژه خود و سگ خاص خود را بوجود آورد. اگر چه هم اکنون پرولتاریا معیارهای خدشه ناپذیری در مورد مضمون سیاسی - اجتماعی هر تولید هنری در اختیار دارد، اما هنوز دارای پاسخهای قطعی در باره مسائل مربوط به شکل هنری نیست". بنده ۸، ضرورت تشریح سیاست ادبی حزب پرولتری را در قبال رابطه بین نویسندگان پرولتری و دهقانان، نویسندگان هوادار حزب، نویسندگان حزبی، مسئله انتقال ادبی، مسائل مربوط به سبک و شکل تولیدات هنری و شیوه های ایجاد اشکال نوین هنری، و نیز مسائل مربوط به سازماندهی هنرمندان متذکر می شود. بنده های ۹ و ۱۰ به ضرورت ایفای نقش رهبری توسط هنرمندان پرولتری، اتحاد آنها با هنرمندان دهقانی و جلب هر چه سریعتر هنرمندان هوادار حزب به جانب ایدئولوژی کمونیستی اشاره می کنند و در بند ۱۱، بلافاصله علیه پدیده مخرب "لافزنی کمونیستی" هشدار می دهد: "در ارتعاط با نویسندگان پرولتری، حزب باید این موضع را اتخاذ نکند: از هر جهت به رشد آنها ناری رساند و از آنها و سازمانها یان حمایت کند، حزب باید پیرو سبک ایدئولوژیک پرولتری را در میان این گروه جلوگیری نماید. در نتیجه سبک ادبی حاکم حزب در آنها رهبران ایدئولوژیک آتی ادبیات شوروی را می بسند، باید سبک طبقاتی علیه سرچوردان فساد با مپمیل نسبت به سبک فرهنگی کهن و با نسبت به متخصصین امورا ادبی و هنری مبارزه کند، علیه انقباططلبی از یکطرف، و علیه لافزنی کمونیستی از طرف دیگر. این باید شعرا و حزب ما باشد. حزب همچنین باید علیه هر گونه تلاشی در ایجاد دیکتاتور پرولتری ادبیات خالص "پرولتری" مبارزه نماید... (تا کیدها از ما است). بنده ۱۲ به اهمیت "نقد ادبی" به مثابه یکی از ابزارهای اصلی تعلیمات حزب "اشاره می کند و ضرورت نقد جدی کمونیستی از مضمون عینی طبقاتی تولیدات متنوع ادبی را خاطر نشان می نماید. وظیفه اصلی نقد کمونیستی را "مبارزه سرچرمانه علیه تجلیات فدا انقلابی در ادبیات، افشای لیبرالیزم اسمنووخ و در عین حال بیشترین صبر، احتیاط و تحمل برای تمامی رده های ادبی که می توانند و یا خواهند توانست با پرولتاریا همراه شوند" می شمارد. در مورد خصوصیات نقد ادبی، قطعنامه تذکر می دهد که "نقد کمونیستی باید از لحن رایج فرانها ادبی دست بردارد. این انتقاد فقط در صورتی دارای اهمیت عمیق تعلیمی خواهد بود که بر پرولتری ایدئولوژیک متکی باشد، نقد ما رکیستسی باید قاطعانه خود را از اثرات می لافزنی های کمونیستی، مظاهر، بنده - با سواد، و از خود متشکرها کند، شعرا و نقادان کمونیستی باید این باشد. "بیاموز" (تا کیدها از ما است). بنده ۱۳

به صورت سیاست عدم دخالت حزب را در مورد تکمیل فعالیت ادبی اعلام می نماید: "در حالیکه حزب به نحوی لغزش ناپذیر بر مضمون طبقاتی اجتماعی گزارشات ادبی روشنی می افکند، خود را به هیچ وجه ملزم به ترجیح هر نوع جهت گیری خاص در حوزه سبک ادبی نمی بیند. اگر چه حزب به راهنمایی ادبیات بطور کلی مبادرت می نماید، اما نمی تواند هیچیک از فراکسیونهای ادبی را حمایت کند (این فراکسیونها بر حسب دغدغه های متناوب و متناوب در باره شکل و سبک دسته بندی شده اند)، بهمانسان که می توان از طریق قطعنامه ها در باره موضوعات مربوط به تکمیل خانواده تصمیم گرفت، هر چند که منظور عام، حربه احساس یک طریقی سوس رندگی را رهبری می کند و باید در باره آن تصمیم گیری نماید". (تا کیدها در قطعنامه است). بنده ۱۴، بر مبنای بند ۱۳، خواهان رقابت آزادانه گروه ها و کورائات متنوع هنری می شود: "بنا بر این حزب باید از رقابت آزاد در میان گروه ها و کورائات متنوع در این حوزه جانبداری کند. هر تصمیم دیگری غیر از این، یک سبب تصمیم رسمی سوزواری است. همچنین، این امر جانبداری است که از طریق بیانیه یا تصمیم حزبی، انحصار برخی از گروه ها یا سازمانهای ادبی در ادبیات و انتشارات قانونیت یابد. در حالیکه حزب به ادبیات پرولتری و پرولتری - دهقانی حمایت مادی و معنوی می رساند و به هواداران کمک می کند و غیره، حزب نمی تواند برای هیچ نوع گروه خاصی انحصار وجود آورد؛ حتی نسبت به آنها که از لحاظ مضمون ایدئولوژیک، پرولتری ترین باشد؛ این، قبل از همه، بمعنای مرگ ادبیات پرولتری خواهد بود." (بجز دو تا کید اولی، بقیه تا کیدها از ما است). بنده ۱۵ هرگونه دخالت در امور "اداری در امور ادبی را محکوم می نماید و بر ضرورت انتخاب دقیق کارمندان مؤسسات مربوط به مسائل ادبی تاکید می کند. ما ده ۱۶، ضمن اشاره به تفکیک وظایف منقاد نویسنده و توجه به واقعیت معا سر در تولیدات ادبی، به اهمیت تکامل مطبوعات ملیتهای گوناگون در جمهوریها و بلاستهای متعدد اشاره می کند. در خاتمه، قطعنامه ضرورت ایجاد ادبیات برای توده های جواننده، کارگر و دهقان، و گسست قطعی از تعصبات اشرافی در ادبیات را یادآوری می کند. (۱)

قطعنامه ۱۸ ژوئن ۱۹۲۵ حزب کمونیست روسیه، راه آمادگی پرولتاریا برای تسخیر مواضع رهبری در عرصه هنر و ادبیات را نشان می داد. اکنون زمان آن فرا رسیده بود که انقلاب سیاسی و اجتماعی در روسیه شوروی بوسیله یک انقلاب فرهنگی در از مدت بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و تکنیکی جامعه هنری تکمیل شود. دوران

ابرازی داشت و به بزرگ کردن و تحریف واقعیات می پرداخت.

مدلای قهرمان و ضد قهرمان نی از کیفیاتی از پیش مقرر شده برخوردار بودند که بخوبی توسط وقان جیمز بیان شده است: "قهرمان مثبت (با ایده‌شیا را در عین حال زودبا و روضا بنما ید، کسی که کار را دوست می دارد و تحت انضباط درمی آید، متواضع اما بلندپرواز است؛ در احساساتش منزه طلب و سختگیر است و کاملاً توانائی تنفرورزیدن را دارد؛ دست آخر، او در حد واسطه اشتیاق خودجوش و یک خودجوشی سرکوب شده قرار می گیرد؛ با بهترین گوشتیم قهرمانان باید بدانند که چه هنگامی باید خودجوش بنمایند و چه هنگامی فکر شده رفتار نمایند، امری که صداقت و کنشهای آنان را محل تردید قرار می دهد. در مورد قهرمانان منفی، آنها در موضعی متعادل قرار دارند؛ نقش "بدجنس" آنها نحوی تنظیم می شود که از یک طرف آنقدر با تدهک شوننده آن را جدی بگردد و از طرف دیگر آنقدر سستی نشاند که سوننده را خراب کند". (۴) رواجکنش شخصیت، بویژه مطلق کردن هر آن چه در استالین مرسوط می کردید و ارتقاء افکار وی به "حقاسق جاودان" از دیگر تحلیلات ابن روس بود. (۵)

وظیفه اصلی نویسندگان بعنوان "مهندسین روح انسان"، "سعد از تراسی حرب در" "سید فرهنگی"، "سبج و برانگبختن مردم در" "سخت ساختن سوسیا لیزم و نوشتن به نحوی که توده‌های تازه با سواد شده مردم بیخمنده محسوب می شد. بدین منظور اغلب نویسندگان و هنرمندان را به کار در مزارع اشتراکی و یا به شرکت در امر ساختن معایروسدهای بزرگ می فرستادند تا از نزدیک با امر ساختن سوسیا لیزم آشنا شای یا بند.

به یک کلام، مضمون فعالیت هنری، از جایگاه هنرمندان به حوزه‌های از تبلیغات حزب و وسیله‌های مطالبی یا سلیق فرهنگی استالین و دیگر رهبران حزبی اخذ می شد.

"رئالیزم سوسیا لیستی"، از لحاظ شکیل و سیک فعالیت هنری نیز منحصر بفرد تلقی گردید و انحصار مطلق را در این قلمرو اجرا نمود. جمله علیه "فرمالیزم"، "مدرنیسم"، "سمبولیزم" و دیگر اشکال هنری میدان وسیعی یافت و اهمیت این "لغزشها" بهیچوجه کمتر از "جاسوسی" برای امپریالیزم "وهدستی" با "پوزیسیون منحصط" نبود. در مورد جمله به فرمالیزم بهترین سندرسمی، نخستین شماره مجله تئا تربیه سال ۱۹۲۷ است. زیرا این مجله یکی از مهمترین کارزارهای تبلیغاتی را علیه تئا ترمشهور میرهولد (Meyrhold)، یعنی نخستین تئانریس از انقلاب اکتبر، برپا نهادند و سرانجام در ۱۸ ژانویه ۱۹۳۸، کمیته فرهنگی دستور بستن این تئا ترا را در نمود. در این جلسه دربار "فرمالیزم" چنین اظهار نظر می شود: "فرمالیزم یکی از خطرناکترین و مضرترین اشکال نفوذ بورژوازی بر هنر ما را تشکیل می دهد. البته ریشه‌های اصلی آن در خارج یافت می شود، در فرهنگ منط بورژوازی که هم اکنون در حال تجزیه و تلالنی کامل است. در کشور ما، فرمالیزم

تنها از مانده‌ها و بقایای سرمایه‌داری تغذیه می کند... فرمالیزم خطرناکترین دشمن هنر سوسالیستی نوری است. خطر آن عموماً در ابس واقعیت نهفته است که به عوامل ناشیست، به ترونسکنشیا منط بی‌مقدار، به مرتدین راسو به نما می دتماس خلق فرصت می دهد که عفا شد منوروی و صدانقلابی خود را تحت پوشش اسواچ حلدها، ما سورها و "ارزهای رسائی سنا بناند" مستقل ارائه دهد. (۶)

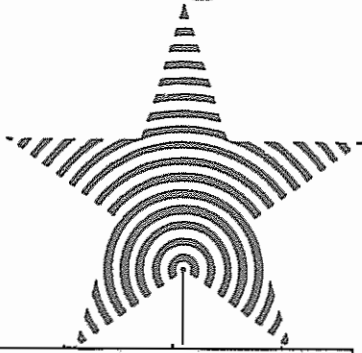
استقرار انحصار حزب در تحسین مضمون و شکل فعالیتهای هنری، بدون سرکوبشای تدید، تعقیبها و اعمال سانسور منظم ممکن نبود. در او خردده سی (۱۹۳۲)، یعنی سالهای سرکوب بیژوف، رئیس ان. ک. و. د. شجریا کشف (Shcherbakov) مسئول اعمال خط حزب در حوزه ادبیات بود. در سالهای چهل، ژدانوف این وظیفه را بعهده گرفت که اکنون نام او بحق یادآور اختناق حاکم بر ادبیات شوروی دوره استالین است. معیندا نکته جالب، سخنرانی ژدانوف در انتقاد از فریاد کارهای سرکوبگرانه در کنگره هیجدهم حزب است. در این مورد، وی به تعریف لطیفه‌ای پرداخت بدین مضمون: "مردی یک جواز پزشکی گرفت با این عنوان که وی از لحاظ مغزی، ما توان از هرگونه انحرافی است". (۷) این اقدامات پلیسی سالهای سی و چهل برای اعمال خط حزب، نام "انقلاب فرهنگی" را بر خود داشت. تئایچ منط این با صلاح "انقلاب فرهنگی" در حوزه شعر، ادبیات، موسیقی، تئاتر، نقاشی، سینما و غیره بوسیله محققان بسیاری آشکار شده است و تشریح تفصیلی آن از حوصله این مقاله خارج است. برای درک برخی از ابعد مسئله تنها می توان به فهرست طولانی هنرمندانی که در دوره گورباچف اعا ده حیثیت شده یا در انتظار عساده حیثیت برمی گردند، رجوع نمود.

۲) ناسیونا لیزم روسی و انزوا طلبی فرهنگی در دهه سی و با لاض در سالهای پس از جنگ همراه با رشد تقویت ناسیونا لیزم روسی در حزب و در دولت، مبارزه با "چیان وطنی" و "ادا و اطوار خارجی" افزایش یافت و ارتباط فرهنگسای هنرمندان شوروی با روشنفکران بشر و غرب هرچه بیشتر تضعیف گردید. برخی از نمونه‌های برجسته این انزوا طلبی فرهنگی را در سخنرانیهای نویسندگان طی اولین کنگره اتحادیه سراسری نویسندگان می توان مشاهده نمود. در این مورد مثل کولتروف چنین اظهار نظر داشت: "رفقا، ما حق نداریم ادسات غرب را بدون آنکه هرگز آنها را دیده‌ایم، مورد نقاب ترا ردهم. طی سال نوزده سال، در کشور ما ارتجاللی جالس محب می نمودند و بر آن سیاحت می شود. برخی از او خوششان می آید، برخی دیگر ویرا دوست ندارند. برخی در ابتدا از او طرفداری می کردند و حالا دیگر نمی خواهند از او صحبتی بشنوند. برخی دیگر، در ابتدا، از مخالفین حارلی چاپلی بودند و سپس از تحسین کنندگان او شدند. با دیدن این سبک نکته جزئی ما سه را افزود: طی پانزده سال گذشته، هیچ فیلمی از چارلی چاپلین در اتحاد شوروی نمایش داده نشده است. "تئالیتا کف در باره آنا ر جیمز جویس چنین اظهار می دارد: "یک کلمه در باره جویس، مباحثات پیرامون او بسیار داغند. برخی

از او دفاع می کنند؛ برخی دیگر به او بد می گویند. و بیشسکی اعلام می کنند که او فوق العاده است. را دک می گوید و پیوسیده است. ما بحثهای بسیاری می کنیم. اما چه کسی کتاب ویرا خوانده است؟ آنا را و نه ترجمه شده اند و نه منتشر شده اند". (۸) این روال پس از جنگ نیز با شدت بیشتری تعقیب شد. در سال ۱۹۴۹، مطبوعات شوروی از نسبت همبستگی را "منظا هر فا قدو جان" "سینکلر لوئیس را فردی با "روح کشیف و حقیر" و لیون فوخت وانگلر، نویسنده مدفا شیست را "دوره گردا دبسی" نامیدند. (۹)

با زتاب روحیه روسی در هنر شوروی راهم اکنون نیز می توان ملاحظه کرد. مثلاً اظهارات ایلیا گلا زونوف یکی از اعضای اتحادیه سراسری نقاشان به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۸ نگاه می بینیم. وی اظهار تاسف می نماید که "تا ریخ چنددهها خیر بکلیسی فراموش شده، هما نظوریکه مفهوم نقاشی روسی فراموش شده؛ با دیدن روسی را احیا کرد، هنری که در زمان خودش غرب را تحت سلطه داشت". (۱۰) اگرچه امروزه این صدا، با مخالفتی بسیار از جانب دیگر هنرمندان روسی می شود، اما نباید فراموش کرد که کنگره اتحادیه سراسری نقاشان علیرغم انتخاب رئیس سون خود، وا زنتسوف حس اعلام می کند: "ما در یک کشور سوسالیست زندگی می کنیم و تما می هنر با سوسالیستی ما شد؛ در عیران صورت این هنر جزئی جسر دروع نخواهد بود". (۱۱) این مقاومت ندد در مقابل هرگونه تلاش برای آزادی هنری، از اساسی و بصمت سات می کرد که برخی از هنرمندان حزبی از انحصار مطلقه "رئالیزم سوسالیستی" یا ادبیات "با روح حزبی" در قلمرو هنر، منافع و موقعیت ویژه‌ای اخذ می نمایند. این منافع با تشریح موقعیت انحصاری هنرمندان مذکور در سازمانهای هنری و انتشاراتی روشنتر می گردد.

۳) استقرار انحصار سازمانی و انتشاراتی گروه‌های هنری وابسته به حزب: هما نظوریکه پیشتر اشاره نمودیم، کلیه گروه‌های متنوع هنری دهه بیست، در سال ۱۹۳۲ منحل شدند و بجای آنها اتحادیه سراسری نویسندگان در سال ۱۹۳۴ پدید آمد. بدین ترتیب نه تنها با اعلام "رئالیزم سوسالیستی" به بنا به شکل مجاز فعالیت هنری، هنر به بخشی از تبلیغات حزب مبدل گردید؛ بلکه همچنین با محو رقابت آزاد گروه‌ها و گرایشات متنوع هنری، انحصار هنرمندان حزبی در امر ادبیات و انتشارات قانونیت یافت. به علاوه اتحادیه سراسری نویسندگان نظیر سایر تشکلهای اتحادیه‌ای، از هرگونه دمکراسی داخلی بی بهره بود. با رزترین تجلی این امر فاصله زمانی برگزاری کنگره اول (۱۹۳۴) و کنگره دوم (۱۹۵۴) این اتحادیه می باشد که بیست سال بطول انجامید. کنگره اتحادیه، سیاست ادبی خود را از کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اخذ می نماید و تصمیمات ارتگانهای رهبری حزب را در مورد مضمون و شکل فعالیت ادبی بکار می بندد. اتحادیه حافظ تامین مادی اعضای خود می باشد. بودجه اعضای اتحادیه توسط لیتفونند (Littfond) یا صندوق ادبی فراهم می شود که موسسه‌ای مجزا از اتحادیه است، اما تحت کنترل مستقیم آن قرار دارد. لیتفونند



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران ارابه کارگرا

- ★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش می گردد .
- ★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب وساعت ۶ صبح روز بعد مجددا پخش می گردد .
- ★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود
- ★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید ؛ ساعت پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

کسکهای مالی و وجوه نشریات را به حساب زیرواریز کرده و رسیدانگی آن راه آدرس فرانس را مال کنید :

CREDIT LYONNAIS
MERCURE 808
CPT.43956* HASSAN
PARIS - FRANCE

آدرس در خارج از کشور

فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS-Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w.Germany



سالگرد تولد مارکس
ولنین را گرامی میداریم

اردیبهشت اسال ، مصادفات صد و هفتادمین سالگرد تولد کارل مارکس ، صد و هجدهمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین ، زا دروژ این دو آموزگار کبیر پرولتاریای جهانی را گرامی می داریم .

کارل مارکس ، با کشف قانون " ارزش اضافی" ، برده از ریشه بهره کشی در جامعه سرمایه داری برداشت . او با تحلیل علمی از تضاد کار و سرمایه و روند بحران های ذاتی سرمایه داری ، ناگزیری مرگ این نظام مورتولد سوسیالیسم را به ثبوت رساند و سوسیالیسم علمی را در برابر سوسیالیسم تخیلی بنا کرد . نکته اصلی و اساسی در سوسیالیسم علمی و بزرگترین کشف مارکس عبارت از این بود که تنها انقلاب اجتماعی طبقه کارگر است که میتواند بساط بهره کشی سرمایه دارانه را از گون کرده و دنیای نوین بری از استعمار و طبقات را بسازد ؛ و سرمایه داری با توسعه خود ، گورگن خویش ، یعنی طبقه کارگر را در درون خود می پروراند ، یکی از مهم ترین جنبه های این کشف تاریخ ساز - آنچه تا آنکه مارکس و رفیق و همزمین انگلس در مانیفست کمونیست نوشتند - این بود که رها نشی طبقه کارگر ، تنها بدست خود کارگران میسر است ؛ مارکس ، کمونیسم علمی ، یعنی علم رها نشی پرولتاریا را پایه گذاری کرد و انقلاب اجتماعی ، دیکتاتوری پرولتاریا و انترناسیونالیسم پرولتری را بعنوان مهمترین شرایط رها نشی پرولتاریا ، در برابر کارگران نهاد . ولادیمیر ایلیچ لنین ، جوهر انقلابی آموزش های مارکس را در طول دوده مبرارزه

انقلابی طبقه کارگر روسیه احیا کرد و مارکسیسم را نه فقط با شرایط روسیه بطور خلاصه ای تطبیقی داد ، بلکه آنرا به نحوی حیاتی شمول سرعت امپریالیسم مطلق با حده و از حیث گویا کون نکامل داد . لنین بعنوان مارکسیسم عصر امپریالیسم ، به مسائل جدید و بیجده انقلاب جهانی پرولتاریا در عصر امپریالیسم ، با وفاداری کامل به اصول مارکسیسم سطح داد و با آموزش و درخان خود در باره مسائل دولت و انقلاب ؛ دیکتاتوری پرولتاریا ؛ همزیستی پرولتاریا ؛ مسئله متحدین طبقه کارگر ؛ مسئله ملی ؛ انترناسیونالیسم پرولتری ؛ حزب طراز نوین طبقه کارگر ؛ سانترالیسم دمکراتیک ؛ دمکراسی شورائی ؛ انقلاب در یک کشور ؛ انقلاب مداوم ؛ با ختم ان سوسیالیسم و غیره ، تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتاریائی را به مدارج بالائی ارتقاء داد . لنین با رهبری بیروزمانده انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر کمونیسم علمی مارکس ، یعنی علم رها نشی پرولتاریا را به عمل در آورد ، تجربه طبقه کارگر جهانی ، از انقلاب اکتبر بدینوسیله نکل قاطع و انکارنا پذیری اشبات کرده است که در عصر ما برای مارکسیست بودن ، راهی جز لنینیسم نیست و عملی شدن اهداف مارکسیستی و رها نشی طبقه کارگر ، تنها با وفاداری به لنینیسم امکان پذیر است .

با کمک های مالی خود
سازمان را در امر مبارزه
انقلابی یاری رسانید

مهر
در باره مناسبات
حزب کارگران با هنرمندان
(قسمت سوم) در صفحه ۳۶

برای سفارش یا سفارش
از خارج کشور ، با شماره تلفن
۰۲۱۶۹۶۱۲ - ۰۲۱۶۹۶۱۳ در تهران
مجلس بکریه ، مطبوعه نشر
مکالمات طبیبی ، با خارج از کشور
موسسه ریحان ، مطبوعه مطبوعه
شراعی از داخل کشور با این شماره
تلفن تماس بگیرید .

